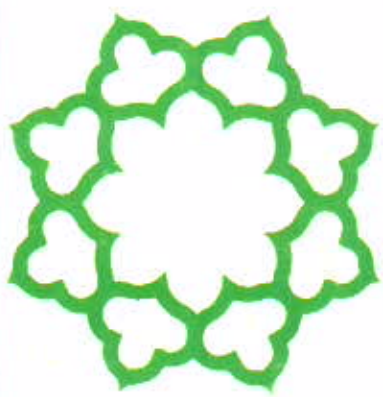


رشد

آموزش راهنمایی تحصیلی



سال چهارم - بهار ۱۳۷۶ - شماره ۱۳ - بها ۱۵۰ تومان



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش پرورش

وقفت آموزش راهنمایی تحصیلی ۱۳

سال چهارم - بهار ۱۳۷۶

نشریه گروه راهنمایی تحصیلی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی

مدیر مسئول: حسن ملکی

سر دبیر: جعفر ربانی

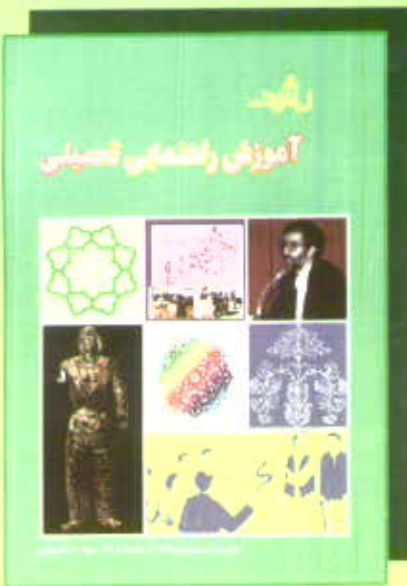
تولید: اداره کل چاپ و توزیع کتابهای درسی

صفحه آرا: خالد قهرمانی دهبکری

طراح جلد: فرید فرخنده کیش

ناظر چاپ: محمد کشمیری

چاپ: شرکت افست



نشانی مجله: تهران - ابتدای ایرانشهر شمالی - دفتر برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی - صندوق پستی ۳۶۲ - ۱۵۸۵۵ تلفن سردبیری ۴ - ۸۳۹۲۶۲ : خطی ۲۶۴ و ۸۳۲۰۲۴
نشانی مرکز توزیع: تهران - جاده اعلی، خیابان سازمان آب، خیابان چهارم - مرکز توزیع انتشارات کمک آموزشی - تلفن ۷۳۳۳۱۹۲ - ۷۳۳۵۱۱

صفحه	موضوع	مؤلف
۴	مصاحبه	گفتگو با مؤلف
۹	سید یونس نور اشرف الدین	نگاهی به کتابهای فارسی دوره راهنمایی
۱۱		شوخی طبیعی آگاه
۱۲	دکتر علی اصغر احمدی	زیربنای روان شناختی تربیت دینی نوجوانان
۲۱	محمد کرام الدینی	ارزیابی سواد علمی
۲۴	فتح الله فروغی	همراه با تجربه (مصاحبه)
۳۰	علی چراغی	دبیر عربی کیست؟
۳۲	غلامرضا قدری	تذکر بجا!
۳۳	ایران حاج نبی	با دانش آموزان مصری در کلاس تاریخ
۳۸	مسعود جوادیان	موزه و آموزش تاریخ
۴۶	شهلا زارعی و منیره بهبودی	نکاتی چند در مورد جنبه های کاربردی زبان
۴۹	رحیمی نیا	Classroom English
۵۰		شهردار مدرسه
۵۳	محمد مهدی ناصری	خانواده و تعلیمات اجتماعی
۴۴	ابراج میرز	درس استاد (شعر)
۴۵		نقل قولها
۵۸		معرفی کتاب
۶۰		نمایه

مجله رشد آموزش راهنمایی سه شماره در سال تحصیلی به منظور اعتدالی دانش دبیران، دوره راهنمایی تحصیلی و دانشجویان مراکز تربیت معلم و سایر علاقه مندان منتشر می شود. نویسندگان و پژوهشگران و دانشجویان، مدیران، دبیران و مربیان علاقه مند می توانند مقالات خود را برای چاپ در اختیار این مجله بگذارند. مطالب ارسالی باید بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته شود. مشخصات دقیق نویسنده و میزان تحصیلات و تجربه و آدرس وی در مقاله درج شود. مقالات ترجمه شده با مقاله اصلی همراه باشد. منابع مقاله در پایین آن ذکر شود. مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقالات رسیده آزاد است. مقالات رد شده بازگردانده نمی شود. مقالات چاپ شده الزاماً مبین نظر گروه آموزش راهنمایی تحصیلی و سردبیری نیست.

سر مقاله

تا این شماره چهارمین سال انتشار مجله به پایان می‌رسد و از اول سال تحصیلی آینده (مهر ۷۶) پنجمین سال آن آغاز خواهد شد. خدا را بر این نعمت ستایش می‌گزاریم و از او توفیق بیشتر می‌طلبیم.

مجله رسد رهنمایی تحصیلی تنها مجله‌ای است که برای معلمان و دبیران دوره رهنمایی، در رشته‌های مختلف، منتشر می‌شود و اگر چه در هر سال، باکنون، بیس از سه شماره از آن نشر نیافته است و به لحاظ موضوع نیز - بنا به هدف و سیاست مجله - نوعی برکتی در آن مشاهده می‌شده است با این حال کارنامه چند ساله‌اش پر پرگ و ان‌شاء‌الله پر بار هم بوده است. گاهی به نایب هفت شماره آخر مجله (شماره ۷ تا ۱۲) که در همین شماره چاپ شده است نشان می‌دهد که بر روی هم مقالات و نوشتارهای مفیدی در زمینه هر یک از دروس دوره رهنمایی در این مدت انتشار یافته است و مطالعه همین مقدار مطلب در هر زمینه می‌تواند بر دانش و بینش معلمان که مخاطبان اصلی مجله هستند بیفزاید.

مجله از سال آینده در چهار شماره - چهار فصل - منتشر خواهد شد. هیئت تحریریه در نظر دارد در دوره جدید بر غنا و کیفیت مطالب بفرزاند و بویژه در درس‌های چون علوم، ریاضی و ادبیات فارسی که در استوار کردن اندیشه و قوام بحسین به ذهن دانش‌آموز نقش اساسی دارند بر صفحات مجله بفرزاند ضمن آن که درس‌های دیگر نیز جایگاه مناسب خود را خواهند داشت.

در زمینه جات مقالات عمومی، بویژه در حیطه نقش و وظائف مدیران مدارس و دیگر عوامل اجرایی که در رأس هر دو تشکیلاتی مدرسه قرار دارند نیز توجه لازم خواهد شد.

درباره نیاز مجله به همکاری و جلب نظر همکاران صاحب‌نظر به تکرار سخن گفته‌ایم. در این مورد متأسفانه ما چندان موفق بوده‌ایم که یکی از علت‌های آن عدم توزیع گسترده مجله در مدارس و در میان معلمان بوده است. با این حال همین اندک رباط و معدود نامه‌هایی که از همکارانمان در گوشه و کنار کشور رسیده تردیدی باقی نمی‌گذارد که ما معلمان بسیار توانایی داریم که اگر عرصه‌ای باشد ما سخن خود را عرضه کنیم سخنمان شنیده و بذرفه خواهد شد. مجله رسد رهنمایی چنین عرصه‌ای است و اگر چه فرخ نیست، باری، می‌تواند به فرموده سعدی «فصحیحی» برای «مرد سخن‌گوی» فراهم سازد تا «گویی» بزند.

دو سخن دیگر باقی است اول، سخنی با مدیران کل اجرایی در استان‌ها و کارشناسان گروه آموزش رهنمایی. این مجله در دو سال اول انتشار به هر گمان در مدارس رهنمایی کشور توزیع می‌شد و از این رو حداقل بیست هزار مدرسه به آن دسترسی داشتند. به دنبال تغییر و تحولات در سیاست‌های اقتصادی دولت توزیع رایگان متوقف شد و قیمت مجله نیز افزایش یافت. به دنبال آن ارتباط مجله با مخاطبان نیز قطع شد با نزدیک به قطع رسید که هنوز هم چنان که باید ترمیم نیافته است. سخن ما این است که برای وزارت آموزش و پرورش مکان توزیع رایگان مجله در سطح وسیع وجود ندارد اما ادارات کل و ادارات شهرستان‌ها و مناطق می‌توانند از بودجه سرانه یا بودجه تجهیزات مدارس یا بودجه خرید کتاب و از این قبیل بودجه‌ها سهم اندکی را به اسراک مجله برای واحدهای آموزشی اختصاص دهند و نه تنها این مجله بلکه همه مجلات رسد تخصصی و یکی چند مجله دیگر را مشترک شوند. این پیشنهاد ما است و روشن است که اجرای آن می‌تواند، تا اندازه‌ای، دبیران مدارس را که به جرّ عدد کمی از آنان به منابع آموزشی و کمک آموزشی دسترسی ندارند در جهت درس فرای کمک کند. تا آنجا که اطلاع داریم در همین سال جاری (۷۶-۷۵) ادارات کل استان‌های خراسان و همدان چنین اقدامی کردند و استان اصفهان نیز در تدارک آن است. جا دارد از این عزیزان تشکر کنیم.

سخن دوه و نمانی این که؛ از سال آینده تولید و توزیع این مجله و سایر مجلات رسد تخصصی به دفتر انتشارات کمک‌آموزشی که وظیفه تولید و انتشار مجلات رسد عمومی را نیز به عهده دارد، محول خواهد شد. امیدواریم این امر نیز در جهت انتشار درست مجلات مؤثر باشد.

سر دبیر

گفتگو با مؤلف

گفتگویی که متن آن را در اینجا ملاحظه می‌کنید در مرداد ماه ۱۳۷۵ بین آقای دکتر حداد عادل و جمعی از مدرسان ضمن خدمت و دبیران دوره‌های راهنمایی، در باشگاه فرهنگیان تهران، صورت گرفته است. آقای دکتر غلامعلی حداد عادل رئیس شورای تألیف کتابهای فارسی راهنمایی و خود یکی از مؤلفان این کتابها هستند. جمع حاضر در این گفتگو از سوی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف برای یک گردهمایی سه روزه به منظور آشنایی با کتاب فارسی سوم راهنمایی (جدیدالتألیف) به تهران دعوت شده بودند. از گروه ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی که متن این مصاحبه را در اختیار مجله نهادند سپاسگزاریم.

زند



ندارد که چندین هزار معلم راهنمایی را از سراسر کشور جمع کنیم و بخواهیم همه آنها آموزش دهیم. باید به همین ترتیب فعلی عمل کرد. ولی شرط کار این است که شما این امانت را به معنی آموخته‌هاشان طی دوره‌های در اختیار همکاران خود قرار دهید.

مقصود و منظور وزارت آموزش و پرورش هم از برگزاری دوره‌های ضمن خدمت همین است.

● شما در سخنان خود درباره زبان و اندیشه صحبت کردید. لطفاً منظور خود را روشن‌تر بیان کنید.

دکتر حداد عادل: اندیشیدن محض زبانی خاص نیست. بلکه مرده با زبانهای مختلف صاحب اندیشه و تفکر هستند. اندیشه قبل از این که ملیت به لباس زبان تنود چیزی گنگ و مبهم است. در واقع زبان و تفکر رابطه‌ای تنگاتنگ دارند. شما بعد است کسی را پیدا کنید که ذهنش روشن و زبانش گنگ باشد. عکس این قضیه هم صادق است.

● معلومات هفتگانه‌ای یکروزه کتابهای فارسی ما را تشکیل می‌دهد. در واقع شما مطالب مربوط به علوم دیگر مثل تاریخ، هنر، دین، علوم تجربی



● اغلب دوره‌هایی که برگزار می‌شود، در ظاهر برای بررسی کتابی مشخص است ولی در عمل به بررسی اهداف این کتابها و مؤلفان آنها می‌پردازد. بهتر است این دوره‌ها در واقع به بررسی کتابها بپردازند تا به این ترتیب بعضی مشکلات و ابهامات کتابهای درسی رفع شود. نکته دیگر این که بهتر است به جای سرگروه‌های آموزشی یا عده‌ای از مدرسان، دبیران راهنمایی که به طور مستقیم با کتاب و دانش آموز در ارتباط هستند، در این گونه جلسات حضور یابند و مشکلات خود را مطرح کنند.

دکتر حداد عادل: هدف ما در این جا جلب کردن توجه شما به کتاب است. ما کتابهای درسی را همواره در معرض نظر خواهی قرار می‌دهیم. در باب تماس بی واسطه با معلمان نیز شما سخن درستی می‌گویید که در حد مقدور این کار انجام شده است. ما هر یک از سه کتاب دوره راهنمایی را پیش از انتشار عمومی آموزش داده‌ایم و واکنش دانش‌آموزان را درباره آنها ارزیابی کرده‌ایم. بعد از هر یک از این دوره‌ها، ما انتظار داریم که دوستان شرکت‌کننده در دوره، تجربه‌ها و آموخته‌های خود را به همکارانشان منتقل کنند ولی متأسفانه گاه این گونه نمی‌شود. برای ما امکان

اندیشه قبل از این که ملیت به لباس زبان شود چیزی گنگ و مبهم است. در واقع زبان و تفکر رابطه‌ای تنگاتنگ دارند.

و... در قالب کتابهای فارسی مطرح کرده، بد-
آیا وقت آن نرسیده است که کتاب فارسی را به
زبان فارسی اختصاص دهیم و این علوم را به
ظرفهای متعلق به آنها یعنی کتابهای درسی مربوطه،
بسیاریم؟

دکتر حداد عادل: زبان زمانی توانایی می‌یابد
و بدرسی آموخته می‌شود که در همه عرصه‌ها
زموده گردد و در حوزه‌های متعدد به کار گرفته
شود. باید درباره علم، جامعه، هنر، دین، اخلاق
و طبیعت به زبان فارسی سخن گفت و این
اعتراض موجهی نیست که چرا در کتاب فارسی
ما مطالبی از علوم مختلف آمده است. ما اگر چه
مسائل مختلف را در کتابهای فارسی مطرح
کرده‌ایم، اما هیچ‌گاه وارد مباحث تخصصی
نشده‌ایم. هدف از این کار غنی ساختن ذهن
دانش آموز بوده است. در عین حال که معلم هم
ممکن است با دیدی تازه به این مسائل نگاه کند و
از آنها چیزهای زیادی بیاموزد.

● با بررسی کتابهای فارسی دوره راهنمایی
درمی‌یابیم که بین کتابها با وجود آن که بسیار
تغییر یافته و مبنای عمیق‌تری گرفته‌اند ولی درک
مشخص و بارز از زبان‌شناسی و ساخت زبان
به عنوان یک علم در نالیف آنها وجود نداشته
است. دیگر این که ارتباط زیاد و قابل توجهی
میان کتابها از دوره ابتدای دبیرستان وجود
ندارد. با توجه به حساسیت بین دوره‌سنی از
نظر زبان آموزی، به ارتباط میان کتابها و لزوم
وجود این ارتباط باید با دیدی همه‌جانبه و وسیع
نگریست. مسأله دیگر این است که ما سری
آموزش زبان فارسی، کتابهای جامعی نداریم.
محتوی این کتابها می‌تواند باز آفرینی نمون قدیمی
ادبیات فارسی باشد که با موضوعات مورد آموزش
ما تطبیق و هماهنگی نیز دارد.

نکته ی که در آخر باید به آن اشاره کنه، این
است که قوانین نظام فرهنگی ما قوانین ثابتی نیست
که مراحل تکاملی خود را در زمان مربوط به خود
طی کنه؛ بدون این که از مسائل سیاسی تأثیر

بپذیرد. متأسفانه همواره جریانات سیاسی مسائل
فرهنگی را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ مثلاً با آمدن
وزیر جدید، رشته‌های وزیر قبلی ینبه می‌شود.

دکتر حداد عادل: من با صحبت‌های شما
موفق هستم و آنچه را که گفتید تأیید می‌کنم. اما
در مورد ین کتاب درسی خلاف گفته شما به
اثبات رسیده است. چرا که معاون وزیر رفه و
معاون دیگری آمده ولی بنده هنوز در خدمت شما
هستم.

● با وجود اهمیت و ضرورت طرح مسائلی
از قبیل هنر در کتابهای فارسی، هنوز برای بعضی
معلمان ما هدف از این امر جا نیفتاده است. ما
در مواردی با ین مسأله روبه‌رو هستیم که مثلاً
در کتاب فارسی درباره یک اثر تاریخی صحبت
شده ولی سابقه تاریخی آن روشن نشده است یا
نام محلی آمده ولی تلفظ آن درست نیست. از
طرفی در پایان کتاب هم مرجع اثر یا منبعی که
بتوان اطلاعاتی از آن کسب کرد، معرفی نشده
است. ین مسأله و مسأله درک نکردن لزوم طرح
مباحث هنری و... در کتاب فارسی، دست به
دست هم می‌دهد و برای معلم فارسی دوره
راهنمایی مشکل می‌آفریند.

نکته دیگر در باب کتاب آیین نگارش است.
ین کتاب در عین ین که سبک جالبی دارد، ولی
وقتی هر یک از بخش‌های آن برای تدریس در
خبر یک معلم قرار می‌گیرد، یکی دستور و
دیگری فارسی و سومی نگارش را از ین کتاب
درس می‌دهند و هر یک زاویه دید و نگرش و
نمود مخصوص به خود نیز دارند، آن وقت ما
نمی‌توانیم به نسخه‌ای که از آموزش ین کتاب در
ذهن داریم، دست بایم.

در سه کتاب فارسی دوره راهنمایی، بویژه در
کتاب سال دوم، ما بیشتر با نویسندگان خارجی و
ترجمه آثار آنها روبه‌رو هستیم. در حالی که ما در
ادبیات معاصر خود آثار خوب و مطرح، که نداریم
و داستانهای جملارده، آل احمد و... تأثیر بیشتری
روی معلم و دانش‌آموز دارد. علت این گزینش و

این بی توجهی نسبت به ادبیات معاصر چیست؟
مسأله دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم این
است که بعضی معلمان ما نسبت به آموزش و
مطالبی که آموزش می‌دهند، دیدی سنتی دارند و
خود را بسختی یا تألیفات جدید وفق می‌دهند.

دکتر حداد عادل: واقعیت این است که پس
از انقلاب اسلامی، تفسیری در ارزش‌ها و
نگرش‌های ملت ما ایجاد شد که متأسفانه بعضی
از داستان‌نویسان پیام و جا افتاده ما این حقیقت
را پذیرفته‌اند. پس نوشته‌های اغلب آنها برای
طرح در کتابهای فارسی چندان مناسب نیست.
البته در آثار آل احمد و یکی دو نفر دیگر می‌توان
نمونه‌های خوب و قابل استفاده‌ای یافت. علاوه
بر این، حجم کم درسها و طرح و جارجوب کتاب
نیز چندان راه به داستان نمی‌برد. ما قبلاً در تدوین
کتاب محدودیت داشتیم؛ یعنی از قبل مشخص
شده بود که مثلاً موضوع درس بیست و یکم کتاب
سوه چه باید باشد. پس ما باید به دنبال موضوعی
می‌گشیم که بتواند در آن ظرف مشخص جا
بگیرد. در مواردی موضوع مشخص بود ولی ما
از نویسندگان داخلی کسی را نمی‌یافتیم که درباره
آن موضوع مشخص چیزی نوشته باشند. مثلاً
درباره «آسمان» یک قطعه ادبی با داستان
می‌خواستیم ولی پیدا نکردیم؛ بنابراین به ادبیات
غیر ایرانی مراجعه کردیم.

با این حال، اگر به جای نمونه‌های موجود،
داستان‌موردی را سراغ دارند که ویژگیهای
مورد نظر را نیز داشته باشند، معرفی کنند. در
مورد آمدن تلفظهای نادرست در کتاب یا مسأله
اعراب‌گذاری نکردن اسامی خاص یا مطرح نکردن
مرجع ما منبع برای مراجعه دبیران محترم، باید
بگویم ین مشکلات نباید باعث شود که کل کتاب
را نفی کنیم. مسائلی که برشمردیم با اعراب‌گذاری
اسامی، تصحیح تلفظهای نادرست، معرفی مرجع
و... حل می‌شود و باید طرح شود تا درصد رفع
و حل آنها برآیم.

● جایگاه ادبیات و زبان فارسی در جامعه ما

و بویژه در مدارس مشخص نشده است. برای این مسأله چه جاره‌ای اندیشیده‌اید؟

دکتر حداد عادل: وزارت آموزش و پرورش خوشبختانه به این امر مهم توجه دارد و در این زمینه اقدامات مشخصی نیز صورت پذیرفته است که از آن جمله توجه به رشته ادبیات و علوم انسانی در مدرسه‌هاست. از حدود ده سال پیش، رشته‌های اقتصاد اجتماعی و فرهنگ و ادب که وضعی آشفته داشتند، برجسته شدند و رشته جدیدی به نام «ادبیات و علوم انسانی» به وجود آمد. پس از این در کشور نشانه‌هایی از توجه خاص به این رشته دیده شد که از جمله تأسیس دبیرستان مخصوص به این رشته به نام دبیرستان «فرهنگ» در تهران بود که این تجربه سبب شد شورای در وزارتخانه به وجود آید و تصمیماتی مبنی بر تأسیس دبیرستانهای موسوم به «فرهنگ» به صورت نمونه دولتی مخصوص رشته ادبیات و علوم انسانی یا ساختمان مستقل و بدون آمیختگی با رشته‌های دیگر، گرفته شود.

امسال در شهرهای مشهد، نیشابور، اراک، اصفهان، تبریز، سیراز و قم هم این گونه دبیرستانها تأسیس می‌شود و به احتمال قوی در مهر ماه ۷۶ در هر مرکز استان یا در غالب مراکز استانها، یک دبیرستان پسرانه و یک دبیرستان دخترانه برای رشته ادبیات و علوم انسانی تأسیس خواهد شد. این دبیرستانها دانش‌آموزانی را می‌پذیرند که مثلاً معدل ۱۷ به بالا داشته باشند و با پذیرش کمیته محدود از دانش‌آموزان، کیفیت آموزشی مطلوبی را عرضه خواهند کرد.

کوشش بر این است که حینت از دست رفته رشته ادبیات و علوم انسانی در سطح دبیرستان اعاده شود. پیوند و اتحادی نیز بین مدیران و معلمان این مدارس فرهنگ برقرار شده و خواهد شد و قرار است که طی سال تحصیلی به طور مرتب جلسه داشته باشند و تبادل تجربه کنند.

قدم دیگر، برگزاری المپیاد ادبی در کنار المپیادهای ریاضی، شیمی، کامپیوتر و فیزیک



پس از انقلاب اسلامی، تغییری در ارزشها و نگرش‌های ملت ما ایجاد شد که متأسفانه بعضی از داستان نویسان بنام و جا افتاده‌ها این حقیقت را نپذیرفته اند



است. در سال تحصیلی ۷۵-۷۴، ۲۱ هزار و ۷۰۰ نفر در این المپیاد شرکت کردند. روال کار این گونه است که برگزیدگان در دو مرحله انتخاب می‌شوند و نقرات برگزیده مرحله نهایی به خارج از کشور اعزام می‌گردند. سال گذشته فرهنگستان زبان و ادب فارسی هزینه اعزام برگزیدگان المپیاد ادبی را به کشور هندوستان تقبل کرد. امسال نیز دانش‌آموزان برگزیده با هزینه فرهنگستان به کشور پاکستان اعزام می‌شوند. این امر خود موجی را در میان دانش‌آموزان رشته ادبیات برانگیخته است.

در وزارت آموزش و پرورش به شکل‌های مختلف به این موضوع توجه شده است و قرار است پژوهشی هم درباره مسائل و مشکلات آموزش ادب فارسی در سطح مدارس بجاء شود و بر اساس نتایج این پژوهش، راه‌حلهای نیز ارائه گردد.

در زمینه اقدامات عملی برای احیا و تقویت رشته ادبیات و علوم انسانی کارهایی به عهده دولت، وزارتخانه و فرهنگستان است ولی همه‌ما نیز باید در استانهای خودمان همت کنیم و به این رشته آبرویی دوباره بخشیم. نگذاریم افراد با سواد و ادب متزوی شوند و به دلایل مختلف از

وجودشان استفاده نشود. معلمان ادبیات نیز باید سطح این درس را بالا نگه‌دارند و با شرکت در کلاسهای ضمن خدمت و کار و مطالعه بیشتر در این زمینه، رشته ادبیات را غنا بخشند و بر اعتبار آن بیفزایند.

● مسأله‌ای را که می‌خواهم درباره‌اش صحبت کنم مسأله مدارس نمونه تیزهوشان است. در استان ما این گونه مدارس مخصوص رشته‌های ریاضی و تجربی است. برای رشته ادبیات فارسی در این مدارس جای وجود ندارد و چه بسا باید دانش‌آموزانی که در زمینه ادبیات استعداد دارند و تیزهوش هم هستند ولی باید وارد رشته‌هایی غیر از ادبیات شوند. این امر گرنگویی دوگانه‌ای آنها را می‌گرداند. قل آن گرنگ می‌کند پس باید به این موضوع هم چندتیم.

دیگر این که پیایه رشته زبان و ادبیات فارسی را از حالت نظری صرف در آوریم و آن را عملی‌تر کنیم. مثلاً استفاده از تصویرها، وسایل کمک آموزشی و... می‌تواند به این رشته جذابیت بیشتری بدهد که البته از تصویر در کتابهای دوره راهنمایی خوب و بجا استفاده شده است.

مسأله بعدی موضوع چاپ و توزیع کتابهای درسی است. سال گذشته دانش‌آموزان ما ناچند ماه بعد از شروع سال تحصیلی کتاب فارسی نداشتند و معلمان ادبیات ما نمی‌دانستند چه کنند.

طبعاً این دوررسیدن کتاب درسی باعث می‌شود که معلم پس از دریافت کتاب، بسرعت درس بدهد و از بسیاری مسائل سرسری بگذرد تا بتواند خود را به برنامه هماهنگ امتحانات ترم اول و دوم برساند.

مورد دیگر مسأله کار روی گویسه‌هاست که لازم است ما برای تقویت زبان فارسی تا حدود زیادی روی گویسه‌های مختلف این زبان کار کنیم. این کار مربوط به فرهنگستان هم هست. باید بگویم فرهنگستان در مورد ورود و ازدهای بیگانه به زبان فارسی نیز کمتر کار کرده است و سیل و ازدهای بیگانه هنوز هم به زبان ما سرزیر است. ما اکنون

حتی یک شیوه‌نامه دقیق املائی ندارد. هر کس به سودای می نویسد، مثلاً مجله رشد کلمه‌ی را به گونه‌ی می نویسد و در کتاب فارسی همان کلمه به شکل دیگری می‌آید. حتی در خود کتاب فارسی در یک صفحه «بدره» به ملای پیوسته و در صفحه دیگر «به درد» با املائی گسسته نوشته می‌شود. لازمه است که ما از همه مکانات برای بسط کار خود و ارتقای کیفی کتابها و سطح آموزش ادبیات فارسی استفاده کنیم. ژانولب هم انتظار دارد در این مورد مهم سرمایه‌گذاری لازمه را بکند.

دکتر حداد عادل: من بررسی‌هایی را به طور هنگامی بری سما مطرح می‌کنم. اگر در استان سما یک مدرسه خوب برای رشته ادبیات وجود انسانی تأسیس شود، آنجا حصری فرزند با استعدادان را بگذارد، بروود ادبیات فارسی بخواند، داستان ادبیات فارسی را سمایی دراز و عمیق بخیزد. ما می‌توانیم در گامهای نخست تعداد زیادی از دبیرستانهای فرهنگ را تأسیس کنیم؛ چرا که در آن صورت، کیفیت فدای کمیت می‌شود. ما باید نگرشها را نسبت به این رشته تغییر دهیم تا اگر کسی فرزندتی داشت که مثلاً معدل او ۱۹ بود، دست و پا بگردد و او را در این مدارس ثبت نام کند.

در این مورد سما معلمان باید نگاه کنند تا دیگران نیز به دنبال سما در این مسیر گام نهند. اگر سما که معلم ادبیات هستید، فرزند خود را به وجود استعداد ذاتی و غلافه‌اش به رشته ادبیات، در رشته ریاضی ثبت نام کنید، دیگر نمی‌توانید درباره همتا ریاضی و ادب فارسی داد سخن دهید.

● سوال من چند قسمت دارد:

- ۱- با تغییر کتابهای درسی و تألیف کتابهای جدید سامان دوره دبیرستان هم خواهد شد؟
- ۲- یکی از علل فتنه رشته ادبیات و علوه‌المساله این است که دانش آموزان تصور روسی و خوبی از آینده و کار خود ندارند. حالا که



طرح مفصلی برای رسم الخط فارسی و شیوه املائی در دست است که مطالعه آن از حدود سه سال پیش آغاز شده است... و این کار بیش از یک سال است که در دستور کار فرهنگستان قرار گرفته است.



می‌خواهیم در مرکز استانها دبیرستان فرهنگ تأسیس کنیم. آیا بهتر نیست امتیازی هم برای دانش‌موزان خوب و مستعدی که جذب این دبیرستانها می‌شوند، در نظر بگیریم؟ آیا این امر بازده کار را بهتر نمی‌کند؟

۳- ورود و زده‌های بیگانه از محرابهای مختلف یکی از مشکلات زبان ماست. متأسفانه از آن جا که معادلهای فارسی مطرح شده، نیز چندان جامع نیستند، با استقبال مردم روبه‌رو نمی‌شوند. مثل «واژه پایانه» که به جای کلمه «ترمیتال» در نظر گرفته شده مفید معنی کامل نیست؛ زیرا «ترمیتال» گاه نقطه آغاز حرکت مسافران است نه نقطه پایان آن. در این مورد چه فکری کرده‌اید؟

دکتر حداد عادل: درباره تألیف کتابهای دبیرستان وقت مستغنی در نظر گرفته شده است و در این باره دوستان دیگری توضیح خواهند داد. اما این که در دبیرستانهای مخصوص ادبیات به دانش‌موزان امتیازی داده شود، چه چیزی به فکر شما می‌رسد؟ ما چه امتیاز معقول، منطقی و عملی می‌توانیم به این دانش‌موزان که با معدل بالا وارد این گونه دبیرستانها می‌شوند، بدهیم؟

● مثلاً امتیاز و سهمیه‌ای در دانشگاه داشته باشند

دکتر حداد عادل: اگر دانش‌آموز مستعد از روسا یا شهر مجاور به این مدارس بیاید، خوب با حدودی این مسأله سدنی است و می‌توانیم امتیازی بدهیم ولی اصل را بر این می‌گذریم که دانش‌آموز این دبیرستانها به طور طبیعی خودش باید در کنکور قبول شود و به سهمیه هم نیاز ندارد. وقتی دانش‌آموزی دارای سطح علمی و معدن بالا باشد، بهترین معلمان را هم برای او بگیرد، از کتابخانه کامل و خوبی هم بتواند استفاده کند. کیفیت آموزشی بالا و محیط مناسب آموزشی هم برایش مهیا باشد، خود به خود باید بتواند براحتی به دانشگاه راه یابد و نیازی به سهمیه و امتیاز هم ندارد. البته این کار را برای رزمندگان کردند.

ببینم چرا زمانی که بعضی بچه‌ها براحتی در خانه‌هاشان نشسته بودند، معلم خصوصی داشتند و هر کتابی را که می‌خواستند، می‌خریدند و می‌خواندند، عده‌ای در جبهه بودند؟ اختصاص دادن سهمیه به این رزمندگان در واقع کاری برای جبران نبودنشان در کلاس‌های درس بود. پس این کار فلسفه درستی هم داشت.

باید بگویم که هیچ امتیازی برای دانش‌آموز دبیرستانی بهتر از یک دبیرستان خوب نیست. در مورد دبیرستان فرهنگ که یکی از دو واحد سرانه و دخترانه‌اش را مادر اختیار داریم، سعی من بر این بوده است که امکاناتی را در سطح وسیع برای این مدرسه جذب کنیم؛ مثلاً کتابخانه‌های بهتر و کامل‌تر از کتابخانه بسیاری از دانشکده‌ها داشته باشد؛ سائل آن مرتب باشد؛ کامپیوتر داشته باشد؛ آزمایشگاه فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی آن بهتر از مدرسه مجاورش باشد تا دانش‌آموزی که وارد این مدرسه می‌شود احساس حقارت نکند. همه این مکانات را که فراهم آوردم آن وقت دانش‌آموز را برای تحصیل به این محیط دعوت می‌کنیم و فکر می‌کنیم که



چنین محیطی شوق و انگیزه تحصیل را در دانش‌آموز ایجاد و تقویت می‌کند.

البته بر سر این راه مشکلات زیادی هست که باید غانم‌فانه آنها را به جان خرید و در راه حل آنها گام برداشت. اگر چنین دبیرسانی در استان شما تأسیس شود باید، انسانی مال‌اندیش و عائق‌در رأس آن قرار بگیرد که با تمام وجود از خود مایه بگذارد؛ سی سال جان بکند تا سیصد سال فترت جبران شود. و الا با حرکتی انداختن و حسابگری کار فرهنگی یا این عظمت نتجاء نخواهد شد.

موضوع بعد درباره فرهنگستان است. این نهاد در عین قدمت، توباست و سه چهار سال است که دور جدید فعالیت خود را آغاز کرده است. فرهنگستان زبان فارسی در سال ۱۳۱۴ به طور رسمی تشکیل شد. اما فعالیت بی‌گیر و مستمری نداشت و هر چند وقت یک‌بار از هم پاشیده می‌شد. این عدم استمرار در فعالیت و دوره‌های فترت خواهد‌خواه مسائل زیادی را برای این فرهنگستان به وجود آورده است. اگر ما به تاریخچه فرهنگستان در کشورهای دیگر مثلاً در فرانسه نظری بیفکندیم، می‌بینیم که قدمت

فرهنگستان در این کشور به ۳۰ سال پیش می‌رسد؛ یعنی ۱۰ سال قبل از انقلاب فرانسه در این کشور فرهنگستان تشکیل شده است. فعالیت مستمر و مفید این نهاد در کشور فرانسه چشمگیر بوده است. به طوری که الان می‌بینیم مثلاً برای واژه «ابدز» واژه «سید» را استفاده می‌کنند؛ یعنی کلمه‌های بیگانه را به کار نمی‌برند چرا که توان معادل‌سازی را به صورتی درست دارند. مشکلات ما در مورد فرهنگستان هم زیاد است. شما می‌فرمایید که جنوی ورود واژه‌های بیگانه را بگیریم چگونه؟ این کار، آسان نیست. واژه‌گزینی هم کار دشوار و پیچیده‌ای است. البته فرهنگستان در یک سال و نیم اخیر حدود ۱۵۰ واژه عمومی را به زبان فارسی برگردانده و در معرض نظرخواهی قرار داده است. در پاییز آینده ما تعدادی از واژه‌ها را رسماً به دولت ابلاغ می‌کنیم.

برای تصویب یک واژه فارسی به جای واژه فرنگی راه زیادی طی می‌شود و ابعاد و جهات گوناگونی ملاحظه می‌گردد. درباره «ارمینال» و معادل آن واژه «بابانه» که گفتید، این از مصوبات فرهنگستان ما نیست. ظاهراً این کلمه را فرهنگستان قبل از انقلاب مطرح کرده و به نظر می‌رسد آن را از کلمه «ترم» که یک معنی آن به نهایت رساندن است، گرفته‌اند و «بابانه» را ساخته‌اند. شما کمتر واژه‌ای را پیدا می‌کنید که به تنهایی همه معانی و مصادیق خود را منعکس کند. در فرصت مناسب ان‌شاء‌الله در مورد واژه‌گزینی و فرهنگستان سخن خواهم گفت. فقط بدانید که طرح مفصلی برای رسم الخط فارسی و شیوه‌املائی در دست است که مطالعه آن از حدود سه سال پیش آغاز شده است. آقای دکتر داودی هم نماینده وزارت آموزش و پرورش در گروه مقدماتی کار بوده‌اند. در این مورد کار کارشناسی شده و عده‌ای از استادان روی این شیوه‌نامه کار کرده‌اند و این کار بیش از یک سال است که در دستور کار فرهنگستان قرار گرفته است. هر دو

هفته یک بار که شورای فرهنگستان با حضور پانزده - شانزده نفر از استادان تشکیل می‌شود، موضوع رسم الخط و شیوه‌املائی مطرح می‌گردد. تاکنون نزدیک به ۵ درصد پیشنهادها بررسی و تصویب شده است و ما می‌بازیم تا سال آینده از رهگذر این تحقیق و بررسی، زبان فارسی صاحب یک شیوه‌نامه‌املائی مصوب فرهنگستان شود و به این ترتیب آشفته‌گی املائی تا حدودی کاهش یابد. از گروه‌های موجود در فرهنگستان می‌توان به گروه‌های تحقیق در گویشها، دستور زبان، واژه‌گزینی، زبانهای باستانی، فرهنگ‌نویسی و تألیف دانشنامه ادبی اشاره کرد. گروه فرهنگ‌نویسی فعالیت خود را برای تدوین فرهنگ فارسی آغاز کرده است. گروهی هم مشغول تهیه دانشنامه‌ی برای زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره هند هستند که آن هم کار مفصلی است.

بالاخره نامه فرهنگستان و خبرنامه فرهنگستان هم از دیگر کارهاست. ان‌شاء‌الله در فرصت مناسب از نزدیک با فرهنگستان آشنا خواهید شد. از شما تشکر و عذرخواهی می‌کنم و همه شما را به خدا می‌سپارم.



نگاهی به کتابهای فارسی دوره راهنمایی

سید یونس نور اشرف الدین
دبیر فارسی - کلاردشت



خدمت‌رسانگره که می‌رقش بر کلاس حاصل
رخت پریشا و دیوان نویسی در خرفه کتاب
رهنمائی بدانند دانش آموزان دبیر را
ایمان نفس خود آسانند و به خصوص رهی
نو و ریت در نگارش بی‌ریزی گردند که در نگاه
دوره نگارش و انسان‌پس حس قد می‌صورت
نگرفته بود. جناحه سکار است ساسی نام و
دستور در موبین کتابها رنج و رحمت گسندند
بنابرین هدف ما از این بررسی بزرگ نمودن بعضی
از نقاط ضعف نیست بلکه همکاری و همسازی
است. زیرا در کلاس و حین تدریس محاسن و
معایب مضمون بر سب و معنی سب که سادی را
حساس می‌کنند و بی‌فلسفی را بر حسی
دانش آموز می‌شنند.

سب صلاح در آن است که برای قوت و قدرت
حسی به آن طرح به نظرات و مستبادهای
مظنی دیگران توجه شود. با سب با سکار به
حد و بند دبیر و وسعه صدر مؤلفان و دبیر
برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای تدریسی معضلات
و مشکلات از کلاس رخت بندد و سبب آموزش
زبان فارسی قوت گیرد. بنا محاسن و برگی‌های

منت کتابها بطور خلاصه ذکر می‌شود:

- ۱ - استفاده از مطالب هماهنگ با زبان
مجاوزه ی و یکدگرگیری اصول زبان آموزی
- ۲ - آشنا نمودن دانش آموزان با شعر نو و
شعری نوپرداز
- ۳ - آشنا نمودن دانش آموزان با شعری
معاصر
- ۴ - تظیق شعر کهن و شعر نو با یکدیگر.
- ۵ - فصل بندی کتابها با توجه به حیطه‌های
مورد نیاز
- ۶ - تداع در نگارش که این امر سبب بروز
خلافت گردیده و دانش آموزان بدون هراس به
نگارش و الساعلا فتمند می‌گردند.
- ۷ - طرح مسائل دستور زبان در حد نیاز و
استفاده از سبب آموزان
- ۸ - آشنا نمودن دانش آموزان با آرایه‌های

دبی

- ۹ - تمرین‌های جامع و کامل و بون
- ۱ - تغییر حظ از نسخ و جای به نسعلیق و
روآوری به زبان‌نویسی که سبب جلوگیری از
بدخطی در دانش آموزان خواهد شد و نیز روی
آوردن به حظ اصیل ایرانی.
- ۱۱ - رعایت اصل جدا نویسی.
- ۱۲ - آزاد گذاشتن دانش آموزان در درک
مفاهیم و بهره‌گیری از کتاب بخصوص حفظ شعر.
- ۱۳ - آوردن حکایات‌های تنادی آفرین و
طنزهای حلامی
- ۱۴ - هماهنگی بین دروس ادبیات و رعایت
آن در تدوین کتاب و محتوای هر یک از کتابهای
فارسی که در جدول نشان داده شده است:

سال	نثر قدیم	شعر	تاریخ ادبیات و آرایه‌های ادبی	تعداد تمرین دستور زبان	تعداد تمرین نگارش	تعداد تمرین جمع و مفرد	تعداد تمرین شعر نو	تعداد تمرین متضاد	تعداد تمرین مترادف	تعداد صفحات کتاب
اول	۵	۱۵	۱۰	۲۷	۲۱	۳	۳	۶	۵	۱۷۵
دوم	۴	۱۴	۱۱	۲۸	۳	۳	۲	۲	۳	۱۷۸
سوم	۳	۱۱	۶	۴	۲۶	-	۱	۲	۲	۱۶

اکنون با توجه به جدول فوق و نیز بررسی اجمالی کتاب می‌توان این موارد را در جهت اصلاح کتابها برشمرد و توصیه در بکارگیری یا عدم بکارگیری آنها نمود.

۱- عدم استفاده کافی از تمرین‌های جمع و مفرد و متضاد و مترادف در سال دوم و سال سوم.

۲- دستور سال دوم از سال سوم سنگین‌تر است. از جمله مثلاً شناخت قید و متمم و حروف اضافه و اقسام فعل در سال دوم آمده ولی در سال سوم فقط اسم و انواع آن و صفت منظور گردیده است.

۳- تردید معلم در آزمون و طرح سؤال که مطالبی مانند ارکان تشبیه، مظهر، تعبیر و صفت مربوط به نگارش است یا فارسی.

۴- نظارت نکردن در نحوه اجرای کتابها به رغم این که توصیه و تأکید شده است که الزاماً یک دبیر تدریس این درسها را به عهده بگیرد ولی در اکثر مناطق به صورت جدا از هم در اختیار چند دبیر قرار می‌گیرد. حتی به عنوان تنظیم و پرکردن برنامه از آن در قسمت‌های مختلف استفاده می‌شود.

۵- متن قهرمان نه بهلوان در سال دوم ساده است. بهتر است در سال اول گنجانده شود.

۶- بهتر است از شعر نو در سال دوم بیشتر استفاده شود. شعرهای نو در سال اول زیاده‌تر و سنگین‌تر از سال دوم و سوم و از نظر معنی نیز مشکل‌تر است.

۷- شعرهای الله‌اکبر (ارحمید سبزواری) و پرواز با پال غنم (از اوحیدی مراغی) و

سپیدرود و تن زنده و الا به ورزشدگی است (از بهار) در سال اول سنگین و از سالهای دوم و سوم نیز سنگین‌تر است.

۸- استفاده کردن چند شعر از یک شاعر در سال اول، مثلاً دو شعر از بهار و دو شعر از پروین اعتصامی آمده است ولی از شاعران دیگر کمتر استفاده شده است.

۹- به نظر می‌رسد در فصل ایران‌شناسی عناوین انتخاب شده برای سال اول از سال دوم و سوم سنگین‌تر است. این متون زیاد و دارای لغات مشکل است.

برای نمونه درس بهنه سبز و گیود در سال اول آویسنده خود اهل خطه شمال و محلی است. کلمه‌های محلی زیادی از جمله نلتوک، اغل، اصطیل، ماکیان، تلیمار، نوغان، حصیرباقی و کماجدان و غیره به کار رفته است که از نظر خواندن و نوشتن دشوار است و دانش‌آموزان همواره دچار اشکال می‌شوند و درک مفاهیم برای آنها ثقیل است. همچنین متن سرزمین افتخار و حماسه و سایر متون از متن‌های سال دوم و سوم حجیم‌تر و دشوارتر است.

پیشنهاد می‌شود این متن با بهاران آبیدر در سال دوم با همسایگان کویر در سال سوم جایجا شود.

۱۰- در فصل هنر درس نقاشی ایرانی از هر نظر از سال دوم و سوم مشکل‌تر است و متن آن نیز زیاد می‌باشد.

۱۱- صفحات کتاب سال دوم از سال سوم بیشتر است.

۱۲- صفحات سال اول با آن همه دشواری

از سال سوم بیشتر است.
۱۳- با بررسی کنی در تمام جهات کتاب سال اول از نظر متون و تاریخ ادبیات و بعضی از تمرین‌ها و تعداد عناوین شعری و لغات و وزگان جدید سنگین‌تر از سال دوم و سوم است. به خصوص در تاریخ ادبیات که دانش‌آموزان باید همه را در سال اول بیاموزند و از جمله با پروین، سعدی، نظامی، تمام، بهار، سپهری و فردوسی علاوه بر باورقی‌ها آشنا شوند. در صورتی که در سال دوم و سوم تاریخ ادبیات خیلی کم است. به هر صورت بزرگترین مشکل دبیر در سال اول است و راهی هم برای برطرف کردن آن به نظر نمی‌رسد به همین جهت اقت فایل ملاحظه می‌در نتایج آن به بار می‌آید. در مورد کتاب اول همچنین باید به مشکلاتی از قبیل، سخت بودن بعضی از کلمات و نیز رعایت نشدن بعضی از قواعد و علاوه جدا نویسی اشاره کرد در نهایت بهتر است یک بازنگری دقیق در کتابهای فارسی سه سال راهنمایی انجام گیرد.



شوخی طبیعی آگاه

چنانکه دیران محترم فارسی می‌دانند در کتابهای فارسی دوره راهنمایی، در پایان بعضی از فصول حکایتی از عبید زاکانی و معمولاً از رساله دلگشا او نقل شده است. هم به جهت آشنا نمودن دبیران و خوانندگان مجله با عبید و کتاب او و هم به مناسبت آن که وی در تاریخ ادب فارسی جهره‌ای منحصر به فرد از نظر طنزآوری است در این شماره «رساله دلگشا»ی او را مورد بررسی و تجربه و تحلیل قرار داده‌ایم. اصل مقاله از سادروان دکتر غلامحسین یوسفی استاد فقید دانشگاه مشهد است و با تصرف و تلخیص از کتاب «دیدار با اهل قلم» جلد اول، انتخاب شده است. عنوان مقاله نیز از مؤلف فقید است.

رشد

در رساله دلگشا نفاص و غیوب و عادات نایسند مرده آن عهد اعصر عبید زاکانی مطرح است. از طیفات گوناگون، در زمینه‌های مختلف. به علاوه مطالب در قالب حکایاتی کوتاه بیان شده است. داستانهای نخستین به زبان عربی است و قسمت دوم رساله یعنی جزء اعظم آن شامل حکایات فارسی است. این حکایات ناسرین و لطیف است و نکته‌آموز و با یحازری تمام. اما در اکثر آنها انتقاد و مطبی طرف می‌توان یافت که حاکی از طبع شوخ نویسنده است.

بعضی از این حکایات ظله حکمرانان زمان ز انسان می‌دهد و مسخانی که مرده تحمیل می‌کرده اند، یعنی یکی از مهمترین مسائل آن عصر را. در این یک دو قسمت که نقل می‌کنم می‌توان این نکته را به روشی دید:

* «شخصی از مولانا غصه‌لین برسد که چون است که در زمان خلفا مرده دعوی خدای و بیغمیری بسیار می‌کردند و اکنون نمی‌کنند؟ گفت: مرده این روزگار را چندان از ظلم و گریستگی فدا شده است که نه از خدا پیمان بیاید می‌آید و نه از بیغمیر»

* «در مازندران علاناه حاکنمی بود سخت ظالم. خشکسالی روی نمود، مرده به استسقاء بیرون رفتند. چون از نماز فارغ شدند امام بر میر دست بدعا برداشت. گفت: اللهم ادفع عنا البلاء و الوباء و العلاء»

از این گونه روایات بسیار است که آشکارا یا به کنایه از ستم و بیاد زورمندان در آن زمان برده برمی‌دارد. یک جا ابوسعید. اینخان معقول، در مجلس سماع، دانشمندی را به رقص وادار می‌کند. مرد ناگزیر و با اگر تمام به رقص در می‌آید. کسی بر او ابراز می‌کند که «تو رقص با اصول نمی‌کنی، زحمت مکنش». می‌گوید: «این رقص به برقع می‌کند که به صول» یعنی بوجوب دستور و از سر ناچاری. عبت نیست که در حکایتی دیگر - به زبان عربی - می‌خواند، کسی همراه گروهی نماز می‌گذارد و آیه سرفقه را چنین می‌خواند: «لله، غلبت الشکر، مردی بدو گفت: صورت در دست آیه: لله، غلبت الروه است، وی جواب داد: همة انسان دشمنان مانند و از ذکر

از این رو عیب از سر درد می گوید که وقتی زن طلحک فرزندی زاید، یکی از اعیان از او پرسید، چه زاید است؟ گفت: از درویشان چه زاید؟ پسری با دختری. گفت: مگر از اعیان چه زاید؟ گفت: ... چیزی زاید بی هنجار گوی و خانه برانداز».

وقتی قدرت و سطوت حکمروایان وسیله سوء استفاده و تعدی بود، ناگزیر در حول و حوش آن، استقلال شخصیت، راستی و آزادگی می مرد و جای آن را زبونی می گرفت و دورویی در حکایت ندیم و پادشاه - اگر چه منسوب به عصر غزنویان است - عیب حواسته گونه ای از روزگار خود را نشان دهد و نمونه ای از روحیه تدبیر و تزئیل شخصیت را.

حکایات رساله دلگشا در زمینه های مختلف است و حاوی اندیشه هایی در خور توجه، نویسنده در بعضی از قسمتهای این رساله، با برخورداری از مفاهیم برخی آیات از قرآن کریم بیان مقصود کرده است. این گونه موارد نمودار حضور ذهن و تأمل اوست و نیز حکایت می کند از مایه ای که وی از معارف اسلامی دانسته است.

در هر حال عیب در نوشته های خود، کاستی ها را به این امید بیان می کرده که عیوب رفع شود و خوبی و کمال جای آنها را بگیرد و مردم به سعادت نایل آیند. اما این که تا چه حد سخن او اثر کرده و منظورش حاصل شده باشد، بحث دیگری است.

در رساله دلگشا عیب زاکانی باز از قاضیان نادرست عصر شکوه ها دارد. در این رساله با یکی از ایشان روبرو می شویم که نظر باز بود و چون زنی خوش چشم و آبرو از شوهرش به نزد وی شکایت می برد، قاضی جانب او را می گیرد. اما وقتی روی زنت زن را می بیند، تفسیر رأی می دهد و بدو می گوید: «برخیز ای زنک، چشم مظلومان داری و روی ظالمان». دن عیب از این گونه داورها به درد بود. از این روزبان به نکوهش ایشان می گشود.

در چنین جامعه ای منس های بد چندان رواج یافته بود که در خانه خدا نیز برخی بی سرمان گفتش

نمازگزاران را می دزدیدند و مردم مجبور بودند از این بابت در مسجد هم احتیاط پیشه کنند و هوسیار باشند.

عیب از اختلاف کلمه و نفاق میان مسلمانان در رنج بود و در این باب حکایات دارد که چگونه مخالفت میان پیروان مذاهب موجب زبان ها و بد رفتاری ها می شد و بسیاری از این ناسازگاری ها از نا آگاهی سرچشمه می گرفت. برخی از قسمت های رساله دلگشا گونه هایی از این گونه مسائل جامعه آن روزگار را نشان می دهد.

از نوشته های عیب چنین برمی آید که وی آرزو داشت مسلمانان از آیین مبین اسلام الهام می گرفتند و داناتان به ارشاد و روشن کردن افکار مردم و رهنمون شدنشان به حقایق دین و استقرار حق و عدالت می بردند تا کار جامعه سامان می گرفت و حق به حقدار می رسید و اوضاع چنان بریشان و دستخوش عیب و خرابی نبود.

موارد نقص و عیب هیچ جا از قلم موشکاف و نکته گیر عیب مصون نمانده است. در یک جا حرفه صوفیان را داه ایشان خوانده است و به نظر می گوید: صوفی را گفتند: جهت را بفروش، جواب داد: اگر صیاد دام خود را بفروشد یا چه چیز صید تواند کرد؟ حالی دیگر، مردی نحوی چنان به ظاهر می اندیشید که وقتی در کشتی بی برد ملاح نحو بخواند است. گفت: «صیبت نصف عمرک». اما خیال باطل او زود معلوم شد: «روز دیگر تبدادی برآمد، کشتی غرق خواست شد. ملاح او را گفت: تو عیب تنها موحنه ای؟ گفت: نه، گفت: لقد صیبت تمام عمرک».

در جامعه ای چنان که گذشت فساد در همه جا رخنه می کرد، اغلب مردم از طبقات گوناگون عیب ها داشتند و مورد انتقاد بودند. نگاه نافذ عیب مانند دوربینی دقیق و حساس در هر جانب نکته ای یافته و قلم او از هر چیزی تصویری نقش کرده است. گاه از تردامنی اکثر مردم در کائنات سخن می رود: در خلال حکایتی می گوید روز قیامت نوشیدن آب از حوض کوتر نصیب کسی خواهد شد که آلوده دامن نباشد. کاشی برمی خیزد و می گوید پس مشکل است کسی از ما به این فیض برسد.

روزی خیاطی را می بیند نردست گنه به لطائف الحیل در جنو چشم مشتری، از پارچه قبای او می دزدد. روزی دیگر جچی از مشاهده می کشد که برای خرید درازگوشی به بازار می رود و چون مردی از نیت او باخبر می شود، بدو می گوید: بگو، ان شاء الله. جچی گفت: چه جای ان شاء الله است! خر در بازار است و بول در کیسه من. وقتی به بازار در آمد، طراری بولش را برد. چون برگشت، همان مرد به او رسید و گفت: از کجا می آیی؟ جوابی که او می دهد حکایت از آن می کند که با این نامنی که در بازار است به هیچ چیز نمی توان اطمینان داشت. در حکایتی نیز سخن از دلالات است و کذب آنال: «سقطان را پرسیدند که کدام طایفه را دوست داری؟ گفت: دلالات را. گفتند: چرا؟ گفت: از بهر آن که من به سخن دروغ از ایشان خرسند بوده، ایشان سوگند دروغ نیز بدان افزودند».

انتقادات عیب مروری نمی شناسد. گاه بوی ناخوش دهان مرده حتی در نماز یا در نزد طبیب او را می آزارد و گاه بر شراب نوشی به فرط میخوارگان انگشت می نهد و از سرگدنب ابوتوئیس منال می آورد که چون مستی را زید در سنگتی فرو رفت و خنده اش گرفت. وقتی بدو گفتند: تو که خود هر روز بدین حالی، به چه سبب می خندی؟ جواب داد: من هرگز مستی را ندیده ام. گفتند: چگونه ممکن است؟ گفت چون من پیش از دیگران مست می شوم و پس ز آنان بهوش می آیم. از این رو جوان مستان را پس از خود نمی بینم. حکایتی دیگر در رساله دلگشا، زنتی بر گویی عبادت کننده گان را بر سر بالین بیمار آن نشان می دهد. مردی که از یام قزو افتاده و باهانش شکسته بود وقتی مجبور شد به هریک از دیدار کنندگان شرح واقعه را باز گوید، منقول شد. ناچار حریان پیش آمد را بر نامه ای نوشت و آن را به هر کس جوابا می شد فرا می نمود.

انتقادات نیشدار و طنزآمیز عیب در رساله دلگشا فراوان است بخصوص که این رساله مفصل ترین نوشته های اوست. در این مجموعه بیاد، ستم، تزویر، زنا، تجاوز به مال و ناموس مرده، بی عفتی مردان و زنان، شهوت رانیها،

نشد، در صورتهای گوناگون آن به زبان ستهر، رشت نموده شده است و غربت گمراهی خوانده نموده‌های بیشتری از حکایات رساله دنگساز نقل کرده‌اند. مجال می‌خواهد، علاوه بر ذکر برخی از آنها، به سبب لحن خاص، مقدور نیست. ما این حکایات هر قدر هم به زبانی هنر مبر و تامل و با مطنوع دانسته‌ایم، نمودار و نمونوی نویسنده است و اختراع و عقاید و به حیثیت انسان و حقوق مردم، تا سنگت نیست که عبید ربیع‌ترین و لطیف‌ترین و متعالی‌ترین عواطف و آمان بشری در لسانی ظاهر است عرضه کرده است. گاه باشد که جامعه خوب نبود و استر تاهی از جزا نشان دادن رسیده می‌توان بهوش آورد.

*

بن همه نکات و روایات غربت مورخ عبید به تفری سرین و اسواریان کرده است و از این جهت برین هر دو رساله در جور توجه است و حسین

سودا نویسنده‌گی عبید مخصوص در اخلاق لاسرف از سبوت سعدی متأثر است، حتی تفری است از سه و گاه مسجع. سعدی به راهمایی دوی سده خود از تکلف و صنعه دوری جست و در بحبوحه تفرقاری بر فارسی با نوع حسوها و معنی نویسی‌ها، از هی معنی برترند و از این زاویه حد عدال در تکرار بود و استوپی مطنوع بند آورد. عبید نیز بن نکته لطیف را دریافته است و با همه مباحثی که در فضا و ادب اندوخته بود، در تفر موزون خود هرگز ز رعایت جانب معنی غفلت نکرده است. به عبارت دیگر، بوزن و حساباً مسجع به نوشته و ملاحظی بخشیده است. نظیر آن که گوید: «هر زنی و دیر زنی» در تفر عبید، نه، حدت، مثال نازی، شعر فارسی و عربی بر به کار رفته اما این همه حسان به حسن ترکیب آراسته و خوب به هم یافته شده که ساده می‌نماید و دانند.

نکته مهم دیگر آن که قریحهٔ روس عبید - برخلاف برخی دیگر از مقلدان سعدی - دریافته است که این اسبوت با داستانها و روایات گونا

تناسب دارد نه با تطویل و درازگویی، توجه به این موضوع موجب آمده است وی داستانها و روایات و تمثیلات را به احتصار برگزارد کند و از این راه خود را از سیرسی سبک موزون برخوردار کند بی آن که با تفصیل مطلب و راه به ملائذ فکده باشد.

رسالهٔ دلگشا نمونه بارز فصاحت است و چهار و سوده سهل ممتنع. انشای عبید در این رساله بسیار گزیده و زنده و برحون است. اگر بگوییم شاید یک غلبت آن، سود جستن عبید از زبان یا طربون عامهٔ مردم است سخن گزاف نیست. اصولاً یکی از خصائص آثار طنزآمیز و هجو گونه، تأثیر آنها از زبان و مواد فرهنگ عامه است. بخصوص که بسیاری از این لفظها از زندگی روزمره سرچشمه می‌گیرد و یاد درد و نماندی و گنه‌ای از احوال مردم در آن درج است و به عبارتی دیگر مخاطب یا راویان و ناقلان آنها عامه‌اند. از این رو طبیعت رنگی عامیانه پیدا می‌کند خاصه از لحاظ زبان و لغات و ترکیبات و نیز از جهت مجازها، کنایه‌ها، تشبیهات و استعارات و آنچه قوهٔ تصور و تجل نویسنده از آنها مایه می‌گیرد.

بن کیفیت در نوشته‌های عبید از جمله در دو رسالهٔ مورد نظر دیده می‌شود. علاوه بر لفاظ هنر آمیز - که همه صورت ساده و عامیانه دارد و نقل آنها دور از ادب است - وی بسیاری از لغات و ترکیبات رایج در زبان عامهٔ مردم را در انشای خود آورده است. از این قبیل: مندبور، ده سرد، بگ کردن، کلبه، خرد کشیدن، شسه، نمداست، گردن شکسته، هی، هی هی، میان باجه، دلانگی، تریه، معلق زدن و...

نکته دیگر آن که عبید نویسنده است این گونه کلمات عامیانه را با نهایت استنادی در کنار واژه‌های برگزیدهٔ ادبی بکار برد. یعنی هم از لفظ قلم سود جسته و هم از زبان عامه. بن خود هنری است که از همه کس ساخته نیست. شاعران و نویسندگانی هنرمند مانند سعدی و حافظ و عبید و امثالشان بواسطه آنکه با این شیوه از یک طرف زبان خود را غنی و بارور سازند و وسعت تعبیری اشکار بدان بخشند، و از طرف دیگر با بکار

بردن لفاظ عامیانه در آثار خود، این نوع کلمات را در ادبیات برویج کنند. عبید علاوه بر بهره گرفتن از زبان نودهٔ مردم، گاهی جمله‌هایی به لهجه‌های محلی نیز در تفر خود آورده و آن را جاسی و نمک سخن کرده است. از این قبیل است عبارتی از قول جوانی اصفهانی، و با جمله‌های ترکی از زبان مرای ترک که در ضمن حالی از ضمن و طنز است.

خصیصه‌ای دیگر که تفر عبید دارد روح طنز و لحن تمسخری است که در اکثر کلمات و ترکیبات و عبارات اوست. این شوخ طبعی از سر سر تروی می‌تروود و زاییدهٔ اشکار و هنر نویسنده است. در ترکیب جزاء کلاه، کنایه‌ها، مجازها، استعاره‌ها، تشبیهات، تمیحات، تمثیلات و غیره. در این دو رساله از هیچ عبارت و کلمه‌ای نمی‌توان سرسری گذشت. در خلال هر یک از آنها - چه ادبی و چه عامیانه - نکته‌ای، طعنه‌ای و لبخندی نهفته است که باید تأمل کرد و دریافت. بهر استخوانندگان علاوه‌مند خود به مطالعه آنها بردارند تا آنچه ننده در این مجال گویا، عرضه نمی‌تواند کرد بهتر معلوم شود.

من در میان طعناات قرن هشتم هجری، سیمای ناشاک عبید زاکانی را می‌بینم یا دو چشم روشن و زرف بین وجود او و سعدی و حافظ، در آن روزهای سخت و طافت گذران، دلیل بارزی است بر جوهر نیافت ملت ایران، منشی زنجبیده و بر طافت و زنده و باستان.



«زیربنای روان‌شناختی تربیت دینی نوجوانان»

در گفتگو با

دکتر علی اصغر احمدی

مقدمه

مبانی روان‌شناختی تربیت دینی از موضوعات مورد توجه در کشورمان بوده است. تا جایی که عمده‌ترین مبنای فعلی که در زمینه تربیت دینی تألیف یافته از این نظرگاه به این نوع از تربیت نگریسته‌اند. در مصاحبه‌ای که پیش‌رو دارید سعی شده با استفاده از نظرگاه‌های دکتر علی اصغر احمدی مدیر گروه روانشناسی دانشگاه تهران که از نزدیک نیز به حوزه تربیت دینی پرداخته‌اند، مبانی روان‌شناختی تربیتی دینی در دوره نوجوانی بررسی و تحلیل شود. امیدواریم در نشست‌های بعدی از نظرگاه سایر صاحب‌نظران حوزه علوم انسانی خوانندگان گرامی را مطلع کنیم. این مصاحبه به همت آقای غلامرضا منفرد کارشناس گروه دینی صورت گرفته است.

رشد

رشد: بسم الله الرحمن الرحيم. با تشکر از حضور شما در این مصاحبه به اطلاع می‌رساند مخاطبین فصلنامه رشد راهنمایی به طور عمده دبیرانی هستند که در سطح این دوره عهده‌دار تعلیم درس «دینی» و «قرآن» این مقطع تحصیلی هستند. هدف از این گفتگو، شناخت زیربنای روان‌شناختی این درس و به‌طور گسترده نیز ارزیابی تعلیم و تربیت دینی در دوره راهنمایی است. خوشحال می‌شویم اگر به‌عنوان نخستین پرسش بفرمایید که زیربنای روان‌شناختی — که زمینه‌ای اساسی برای تربیت دینی در دوره نوجوانی به شمار می‌آیند — چه چیزهایی هستند.

دکتر احمدی: بسم الله الرحمن الرحيم. اجازه بدهید که در ابتدای بحث، مختصری در مورد تربیت دینی به‌طور عام از دیدگاه خودم، توضیح بدهم و بعد بپردازیم به دوره نوجوانی.

همان‌طور که در اصول انسان‌شناختی ما مستتر است، ما موجوداتی هستیم نسل گرفته از ذات اقدس الهی و تنزل پیدا کرده‌ایم و آمده‌ایم به این عالم مادی و سپس از این عالم حرکت می‌کنیم به طرف خداوند و کمال مطلق. خداوند هم ما را به گونه‌ای آفریده است و زمینه، عوامل و مقدمات را به نحوی فراهم کرده است که ما در این جهت به راه یفتیم و از امکانات لازم برای رسیدن به مقصد نیز برخوردار باشیم. انسانها بالاتفاق در این مسیر حرکت می‌کنند. منتهی هر کده از آنها، بخشی از این راه را

ظرف می‌کنند و از لحاظ کمالی به نقطه‌ای می‌رسند. این خود بیابگر تفاوت بین انسانها و مراتب کمالی آنهاست. برای این حرکت، ما بهتر بگوییم برای این رشد، ما امکانات اولیه را درون خودمان داریم و می‌توانیم با کمک آنها به این حد از رشد برسیم.

بررسی می‌کنیم که حتماً مطرح خواهد شد این است که: پس نفس دین در این میان چیست؟ می‌توان گفت که در حقیقت، دین بسیر این حرکت است. معرفی می‌کند و برنامه کار را به انسان می‌دهد. به بیانی دیگر، اگر دین نمی‌دستبند، امکانات حرکت را داشته و ولی فاقد برنامه حرکت می‌بودند. پس، هنگامی که از تربیت دینی سخن می‌گوییم، به این معنی است که بین امکانات طبیعی انسان (مثل عقل) و برنامه عملی تعیین شده توسط خداوند اتصال برقرار کنیم و به حرکت خودمان ادامه بدهیم.

بر اساس آنچه گفته شد، معتقدیم که دین طبیعی و فطری است. دین با ساخت روانی ما منطبق است و برای همین ساخت روانی، برنامه داده است. در تربیت دینی، ما ساخت طبیعی روان انسانی را متصل می‌کنیم به آن برنامه طبیعی و فطری. اگر انسانی تا حدودی سالم یاریناید و سالم رشد نکند و از سوی دیگر این دین هم سالم و متره به او ارائه نشود، در واقع این دو نماند یکدیگر را جذب کنند، چرا که برای هم ساخته نشده‌اند. اما در این میان، مواعی وجود دارد که گاهی اوقات اجازه نمی‌دهد که این دو سازمان

و دو نظام طبعی انسان و نظام طبعی دین با هم مرتبط شوند. بنابراین هنگام صحبت درباره تربیت دینی، ذهن ما به تأثیر به سمت این مسئله معطوف می‌شود که، فعلاً چه نوعی برتری و برتری درستی منحصلاً و ارتباط قرار دارد.

نتیجه و با توجه به این دیدگاه، بر آنجا که به سنتس نوجوانی به طور خاص و ویژگیهای آن در سن نوجوانی انسان و حد خصوصیتی می‌شود که از سوی «خصوصیات عام سر» است، مثل نیازهای عمومی انسانها و برتری دیگر «ویژگیهای خاص سن دوره سنی» است. نوجوان در مرحله اول یک سن است مانند تمامی انسانها یا حیوانات که دارند و در وهله بعد، سنی است که در دوره خاصی از زندگی خود به سر می‌برد یا نیازهای خاص همان دوره از نیازهای تربیت دینی با این قاعده و دیدگاهی که فعلاً فرض کرده نیازهای طبعی آنهاست. با نکی توجه درمی‌یابیم که دین به یک یک این نیازها و حرکات آنها توجه دارد و هدف انسان می‌کند. در واقع ما سخنگوی به نیازهای خود در دین می‌یابیم. مثلاً یکی از اساسی‌ترین نیازهای نوع بشر، نیازهای دینی است. نیازهایی مانند: آب، غذا و مانند آنها. نیاز اساسی دیگر، امنیت است. اولاً ترس به همین دو نیاز اولیه نیاز می‌کند و می‌فرماید:

«الطبعی و ربنا هدانا لهذا الذی کفنا من خوف»
یعنی جدایی که شکستن از سر می‌کند و به سمت است می‌دهد. می‌بیند که چگونه به نیازهای اولیه نیاز دارد. نگرانی می‌کند و انسان می‌دهد که دین جایی به شکوه و به ارتباط دارد. نگرانی خود در نظر دین، در واقع برنامه قدر خود است. چرا که دین برنامه زندگی انسان است. تمام نیازها، نیازهای دیگری هم به صورت عام دارند. یکی از نیازهای که در این مسائل به آن اشاره کرده‌اند «نیاز به خود شکوفایی» است و این عالی‌ترین نیازی است که در این مسائل به آن اشاره می‌کند. نیازی که در آن سطح، انسان حساس می‌کند که تمامی فایده‌های درونی خود را با همه برسد و شکوفایی و بروز و ظهور ببیند. یک سن دینی است که انسان درمی‌یابد معنای بزرگ آنجا که خود و در اختیارش می‌گذارد، وجود ندارد. خود و می‌گوید از هیچ چیزی بیرون جز حق مطلق. این حق مطلق یعنی خدا. این همان چیزی است که خود و حضوری ندارد. انسان در هر چیزی قرار بگیرد باز هم قالب و محدوده‌ای برای او وجود دارد. هر چقدر که اثر در قالب خداوند قرار بگیرد، دیگر خود و حضوری نخواهد داشت و انسان با آنجا که مکان دارد، می‌تواند حرکت کند. می‌بیند که حتی غایتی ترین نیاز انسان فقط در صورت اتصال با خدا معنا می‌یابد. من اگر خود هم از بی‌هوشی از انسانها حرکت شود. هر چند هم که انسان‌هایی معنایی هستند باز هم محدودیتهای دارند و به خاطر باز هم محدود خود هم بود. مگر آنکه به دین سنی برود که وجود انسان متصل به وجود خداوند است و بود هستند. مثل ستمگر اسلام (ص) و فی ستمگر کرم (ص) بود. ستمگر بیرونی ز روی متصل می‌شود به خداوند ستمگر (ص) به جایی

می‌رسد که حتی جبرئیل (ع) نمی‌تواند از آنجا عبور کند و بالاتر برود: «لَوْ دَانَتْ أُمَّةٌ لَأَحْرَقُ»

جبرئیل می‌گوید: «اگر من یک بند انگشت نزدیکتر بشوم می‌سوزم.» ما به دنبال آن تعبیر (ص) می‌رویم که جبرئیل (ع) هم نمی‌تواند به حد او برسد و به ما گفته‌اند که او نبود است. پس حتی آن خود شکوفایی که نوعی آزادی فرد برای بروز و ظهور تمام استعدادهای انسان است، در دین مورد توجه قرار گرفته و به آن پاسخ داده می‌شود.

ما نوجوان چه؟ مسئله خاص نوجوان چیست؟ یکی از مسائلی که یک نوجوان دارد، این است که از «دیگر برتری» یا به دنبال دیگران رفتن، جدا شود و «خود ببرد» بشود، یعنی خودش تصمیم بگیرد و خودش انتخاب کند. بجای آنکه تا دوره دبستان به دنبال پدر و مادرش راه می‌افتاد و حرکت می‌کرد. حالا دیگر تعادل دارد که با پدر و مادرها از دیگران شنود. او می‌خواهد خودش با پدر و مادرها و تصمیم بگیرد. این تعادل در نوجوان هست، اما او که نمی‌تواند تمام آداب زندگی خودش را خلق نکند، با حاکم است که آداب لازم را از جای بگیرد. به همین دلیل، به دنبال انگوهای برجسته می‌گردد. آدمهایی برجسته که بتوانند شیوه زندگی او را به او یاد بدهند. آن هم گسترده‌تر از آنجا که خانواده به او می‌آموزد. در اینجا، یکی از مبداهایی که یک نوجوان می‌تواند بداند، مدن دین است، چرا که دین با گسترده‌تری آن که در مورد آداب زندگی دارد، برای تمامی عناصر زندگی انسان برنامه‌ریزی مشخص دارد. نگاه کنید به رساله‌های عمده که در چه بخش محدودی از زندگی او در بر می‌گیرند و دین، بسیار بیشتر از آنها، آداب و شیوه زندگی را در خود دارد. ما همین رساله‌ها هم رو بای بسیاری از موارد توجه قرار داده‌اند و نوجوانی که می‌خواهد از آداب محدود خانوادگی جدا شود، می‌تواند به آنها در واقع به دین بنده برود و لگو بگیرد. بسیاری از این مسائلی که در زمینه روان‌شناسی نوجوانی کار کرده‌اند، به تعبیرات نوجوانان نسبت به گرس به دین تأکید بسیاری دارند. به بیان دیگر، این دوره یکی از دوره‌هایی است که فرد گریزهای مذهبی و فلسفی پیدا می‌کند. همس گریزها در واقع بیان این نکته است که فرد می‌خواهد از چیزی محدود به چیزی گسترده‌تر برسد و در این گسترده عمل کند. یک نوجوان به همین دلایل گرایش به دین پیدا می‌کند.

یکی از عناصر دیگری که نوجوان را به طرف دین می‌کشاند، اجتماعی‌تر شدن نوجوان و حرکت او از جامعه کوچک و محدود خانواده به سمت جامعه بزرگتر و توسعه دادن ارتباطهای خود است. دین به این نیاز هم توجهی دقیق و کافی دارد. اجتماعاتی که در دین اسلام وجود دارد، مثل نماز جماعت، نماز جمعه، حرکت‌های جمعی مانند جهاد یا جنگی که آن را تجربه کرده‌اند، همگی دارای آدابی خاص هستند و فرد احساس می‌کند که می‌تواند از خانواده‌ای تا بعد از نجات محدود خود را به جمعی بزرگتر مثل جماعت مسجد (مثلاً با ۳ نفر جمعیت) متصل کند. می‌تواند خود را به جماعت نماز جمعه (مثلاً با ده هزار نفر جمعیت) متصل کند.



این در واقع پاسخی به نیاز «گسترش اجتماعی» نوجوان است.

گره‌های بعدی دین است و به مقتضای سن کودک در دوره‌های بعد، می‌توان اتصال و ارتباطهای دیگری بین دنیای روانی او و حقایق دینی او برقرار نمود.

در دوره نوجوانی، باید به نیازهای نوجوان بدانگونه

که در دین به آنها توجه شده است، توجه کنیم. یکی از نیازهای

طبیعی انسانها (به‌غیر از نیاز به تغذیه و امنیت) «نیاز به تعلق داشتن»

است. انسان نیاز دارد که متعلق به دیگران باشد و دیگران هم متعلق به او باشند. در سن نوجوانی، بچه تعلق خود را از خانواده کم می‌کند و آن را به دیگران متصل می‌کند. درست در همین هنگام است که من به‌عنوان اتصال‌دهنده این نوجوان به دین، باید بدانم که دین برای این نیاز نوجوان چه برنامه‌ای دارد و آنرا از دین بگیرم و به نیاز نوجوان متصل کنم. مثلاً در قالب جماعات و هیئت‌های ما که شکل سنتی خوبی دارند (و باید با توجه به وضعیت موجودمان، احیا شوند)، می‌توان نوجوانی را که از خانه دور می‌شود، وارد جمعی فراتر از خانواده اما متصل به آن (مثل هیئتهای دوره‌ای متشکل از ده - بیست عضو که هر هفته در منزل یک عضو جمع می‌شوند) کرد. در این گونه هیئتها، بیش از آنکه محتوای دینی اهمیت داشته باشد، به‌وجود آمدن احساس تعلق نوجوان به جمعی فراتر از خانواده و احساس مسئولیت متقابل نوجوان و جمع نسبت به یکدیگر، اهمیت دارد. از این راه توانسته‌یم نیاز طبیعی نوجوان را با برنامه دینی متصل کنیم. در همین شرایط، اگر نوجوان را رها کنیم و به نیازهای طبیعی آنها و برنامه‌های خاص دینی برای رفع این نیازها توجهی نکنیم، مشکل بیس خواهد آمد. کلاسهای ما محیط خوبی برای برقراری ارتباط دینی نیست.

کلاس‌ها و در واقع فضاهای آموزشی ما متأسفانه جنبه‌ای بیگانه از بچه‌ها دارند. مثلاً به‌هنگام حضور و غیاب بناگردان، در واقع آنها را استنطاق می‌کنیم: کجا بودی؟ چرا نیامدی؟ گوی دکترا داری؟ و عملاً فرد را در برابر همسالانش بازجویی می‌کنیم، ولی اگر کسی به هیئت ترفت، هفته بعد اعضای هیئت به دلجویی و استمالت از او می‌پردازند و او احساس می‌کند که جمع چشم انتظار او بوده است، اما در مدرسه این احساس در فرد به‌وجود می‌آید که از بازداشتگاه فرار کرده و حالا دیر آمدن او را مورد بازخواست قرار داده‌اند. البته می‌توان فضای مدرسه را یا نیاز نوجوانان تطبیق داد، ولی در حال حاضر این کار انجام نمی‌شود. در برخی از مدارس که توسط جوانان تحصیل کرده مؤمن و آشنا به روحیه بچه‌ها، در شهرهای مختلف تأسیس شده است، نشان داده شده که چگونه با برخورد درست، دین و روح بچه‌ها را می‌توان به مدرسه پیوند زد. مسئولان این مدارس، الگویی از هیئت را به مدرسه برده‌اند و بجای استنطاق بناگردان، توجه و علاقه انسانی خود را به آنها نشان داده‌اند و جو آجبار به ماندن و درس خواندن در مدرسه را از بین برده‌اند.

یکی دیگر از نیازهای طبیعی نوجوان «نیاز به تحسین و تسویق» است.

آنچه عرض کردم، در واقع اشاره‌هایی به برخی از زیربناهای روان‌شناختی گرایش نوجوانان به دین است. البته علی‌رغم تمام این مسائل، متأسفانه شاهد این مشکل هستیم که برخی اوقات این اتصال و ارتباط (با همان تعبیری که عرض کرده یعنی اتصال برنامه دینی با طبیعت بشر) ایجاد نمی‌شود. رشد: در گفتگو با دبیران این دوره، معمولاً گله می‌شود که نوجوانان حرف‌شنوی و تبعیتی از آنها ندارند. حتی بر اساس آمار و ارقام منتشر شده، بسیاری از اختلالات روانی و اجتماعی را می‌توان در این دوره سنی مشاهده کرد. اگر دین همین چیزی است که شما به روشنی معرفی کردید و نوجوان هم همان انسانی باشد که شما اشاره کردید، چه شکلی از دین بهتر است به آنان معرفی شود؟

به بیان دیگر اگر دین، آشنای فطری نوجوانان است ولی گاهی ارتباط و اتصال لازم بین آنها برقرار نمی‌شود، سؤال این است که آیا ما در شیوه ارائه دین مشکل داریم؟ یا اینکه نوجوانان ما مشکل دارند؟ شما فرمودید که نوجوانان مشکلی ندارند، ولی منظور ما این است که دین را چگونه باید برای نوجوانان مطرح کرد که بتوانند آن را بپذیرند؟

دکتر احمدی: تعبیر من از دین، اتصال و ارتباط طبیعت انسان و برنامه زندگی اوست. برای عینی‌تر شدن مطالب، دین را به یک زبب تشبیه می‌کنم. زببی که از پایین گیره‌اش را می‌اندازید و تک‌تک حلقه را با دستگیره‌ای که دارد به هم متصل می‌کنید و بالا می‌آورید. یعنی در هر لحظه، دندان یک طرف زبب را با دندان مقابل آن، در طرف دیگر متصل می‌کنید و از اتصالهای تدریجی و درجه‌به‌درجه این دندان‌هاست که پیوند موردنظر شما کامل می‌شود.

بر اساس این تشبیه، برای ارتباط و اتصال طبیعت انسان با برنامه زندگی او، باید از همان ابتدای تولد کودک، در بایم که کدام بخش دین با او هماهنگ است و به اصطلاح جور درمی‌آید و آن بخش را به کودک متصل کنیم و به تدریج با رشد او حرکت را به همین شیوه ادامه بدهیم. به نحوی که تا پایان عمر او، اتصال و ارتباط موردنظر به معنای واقعی و کامل کلمه، صورت بگیرد. همه ما زیبایی‌هایی که به سختی یا ناچور بسته می‌شوند، تجربه کرده‌ایم؛ زببی که پایین آن درست جفت نمی‌شود و با بستن بالای آن از پایین باز می‌شود و یا مشکلاتی دیگر. (البته در نظر ندارم که همه مطالب خودم را در قالب همین تشبیه بیان کنم ولی مثال خوبی برای عینی کردن بحث است.)

بایه‌های دینی باید درست شکل گرفته باشد. کسی انتظار ندارد که یک بچه حتماً در خانه نماز بخواند، اما این انتظار هست که بچه در محیطی قرار بگیرد که نماز خواندن را ببیند، قرآن خواندن را ببیند، مفید بودن به دین را ببیند. در واقع او قبل از اینکه امر به نماز خواندن شود باید آن را ببیند. اینها بایه‌های اولیه ارتباط و اتصال است. مثلاً قبل از اینکه از او بخواهیم سر الصلوة را بداند، باید ظاهر الصلوة را بداند تا بعدها سر آن را دریابد. اینها

در همین باینتر این انتظار از موسیقی خانواده برآورده می‌شود و در سبب بالاتر انتظار داریم که جامعه ما را تسویق کند. مثلاً فرض کنید کسی در جلسه قرأت قرآن حضور می‌یابد و آدبی را با صوت خوش یا ناخوش قرأت می‌کند و جمع «احسنت»، «صباحه» و حملاتی مشابه می‌گویند. در اینجا، جمع یا جامعه در حال تحسین و تسویق آن فرد است و عارض برآورده می‌شود. موجه هستند که صرف نظر از محتوای دینی و هستی‌شناسی دینی موثر بر بی‌آموزی، بی‌تربیت و اتصال فرد به جمع و دریافت تحسین و تسویق جامعه برای فرد هست و برده می‌دارد. ما اگر همین را به وجود بدهیم، دیگر فاصله‌ی به وجود نخواهد آمد. شاید مسائل و مشکلاتی که فرمودید معلمها با دانش آموزان خود دارند، از همین مسئله ناشی شده باشد. هر که بسیاری از مدرسه، مناسبانه معنی هستند که در آنها به نیازهای روحی فرد به حد کافی توجه شود. تغییر نظام آموزشی هم باید به همین نکات توجه کند نه صرفاً به تغییر صورتی. در واقع هدف از تغییر نظام می‌بایستی ساختن کمبودهای نظام موجود و تغییر آنها باشد. مناسبانه هنوز هم بحث با و روزه مدرسه، احسان می‌کند که وارد جهنم شده است. خود شده، مدتی معلوم دینی دوره راهنمایی بوده، اجازه دهد که خاطره‌ی از همان دوره تعریف کند.

یک روز در کلاس اول نادمه، راهنمایی، درباره‌ی بهشت صحبت می‌کرد. سعی داشتیم که با توضیحات مناسب، بهشت را بسیار زیاده‌تر ذهن بچه‌ها جلوه بدهیم. در حال توضیح دادن و نفس از «جناب جبری من جنها الا نهار لهم فيها ما ساءون»

بوده و بچه‌ها با صد وجودشان گوس می‌کردند. حتی غیر من از توجه آنها بی‌بوده که به آنها دو گوس بکنه یا دو حسه و دهانی باز در حال گوس دادن بودند. در همین موقعیت که همه در حالتی از وجد غوطه‌ور بودند، یکی از ساکنان رنگ کلاس که در ریف جلو هم نشسته بود، بی‌حساب گفت: «آخ جون، من بهشتا همان سه ماه تعطیلیه»

حرف بی‌تعمیر یعنی اینکه سال تحصیلی جهنم است. مادر و فرزند با این حرفهای خود بکنجه و بدون تفسیر و حساسگری نوجوانان را جدی نگریه. هنگام توصیف بهشت آمده و برتبهایی را تغییر بده راهنمایی مشابه بودن بهشت و سه ماه تعطیلی است! ما چه کرده‌ایم که سال تحصیلی به جهنم تبدیل شده است! در همین جهنم چگونه باید از دین حرف زد! آیا من مکان دارد که در جهنم از دین حرف نزنیم و بچه را با آن اتصال بدهیم! اگر مسکنی وجود دارد، باید به ستر گار و میران برطرف کردن نیازها و مشکلات توجه کرد نه اینکه بچه‌ها را مقصر بدانیم. بچه‌ها به نظرت هیچ جنی می‌شوند. این حرف بد نیست. حتی حد و بند در پاسخ حضرات موسی (ع) که می‌رسند:

«ای عمل فضل! احسان! بهترین عمل کدام است؟»

می‌فرماید: «حسب لاطفال» دوست داشتن بچه‌ها

هر که خود را می‌فرماید من آنها را به نظرت ناک خود خلق کرده‌ام

و دوست داشتن آنها دوست داشتن من است. با چنین دیدگاهی، اگر اشکالی وجود دارد، عیب از کار من است که بچه را از دین بری کرده و بین او و برنامه زندگی من فاصله می‌ندارد.

رشد: با توجه به اینکه می‌فرمایید اشکال از خود ماست، اجازه بدهید که به وضعیت کنونی و موجودمان نزدیکتر شویم. ما برای تعلیم و تربیت دینی بچه‌ها، یک کتاب داریم که شما هم ملاحظه کرده‌اید. معلمانی را داریم که باید تجربه قبلی داشته باشند و دوره‌های ضمن خدمت را طی کرده باشند. و یک سازمان داریم البته به طور خاص غرض می‌کنم، ما این سه اهرم را داریم. شما در ارتباط با کتاب یا به زبان برنامه‌ریزی آموزشی «با محتوا» چه نظری دارید؟ آیا محتوای عرضه شده به نوجوان، با آنچه که باعث برقراری ارتباط و اتصال مورد نظر شما می‌شود، تا چه حدی انطباق دارد. از نظرگاهی دیگر، چه محتوایی را باید به نوجوان عرضه کرد تا جذب آن شود؟

دکتر احمدی: فکر می‌کنم که در صحنه‌های قبلی، نوبتاً پاسخ داده باشد. به نظر من همین فانت و شکل ارائه محتویات دینی، از خود محتویات دینی مهمتر است.

رشد: عتی روشها...

دکتر احمدی: حتماً از روشها، به مبانی باید توجهی بیشتر داشت. مبانی و براساس آن، باده‌ها و سایدیهایی که از آنها روش را استخراج می‌کنیم...

من در مقایسه با سایر عناصر تعلیمی و تربیتی، محتوا را در درجه اول اهمیت می‌دانم، یعنی به همان چیزی که در آموزش و پرورش، ما اهمیت بیشتری برای آن قائل می‌شویم. در آموزش و پرورش ما به محتوا بیشتر بها داده می‌شود تا به مبانی، اصول و روشها. وقتی مطلبی تهیه می‌شود، ملاک آموزش آن، محتوای آن است. بده، شخصیت بچه از جمله ذهن و عوطف و را به ساختمانی تشبیه می‌کنم که ساخته شدن آن، در درجه اول اهمیت قرار دارد. وسایل بعدی که می‌خواهیم در این ساختمان جاد کنیم، از اهمیت کمتری برخوردارند. شما ساختمان را درست بسازید، خود فرد راه درست استفاده از آن را می‌داند. وقتی کسی ساختمانی را می‌سازد، گردش برای انسانها سوزد و نشست به آنها احسان مسئولیت کند، ساختمانی را می‌سازد عالی، محکم و دراز نماید زمینه‌های لازم برای زندگی و آن را نحوی می‌دهد. از آنها خودشان می‌دانند که چه وسایلی را برای زندگی در آن انتخاب کنند و به کار بگیرند. سانس ساختمان اهمیت دارد به ذات آن.

ما بیش از آنکه به ساختمان بپردازیم به فکر محتویات آن هستیم. محتویات، هرچه که باشد (لبه نه یا فیدمطلق) مثلاً گفته شود که دین یعنی روخوانی از قرآن و دین را با همین دیدگاه آموزش بدهید و در تمامی ساختارهای آموزش دینی، فقط به روخوانی از قرآن بپردازید. از نظر من اگر مبانی و روشها را درست انتخاب و اجر کرده باشند، همین روخوانی از قرآن هم تربیت دینی را در پی خواهد داشت؛ درست به همان اندازه که



کودک خواهد شد. حالا ما به

فلان جون بگویم دنبال نامحرم نرو.

حتی آنها را تعقیب کنیم که به کجا می‌روند.

آیا واقعاً می‌توان آدمها را یا این شیوه‌ها حفظ

کرد؟ حتی اگر آنها را محبوس کنید باز هم درز می‌کنند.

معتادان را باید از درون متحول کرد و تغییر داد. صرف

نرسدن مواد هیچ ضریب اضطراب بالایی برای بازیابی سلامت آنها

نیست؛ بالاخره از جایی تهیه می‌کنند. باید به نوجوان گفت که «تو

کسی هستی» و به او کمک کرد تا محتوا را خودش به دست بیاورد.

نوجوانی که در جلسه قبلی به او گفته شده که «کسی شده است» در جلسه

امروز و جلسه‌های بعد خود را مجهزتر از پیش نشان می‌دهد. چر که ما

فکر و نظر او را می‌خواهیم. توجه کنید فکر او را می‌خواهیم نه محتوای

حفظ شده‌ی که در جلسه قبل به او گفته شده است. امروزه بچه‌ها احساس

می‌کنند که ذهنشان بیان مطالب مانده است. ما همواره آن را بر می‌کنیم

و او باید با تلاش زیاد آنها را حفظ کند و در زمان مناسب، دوباره به ما

برگرداند. پس از خودشان چه دارند؟ در واقع هیچ چیزی.

در نظام رایج آموزش و پرورش ما، بچه‌ها از خودشان چه دارند؟ از

خودشان چه چیزی به مدرسه می‌آورند؟ آنها درس داده شده را باید بگیرند

و بروند و فقط و سطحی برای عودت گرفته‌های خود باشند. بر همین

اساس است که بسیاری بچه‌های ما احساس ارزش نمی‌کنند. بر همین

اساس است که نباید به محتوا دست بزنیم. باید به شیوه‌ها دست زد. چرا که

محتوا در واقع ابزار و وسیله‌ی است که نباید جای هدف و اصل و اساس

تعلیم و تربیت ما را بگیرد. متأسفانه در آموزش و پرورش کنونی ما، این

جابجایی تقای افتاده است.

رشد؛ شما به نکته‌ای اساسی و مهم اشاره کردید، اما اگر

بخواهیم مرحله‌ای قبل از محتوا را مورد توجه قرار بدهیم،

نمی‌توانیم نقش معلمان را فراموش کنیم، حالا به هر اندازه که محتوا

غنی شود یا اصول و مبانی را در برنام‌ریزی‌های خودمان مدنظر

بگیریم، باز هم نقش «آموزش‌دهنده» قابل انکار نیست. فرض

بفرمایید که به مبانی و اصول توجه کنیم و محتوای مناسبی هم تهیه

کنیم، آیا قبلاً نباید برای معلم فکری شود؟

دکتر احمدی: یعنی محتوا چیزی نیست که لان نخواهیم درباره‌اش

صحبت کنیم و یا آن را عوض کرده و چیز دیگری به جایش بگذاریم و

بسنجیم که چه نتیجه‌ای در پی دارد.

رشد؛ بسیار دیده و شنیده شده است که از معلم به عنوان «هدایتگر»

نام برده شده است. ویژگی‌های یک معلم درس دینی چیست؟ ظاهرش.

مسائل روانی و نوع برخوردش چگونه باید باشد؟ رمز موفقیت در ایجاد

ارتباط دینی با نوجوان، معلم و ویژگی‌های او در کلاس است. این حالت

که برخی از معلمان محبوب بچه‌ها می‌شوند بدون اینکه ترمه‌ای ارفاق

معنا و تفسیر آن را ارائه بدهید. نوجوان، معنا و تفسیر قرآن را بعدها درک

خواهد کرد. کسی که در این مسیر حرکت می‌کند، خودش می‌داند که باید

اینها را یاد بگیرد و بداند. آموزش یک رساله به آدمها، دلیل بر عمل آنها

به آن رساله نیست، ولی اگر گفته شود که عمل شما باید منطبق با فتوای

مجتهد باشد، او سعی می‌کند اعمالش را با رساله منطبق کند. با کمی تأمل

و دقت در این مسائل، درمی‌یابیم که کدامیک اهمیت بیشتری دارد. اگر

شما قاعده «مراقب اعمال خودت باش» را به نوجوان بیاموزید حتماً تأثیر

بیشتر و ارتباط نزدیکی بین او و دین برقرار می‌کند تا اینکه بیاید انواع

اعمال خوب یا بد را فهرست کرده و به او درس بدهید. قاعده بیش از

محتوا اهمیت دارد. بر این اساس، بنده فکر نمی‌کنم صحبت کردن درباره

محتوا لزوم چندانی داشته باشد و جز اتلاف وقت حاصلی نخواهد داشت.

تا همین جا، بنده درباره چند نیاز اساسی نوجوانان صحبت کرده‌ام. باید از

خود بپرسیم که نوجوانان مادر کلاس دینی، آیا احساس تعلق می‌کنند؟ احساس

تحسین و تشویق می‌کنند؟ احساس خود شکوفایی می‌کنند؟ یا نه. اجازه بدهید

مثالی بزنم. کسانی که با نوجوانان کار کرده‌اند، می‌دانند که جمع کردن تعداد

زیادی نوجوان در محلی و سخنرانی برای آنها چه کار مشکلی است. بر اساس

تجرباتی که اندک‌اندک و به مرور کسب کرده‌ام (البته هنوز هم راه بسیاری در

زمینه کسب تجارب بیشتر در پیش دارم و فکر می‌کنم تا پایان عمر هم به خدمت‌طلب

خودترسم). کاری که امروزه در جلسه‌های بحث و تفاد با جوانها انجام می‌دهم،

این است که بسته به ظرفیت نوجوانها که تقریباً می‌توانند حدود نیم‌ساعت به

حرفهای دیگران گوش بدهند، حدود همین مدت برایشان صحبت می‌کنم. بعد

از آن باید آنها را از طریق شناختها و ذهنشان فعال کرد. راه‌حلی که بنده پیدا

کرده و اجرا می‌کنم و تاکنون هم نتیجه خوبی داده است، فرصت دادن به آنها

برای پرسیدن سؤلهای شفاهی و گرفتن جواب از همسالان آنهاست. اگر کسی

نظری ندانست، از او می‌خواهم که سؤال یا جواب شخصی دیگر را تکرار کند.

به عبارتی دیگر، در یک جمع دوست-سبب نقری، همه احساس می‌کنند که

در معرض فعالیت هستند و باید فکرتشان را فعال نگاه دارند، خوب بشنوند،

خوب تکرار کنند و خوب نظر بدهند. با این شرایط، احساس می‌کنم که حتی

اگر جلسه ما چهار ساعت و یا بیشتر طول بکشد، نوجوانان و جوانان شرکت‌کننده

در جلسه خسته نمی‌شوند. حتی هنگامی که خود خسته می‌شود و یا به

ضرورت‌هایی باید جلسه را تمام کند. احساس می‌کنم که با تشنگی تمام مطالبی

دیگر و با ادامه بحث قبلی را طلب می‌کنند. توجه کنید که در اینجا، مسئله

اصلی ما محتوا نیست. مسئله این است که نوجوان احساس می‌کند که «کسی

شده است». شما به نوجوان بگویید: «کسی هستی» او بقیه راه را خواهد رفت.

به این عبارت حضرت علی (ع) که درباره کرامت نفس انسان فرموده اند

و من آن را سرلوحه تعلیم و تربیت اسلامی می‌دانم توجه بفرمایید، حضرت

می‌فرماید:

«من کرم علی غلبه نفسه هانت علیہ شهوانه»

کسی که خودش برای خودش ارزش داشته باشد، نهوائش برای او



اجتماعی، چه چیزی یا چه کسی
شما را به سوی دین و گرایش دینی
ترغیب کرد؟

دکتر احمدی: من تا آنجا که به خاطر دارم

مناسفانه اولین و اصلی‌ترین اثر تربیت دینی خود را از

معلمان دینی دریافت نکرده‌ام. در واقع اولین ترغیب و تربیت

دینی را از معلم ادبیات خودم دریافت کردم. دبیرستان می‌رفتم. روزی

یکی از چدها به دلیلی حواست که از من در برابر معلم ادبیاتمان تعریف کند.

و گفت: «فایز بن حبیبی بیسرحوبیه، نماز می‌خواند و...» من گفتم: «آه، آقا

من نماز نمی‌خوانم» (حدوداً پانزده ساله بوده). معلم ما با حالتی خاص برگشت

و با تعجب پرسید: «نماز نمی‌خوانی؟» فقط همین جمله کوتاه را پرسید. اما

گویی دلیلی را در درون من زنده کرد و چیزی حقیقه را بسیار کرد. «از سنی من

چرا نماز نمی‌خوانم؟» این سؤالی بود که از خودم پرسیدم. همین سؤال کوتاه

یک معلم ادبیات، نقطه عطف زندگی من شد و مرا به طرف دین کشاند.

نامه می‌آید پس ز این حرفه بزرگ، محامی که نیازهای انسانی مرا

برآورده می‌کرد، جذابیت بیشتری برای من داشت، نه آنچاهایی که معارفی

را در اختیارم می‌گذاشت. نیاز به معارف در واقع بعدها احساس می‌شود.

در آن سالها پیش از آن که به معارف احتیاج داشته باشم، به جایگاهی

مشخص نیازمند بودم. یکی از دوستان ما که خداوند حفظش کند و سنی

بالاتر از ما دارد، برای بردن ما به جلسه‌ها یا هیئت‌هایی به دنبال ما می‌آمد

و ما را با خودش می‌برد. اینکه کسی به دنبال من بیاید و مرا با خودش به

هیئت بیاید، چیزی دیگری را در وجود من ارضا می‌کرد، نه این که بخوهم

به آن جلسه بروم. برای آنچه که آنجا گفته می‌شود، من کاری به این مطالب

نداشتم. حتی بذریع‌هایی را که در هیئت‌ها می‌شود باید دست که گرفت.

رشد: اینها عوامل جذب هستند؟

دکتر احمدی: بله، ما این نیازها را داریم. کسی که با حسن نیت

خالص، ناهاری برای عده‌ای در هیئت فراهم می‌کند، در واقع به بخشی از

نیاز آنها پاسخ می‌دهد. در بستر دین، باید برطرف کردن نیازهای انسان،

یعنی سلسله نیازهای او از دنی تا عالی را، هدف یا سخنگویی قرار داد.

خود بنده، تحقیقی روی چدهای دوره فوق‌لیسانس به بالا انجام داده‌ام.

در این تحقیق از آنها پرسیدم که نقطه عطف زندگی شما، چه بوده «او با

سؤالی مشابه این «البته شاید جمله‌ای که من گفتم، روی خیلی از آدمها

تأثیری نداشته باشد، اما پرسش انسان «صاحب دم» و «صاحب نفسی» که

روی خودش کار کرده و نامده که بگوید: «من معلم دینی هستم» (معصوم

ادبیات بود) روی من خیلی اثر گذاشت.

رشد: باز هم از شرکت شما در این مصاحبه تشکر می‌کنم.

دکتر احمدی: من هم از تلاش شما و تمامی عزیزان که با نیت صادق

در جهت تربیت نسل آینده‌ساز قدم برمی‌دارید تشکر می‌کنم.

خودمان را به سطح دانش آموز برسانیم، نه اینکه فاصله و شکاف بین خودمان
و آنها ایجاد کنیم و باعث بروز این احساس در دانش‌آموزان شویم که از ما
دور هستند. این در واقع هنر معلم است که همبای دانش‌آموز قرار بگیرد تا
او احساس نکند فاصله زیادی با معلم خود دارد. پیاده می‌گوید: «هر معلم
تازه‌کاری، دیر یا زود متوجه می‌شود که مطالبی که در جلسه‌های اول
تدریس می‌گفته، برای خودش بیان می‌کرده نه برای دانش‌آموز.» یعنی معلم
در جلسه‌های اول توجهی ندارد که دانش‌آموزش چه می‌خواهد، بلکه آنچه
را که می‌داند و بلد است، می‌گوید. معلم خوب، حسرت می‌بیند که دانش‌آموز
کجاست، بعد دست او را می‌گیرد و قدم به قدم به راه می‌لدازد. راننده‌ای
که عده‌ای را از جایی به جایی می‌برد، بی‌وسه همراه آنها می‌رود اما این به
آن معنا نیست که راه و مقصد را نمی‌داند. خود را هم با به چاره‌ها کردن و با
آنها در مسیر راه افتادن. یک اصل و یک باید است که خلاف آن فاصله
انداختن بین خود و دانش‌آموز است.

مسئله دیگری که در این باید‌ها به آن توجه می‌شود، توجه به نیازهای
روانی بچه پیش از نیازهای شناختی اوست. ما زلوا در تقسیم‌بندی نیازی
خود، مثلت معروفی دارد که براساس آن نیازهای عاطفی و اجتماعی
بچه‌ها را مطرح می‌کند. او نیازهای دیگری به نام «نیازهای شناختی» را
مطرح و نیاز «دانش و فهمیدن» را در قالب آنها بیان می‌کند. پیش از
رسیدن بچه به نیاز دانش و فهمیدن، نیازهای عاطفی و اجتماعی او باید
مورد توجه قرار گیرد. در عمل، می‌توان این نکته را در میان دانش‌آموزان
کلاس دوه و سه ابتدایی مشاهده کرد وقتی از آنها پرسید: «بسم!»
دخترم! شما برای چه می‌خواهید به مدرسه بروید؟» و خواهید دید که هیچ
کدامشان نخواهند گفت: «مطلبی در سال پیش خوانده‌ام و حالا می‌رویم
که دنباله آن را بخوانیم.» ممکن است که بگویند «به کلاس بالاتر می‌رویم»
ولی در همین پاسخ هم نیاز اجتماعی آنها نهفته است. اکثر آنها می‌گویند:
«می‌رویم که معلمهايمان را ببینیم» یا «دوستانمان را ببینیم» که در واقع در
حال بیان نیازهای طبیعی خود هستند.

به هر حال، مسئله این است که توجه به نیازهای طبیعی نوجوانان بسیار
مهمتر از توجه به نیازهای دیگر آنهاست. اگر معنی به جای اینکه بپندارد
بچه، برای مثال، نیازمند دانستن دلالت عدل الهی است به این مسئله فکر
کند که او نیازمند باز کردن و داشتن جایی در کنار من است، حتماً در کار
خود موفق خواهد شد. پس باید به نیازهای طبیعی و روانی نوجوانان پیش
از نیازهای شناختی آنها توجه کرد. البته برای شرح بیشتر در این زمینه،
لازم است که این مطالب به‌طور مفصل نوشته شوند، چرا که این گفتگو
برای باز شدن جزئیات مسئله بسنده و گویا نیست. اینها، مثالها و نمونه‌هایی
بود از آنچه که شما فرمودید.

رشد: به‌عنوان آخرین سؤال می‌خواهم که از تجربه‌های خودتان
بگویید. وقتی به گذشته برمی‌گردیم هر کسی فرازهایی در زندگی خود
داشته است. در واقع می‌خواهم بدانم گذشته از مسائل خانوادگی و

ارزیابی سواد علمی

ترجمه و نگارش: محمد کرام الدینی

میواد فریب نخورد

شیادی بدی رفت و مردم را فریب داد و دور خود جمع کرد .
از قضا و انشئدی با نجا وارد شد . اهل ده نزد او رفته پرسشهای میکرد
شیاد دید اگر مردم عالم روزی چند دهه بماند دروغهایش آشکار میشود باز خواهد
شد مردم از دوشش پراکنده خواهند گشت . بابل ده گفت :
این شخص که اینجا آمده است چیزی نمیداند من این مطلب را بر شمارش
خواهم ساخت .

روز دیگر در حضور همه از دانشمند خواست که کلمه مادر را بنویسد . او کلمه مادر را
نوشت مرد شیاد سری جفایید و گفت عجب ماری نوشتی ! آنگاه خود
کاغذ را گرفت شکل ماری را روی آن کشید و بهم نشان داد . گفت
ای مردم خدا بشما چشم داده است سینید ما این است که من نوشته ام
یا آنکه او نوشته است ؟ اهل ده چون میواد بودند نوشتن کلمه مادر را
نمیدانستند شکل مار را که دیدند گفته البته ما زمین است که شنا نوشته اید .
دانشمند خمکین شد و از ده بیرون رفت . چندی بعد که بعض مردم ده
با سواد شدند شیادی مرد میواد پی بردند و دانشمند که فریب در آورده بود
و حق با مردم عالم بوده است و از کرده خود پشیمان گشتند .

یکی از هدفهای آموزش علوم، ایجاد سواد علمی در دانش آموزان است اما خوب نشناختن و امتحان دادن در سبهای علوم، خود به خود سواد علمی را در دانش آموزان تقویت نمی کند . ایجاد سواد علمی نیازمند آموزش آن در کلاس است .

اگر چه دانش آموزان معمولاً به مطالب علمی علاقه نشان می دهند ، مثلاً در کلاسورها ، کامپیورها ، بیماریها و لایه اوزون ، همگی برای آنان جالب است ؛ اما در عمل ، معمولاً بسیاری از آنان از طبیعت بیاموزی خود غافل اند . چون کلاسهای علوم ما معمولاً در تافتهای درسه تشکیل می شود و دانش آموزان غالباً دانش و مهارتهایی را که در آنها می آموزند ، از دنیای طبیعی جدا می دانند . معمولاً هنگامی که رنگ کلاس به صدا در می آید و درس علوم پایان می گیرد ، بسیاری نمی توانند تصور کنند چه ارتباط منطقی میان موضوعات درس علوم و دنیای واقعی وجود دارد . به علاوه ، چون هر رنگ علوم به موضوعی ویژه اختصاص دارد ، این آنان را و می داند به بخش بدی تفکرات خود برده زند و ارتباط بین مفاهیم ، گاه گسسته شود .

ارتباط میان آموزش رسمی علوم و دنیای واقعی ، روشن تهیه نقشه مفهومی ، تعریف سواد علمی و ویژگیهای فرد با سواد علمی ، از جزای این مقاله اند .



لزوم توجه به سواد علمی

سواد علمی نیز باید همچون همه هدفهای مهم آموزشی علوم، به روشنی تعریف شود و دانش آموزان باید آن را از دوره پیش دبستانی تا پایان دبیرستان در نظر داشته باشند. در برنامه ریزی درس علوم باید به راهبردهای پرداخت که دانش آموزان بتوانند طی آنها دسته‌های علمی خود را تعمیم دهند و ارتباط میان موضوعهای مختلف علوم را دریابند. لازم است آنان مفاهیم اساسی علوم باید را با موضوعهایی که در زندگی روزمره با آنها سروکار دارند، مرتبط سازند.

نخست، باید تصویری از سواد علمی در ذهن دانش آموزان ایجاد کنیم تا آنان بدانند که دارا بودن سواد علمی یک امتیاز است. لازم است دانش آموزان ویژگیهای افرادی را که سواد علمی دارند، بشناسند و آنان را از میان سایرین تشخیص دهند.

سواد علمی مهارتی برای همه عمر

سواد علمی مهارتی مادام‌العمر است. برای پرداختن به این موضوع، نخست این پرسشها را در کلاس مطرح می‌کنیم:

- آدمی چه نیازی به علم دارد؟
- اگر علوم در مدارس تدریس نشود، چه اتفاقی می‌افتد؟
- علم چیست؟
- چه کارهایی را می‌شناسید که نگاه دادن آنها به علم احتیاج ندارد؟ پس از آن چگونگی تهیه نقشه مفاهیم را برای آنان توضیح می‌دهیم. نقشه مفاهیم نقشه‌ای است که ارتباط میان فکارات مختلف را نشان می‌دهد. مثل رابطه میان کلمات یک جمله که به وسیله حروف اضافه برقرار می‌شود. سپس مثالی از یک نقشه مفاهیم به آنان ارائه می‌دهیم. این نقشه با استفاده از کلماتی صورت می‌گیرد که ظاهراً ممکن است رابطه‌ای با یکدیگر نداشته باشند.

دانش آموزان را به گروه‌های سه یا چهار نفری تقسیم می‌کنیم. به هر گروه مجموعه‌ای از ۲۴ کارت می‌دهیم که روی هر کدام از آنها یک واژه با اصطلاح نوشته شده است (شکل ۱). مجموع این واژه‌ها مفاهیمی از

زیبایی‌شناسی، مطالب اجتماعی، فرهنگی، علمی، ذهنی ارائه می‌دهد و شامل مواردی است که معمولاً دانش آموزان با آنها برخورد می‌کنند. کارت سیم نیز برای اضافه کردن مفاهیم لازم توسط دانش آموزان به آنان می‌دهیم.

هر گروه باید با استفاده از دست‌کم ۲۲ کارت، یک نقشه مفهومی بسازد. آنان این اختیار را دارند که چند تا از واژه‌های خودشان را جایگزین یا اضافه کنند. هنگامی که اعضای گروه کارت‌ها را بر اساس ارتباط میان آنها تنظیم کردند و این ترتیب مورد موافقت همه افراد گروه قرار گرفت، آن‌گاه باید آن واژه‌ها را بر روی تکه‌ی کاغذ بنویسند و به یکانه‌های آنها را به هم متصل کنند (شکل ۲). پس از پایان یافتن کار دانش آموزان حاصل کار خود را به کلاس ارائه می‌دهند و در برابر بحث‌هایی که انجام می‌شود، از طرح خود دفاع می‌کنند.

هدف این فعالیت وادار کردن دانش آموزان به تحقیق درباره‌ی روابط بین علوم، دنیای طبیعی، جامعه و مشکلات آدمی است.

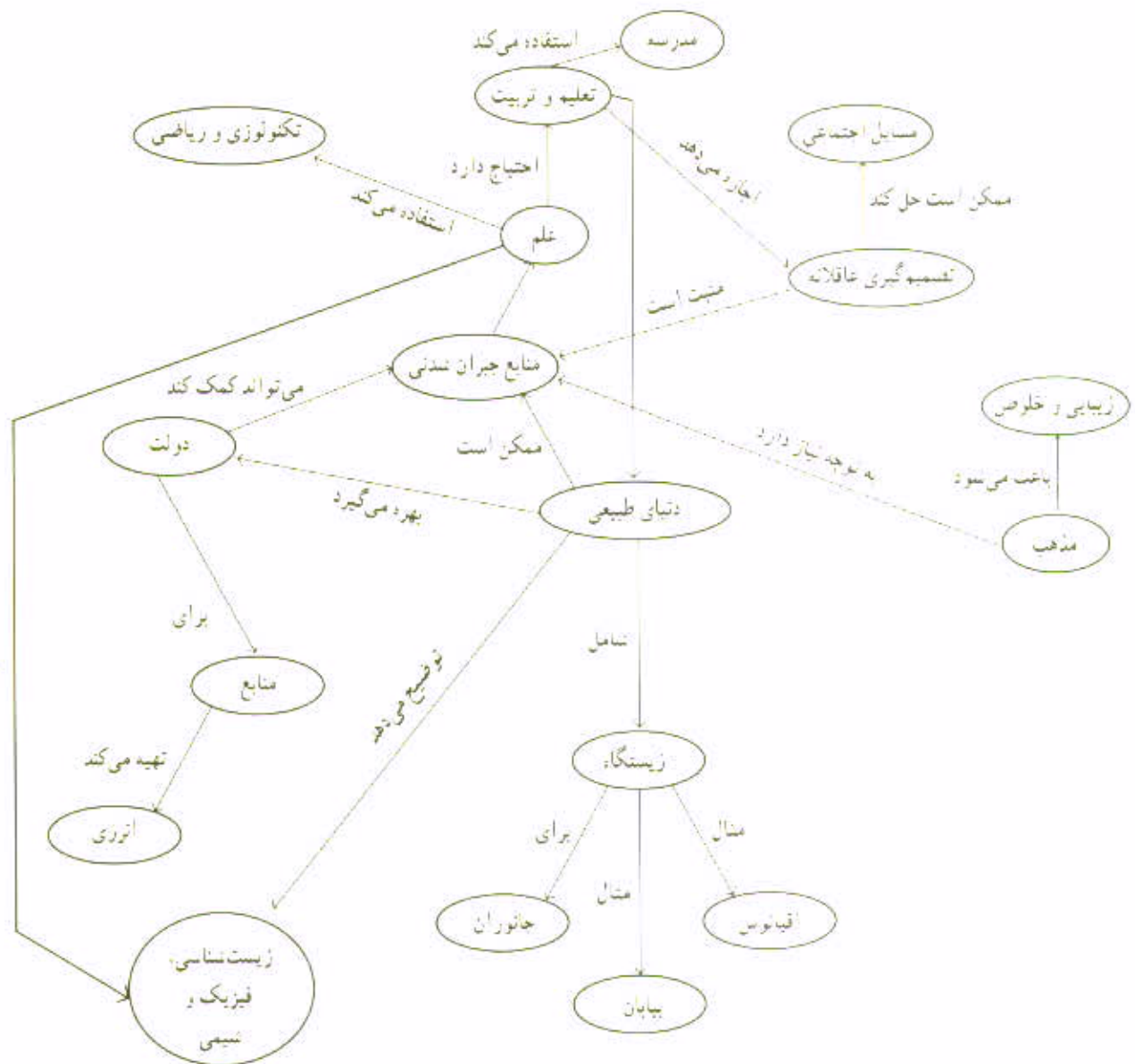
سپس مفهوم سواد علمی مورد بحث قرار می‌گیرد: کسی دارای سواد علمی است که دارای این ویژگیها باشد:

- الف. با دنیای طبیعی آشنا باشد.
- ب. یگانگی و گوناگونی دنیای طبیعی را بشناسد.
- ج. مفاهیم کلیدی و اصول اساسی علوم را درک کند.
- د. بداند که علوم، ریاضی و تکنولوژی محصول ذهن بشری هستند و نقاط قوت و ضعف آنها را بشناسد.
- ه. به وابستگی بین علوم، ریاضی و تکنولوژی بی‌بردار و بی‌بهره‌های این وابستگی را بشناسد.
- و. در عهدهای تفکر علمی را بشناسد.

زادش و تفکر علمی را برای مقاصد فردی و اجتماعی به کار برد. پس از آن مثالهایی درباره‌ی کارهایی که افراد با سواد علمی می‌توانند انجام دهند برای دانش آموزان شرح می‌دهیم. می‌توان مثالهایی در این باره را از مجلات و روزنامه‌ها استخراج کرد، مثلاً استفاده از هورمون رشد برای تغذیه و رشد دادن دامها. محل حدات کارگاههای دفع مواد زاید در

تعلیم و تربیت	شیمی	فیزیک	ذهن
اقیانوسها	مدرسه	خالص	انتخاب
زیبایی	تکنولوژی	انتخاب	
مسائل اجتماعی	اتم	جانوران	
انرژی	دولت	بیابان	
کیفیت	زیستگاه	دنیای طبیعی	
منابع	زیست‌شناسی	ریاضی	
		جبران شدنی	

شکل ۱- واژه‌ها و اصطلاحات لازم برای تهیه نقشه مفهومی



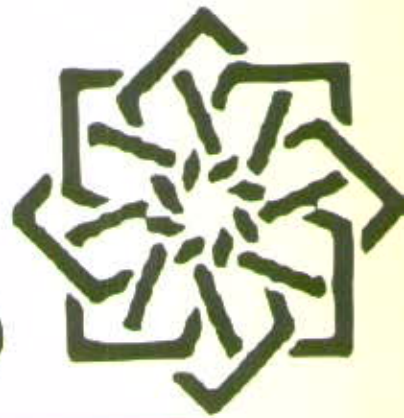
شکل ۳ - یک نقشه مفهومی ساده. دانش آموزان برای تهیه نقشه مفهومی باید روابط بین واژه‌هایی را که به آنان داده می‌شود، کشف کند. واژه‌ها و اصطلاحات درون بیضی‌ها و رابطه میان آنها به وسیله بیگان نشان داده شده است. در کنار بیگانها رابطه بین اصطلاحات نوشته شده است. مثال مدرسه از دانش تعلیم و تربیت استفاده می‌کند و تعلیم و تربیت به علم احتیاج دارد. تعمیر گیری عاقلانه ممکن است مسائل اجتماعی را حل کند و بروزی منابع جبران نمدنی اثر منفی دارد.

ن تعریف‌ها در نظر گرفته شود.

این فعالیت که سواد علمی مهارتی است برای همه عمر باید در تمام طول سال مورد توجه قرار گیرد. دانش آموزان بدن و مسئله نقشه‌های مفهومی دلخواه خود را می‌سازند و به کلاس ارائه می‌دهند. با این کار آنان درباره علوم تفکر می‌کنند. رابطه آن را با زندگی روزمره بیشتر می‌نمایند و موضوعات مختلف علوم را با یکدیگر پیوند می‌زنند و بدین وسیله تفکر انتقادی و خلاق را تمرین می‌کنند.

مهرها در پایان این فعالیت دانش آموزان به مقایسه فرد با سواد علمی و افرادی که فاقد این ویژگی هستند، می‌پردازد.

وقتی که، بدین ترتیب، دانش آموزان از سواد علمی مفهومی روشن‌تر به ذهن خود جای دهند، از آنان می‌خواهیم کاربرد آن را در زندگی روزمره تمرین کنند. مثلاً نقشه‌هایی به آنان می‌دهیم که در آنها هر یک عضو از سوزن سهر هستند و درباره تصمیمی که قرار است بگیرند، بحث می‌کنند یکی از آنها نفس کسی بر عهده می‌گیرد که سواد علمی دارد و در مقابل او فرد دیگری قرار دارد که فاقد سواد علمی است. کاربرد درست فرایندهای وابسته به علوم، برای تصمیم‌گیری‌ها، باید در



- زندانی کردن دانش آموز در چهارجوب پاسخهای خاص بدون فکر کردن.
- از شما معلمان انتظار داریم که شرایطی را ایجاد کنید که دانش آموز برداشت امتیاهش را خودش متوجه شود.
- آیا کتابهای علوم دوره راهنمایی مناسب تدریس برای سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶ هست؟

همراه با تجربه

گفتگو از: فتح‌الله قزوینی

روزی که تهیه این مطلب را از طرف هیئت تحریریه مجله عهده‌دار شدم، اصلاً تصورش را هم نمی‌کردم که پس از سالیان زیاد، مفسر ابهای خاطره، تارهای خوش آن روزگاران شاگردیم را بنوازد و حامل نغمه‌های دلنوازانه معلمان آن خطه باشم. آنانی که حتی «طفلان گریز با» را بر نیمکت‌های جویی کلاس می‌نشاندند و ...

استاد محقق را می‌گویم که در کنارش نشسته بودم و آرام و شمرده صحبت می‌کرد؛ از معلم به وسعت دریایی، و تأکیدی که بر محتوا داشت. رو برویم آقای ابن حجازی نشسته بود و با لهجه زیبای اصفهانی، برجوش و خروش از ارزشیابی سخن می‌گفت که حاصل سفیدی مویش بود و آقای امیریان با سکوتی که حاکی از سالیان تجربه داشت و دیگران نیز هریک ...

ارزشیابی که انجام می‌گیرد آیا همان چیزی است که شما انتظار دارید؟ من می‌خواهم به شما بگویم که این امتحان و ارزشیابی که همیشه آخر کار ما انجام می‌دهیم و بحث می‌کنیم، باید اول کار بحث نمود، ارزشیابی و امتحان خودش تعیین کننده روش تدریس است. مسئله دیگری که در بحث پرسش و پاسخ است، اساس کار ما در درس علوم پرسش و پاسخ است. خوب نظر شما درباره این پرسش و پاسخ چیست؟

خانم تکیه فردی: الان معمول این است که در ابتدای فقط یک سؤال را می‌گویند و جواب می‌دهند و بعد هم همان را از دانش آموز می‌پرسند.

آقای محقق: من هم همین را یادداشت کردم. با این عنوان «زندانی کردن دانش آموز در چهارجوب پاسخهای خاص بدون فکر کردن» و این تقریباً از ابتدای شروع شده است. در این روش گاهی دانش آموز حتی متن کتاب را هم نمی‌خواند. سؤالهای آخر متن را شروع می‌کند به پاسخ دادن و بعد سؤال را می‌خواند، وری می‌زند تا در متن گزیر تواند پاسخ آن را پیدا کند. کل متن را نمی‌خواند، در حالی که روش صحیح و علمی این

بسیار خرسندم که از طرف هیئت تحریریه مجله رشد آموزش راهنمایی در جمع شما همکاران محترم هستم. امیدوارم بتوانیم در این فرصت محدود جمع‌بندی مفیدی درباره چگونگی آموزش علوم تجربی در دوره راهنمایی تحصیلی در شهر اصفهان داشته باشیم. تصور می‌کنم برای نیل به این هدف باید چند محور را مدنظر داشته باشیم. یکی نگرش بر کتابهای سه پایه راهنمایی و به نوع آن کتابهای علوم دوره ابتدایی و نیز کتب مربوط دبیرستان. دوه نگرشی به چگونگی امر آموزش این درس و سومین نگاه را هم به سمت امور کمک آموزشی و نهارب و موارد دیگر در این زمینه داشته باشیم. هم چنین امید بر آن دارم که این جلسه با پرسش و پاسخهای خود شما همراه باشد. با این مقدمه جلسه را با صحبت‌های آقای ابن حجازی ادامه می‌دهم.

آقای ابن حجازی: سؤال‌های من از همکارانی که در دوره راهنمایی تدریس می‌کنند این است که انتظار شما از دانش‌آموزانی که از ابتدایی به راهنمایی می‌آیند، چیست؟ البته مشخص است که اساس در دوره ابتدایی است، این را همه می‌گویند، و بعد این که مشخص شد، حالا باید دید این



رئیس جسد آقایان محقق، فروغی، نادری، رمایی، ابن حجازی و امیران در محل مرکز تحقیقات معلمان صفهان

نست. این است که متن خوانده بشود، دانش آموز روی آن فکر کند و بعد خودش را ارزیابی کند.
آقای ابن حجازی: یعنی می‌تواند بگوید تبدیل کردن دانش آموز به یک وار صیغه صوت، یعنی الان دارد این کار انجام می‌شود درست است؟

آقای محقق: به نظر من بدین ترتیب سماه سعید دهایی را که در یک دانش آموز نهمه است، با مثال می‌کنیم. با همان سیوادی که سما فرمودید البته باید دانش روس ارزیابی ما در نظام آموزش و پرورش طرفی است که معلم مجبور می‌شود این چنین عمل کند. معلم ارزیابی می‌شود و ارزیابی معلم به ارزیابی دانش آموز بستگی دارد. ارزیابی دانش آموز چگونه است؟ عمده سوالات کتاب باسجس داده‌شده است ولی به نظر من می‌باید دانش آموز را نیز دستشان متوجه بار آورد. از معلمین توقع داشته باشند که اگر علاوه تجزیه درس می‌دهد، به آن جهت بدهد.

این مفهوم را برود خودش تجربه کند تا مکانی تجزیه را از معلم بخواهد که در مدرسه برایش فراهم کند. من این را می‌گویم.

آقای ابن حجازی: جناب آقای محقق، با توجه به جدید بودن سه کتاب علوم ابتدایی که کتابهای بسیار خوبی است البته همین امروز هم کتاب کلاس چهارم را دیده، محتوای کتاب زیاد برای ما مشکل را حل می‌کند. اما در محتوای آن مثال مسکمی که در آن، بلکه روس برای ما خیلی مهم است. در کتاب اول و دوم اصلاً روس هم آمده است و روس به نحوی است که سما نظماً دارند. انتظاری این که دانش‌موران در علمی بار سوارند، اولین قدمی که در کلاس از آن استفاده می‌کنیم مشاهده است و بلافاصله گسترش یعنی اگر ما اینها را به تکنیک‌هایی غنی کنیم، تکنیک آغاز کننده کار ما در علوم را کتاب شروع می‌شود. مرحله بعد که می‌خواهد به گسترش بدهیم، باید یک شروع کنیم و در آن شروع کنیم و باید آزمایش کند، گروهی هم باید آزمایش کنند. در این مرحله معلم هیچ‌گونه باسجی را نمی‌دهد. به معنای خیلی سفارش شده است که اگر دانش‌موز در آزمایش برنام است اینها را داشته، حق ندارد جواب بدهد.

از سما انتظار داریم که سر بقی را جدا کند که دانش‌موز بداند است ببیند با خودش مواجه شود. بلافاصله بعد از آن مشاهده، یک بحث شروع شده است تا این عنوان در بالای صفحه که شروع کنیم، یعنی تجربه. پس کتاب به این مسئله توجه کرده است. یک تجربه به دانش‌موز می‌دهد، یک سری تجربه هم خود دانش‌موز دارد. اینها را تلفیق می‌کند. بحث می‌کند و می‌گوید تا تکنیک تمرکز دهند، همان که حواس دانش‌موز جمع می‌شود، یک سری مسائل می‌دهد. هر چند یک صفحه آمده است که باید آزمایش کند و بعد کتاب مخصوصاً در کتاب‌های اول، دوم و سوم به آن مهارت‌هایی که بعد از دانش‌موز یاد دارد، توجه شده است. بدین ترتیب ما مقدمه

را در کلاسهای ابتدایی ایجاد می‌کنیم تا محصولاتش در آینده بتواند فرآورده علمی درست کند. امروز دانش‌موزانی ما در تمام سطوح فرآورده علمی خود هستند، اطلاعاتی را به آنها می‌دهیم و آنها شروع می‌کنند به تجربه کردن. رسیدن آقای ابن حجازی به ویژگیهای کتاب‌های جدید علوم ابتدایی اشاره کردند، حالا باید این سوال مطرح شود که آیا لازم است این ویژگی‌ها به کتاب‌های دوره راهنمایی هم سرایت پیدا کند یا نه؛ و یا اینکه مواردی علاوه بر اینها برای دوره راهنمایی مورد انتظار است. خانه تکیه فردی سما چه نظری دارید؟

خانم تکیه فردی: کُر در ابتدایی منظور باشند و این ویژگی‌ها را داشته باشند، حتماً باید در دوره راهنمایی هم گسترش یابد و اگر بخواهد کتاب‌های راهنمایی مثل قبل باشد، وقتی دانش‌موز از ابتدایی به راهنمایی می‌آید، انتظار بستری از ما دارد. وقتی انتظار بیشتر شد، پس کتاب هم باید گسترده‌تر باشد تا بتواند به او ارائه بدهد. البته ما می‌توانیم این کار را انجام بدهیم ولی وقتی کتاب در دسترس نباشد و دانش‌موز آن معلومات را نتواند پیدا کند، بنابراین اشکال ایجاد می‌شود.

آقای محقق: تقریباً نظر شما این است که کتاب‌های راهنمایی فعلی و کتاب‌های آینده (جدید السالف) که تا حدی توصیف آن را آقای

- تغییر طرز فکر معلمان به امتحانات بستگی دارد.
- اکثر معلمان متن کتاب را خلاصه می‌کنند. یعنی نکاتی گفته می‌شود که طبق روال سالهای گذشته در امتحانات آخر سال مطرح شده است.
- مشکل‌ترین مسئله‌ای که الان در مدارس داریم و گاهی ناامید می‌شویم، درگیر کردن دانش‌آموز با مسئله است.

این حجازی فرمودند. هماهنگ و همخوان نیست و به آن هدف نمی‌رسد. رشد - آقای امیریان. شما که مدت‌ها تدریس این کتاب‌ها را به عهده داشته‌اید، چه نظری دارید؟

آقای امیریان: عرض کنم که کتاب‌های راهنمای آفندرها هم کم محتوا و دور از هدف نیست، اما با حذف‌هایی که به خاطر کمی ساعات تدریس صورت گرفته است، من فکر می‌کنم ناقص شده است. البته کتاب‌های ما با کتاب‌های ابتدایی کمی تفاوت دارد، یعنی از اول آزمایش جدا شده است. بعضی از سئوالات اصلاً مربوط به متن درس نیست. مثل «این پرسش‌ها را پاسخ دهید» که قدیم می‌نوشتند «این مسائل را حل کنید» و خود به خود دانش‌آموز برای پاسخگویی به آنها تحرک و بویایی پیدا می‌کرد. صحبتی که من روی کتاب‌ها دارم اینست که آیا کتاب‌های علوم دوره راهنمایی با توجه به سه ساعت تدریس و یک ساعت آزمایشگاه، مناسب سال تحصیلی ۷۶-۱۳۵۷ هست؟ چه از نظر محتوا و چه از نظر علمی بودن در سطح امروزه خالی بودن از انستیه و امثال این‌ها؟ آیا مطالب مهم‌تری هست که باید دانش‌آموز آن را بداند؟ آیا مطالب علمی روز را به دانش‌آموز می‌دهد؟ مثلاً مسائل محیط زیست امروزی، انرژی هسته‌ای و مسائل ژنتیک و ...؟

رشد - آقای محقق: لطفاً جناب عالی نظرتان را درباره کتاب‌های علوم راهنمایی بفرمایید.

آقای محقق: اینکه گفته می‌شود کتاب‌های راهنمایی خیلی بر محتوا است و مطالب زیادی در آن وجود دارد، فکر می‌کنم همه ما هم نظر داشته‌ایم و اینکه کتاب‌های راهنمایی در خود متن آنها آزمایش‌هایی را دارد و حتی پرسش‌هایی هست که این پرسش‌ها باسجس در رابطه با تفکر دانش‌آموزان است و نه در رابطه با خواندن، نکته صحیحی است. من نکته هم که می‌فرمایید بسیاری از قسمت‌های کتاب از وسط و این سر و آن سرش حذف شده است و از اهداف نویسندگان کتاب خیلی دور شده‌اند، قابل بحث است. با این حال به نظر من اگر جناب آقای این حجازی دنبال مطلبشان را درباره ارزشیابی که نکته مهمی است، ادامه دهند، بهتر است. چون آن ارزشیابی است که به معنی می‌گوید تو این روش‌ها را عمل کن و یا برعکس اصلاً به دستورالعمل‌ها توجه‌ای نداشته باش. تو کار دیگری بکن که دانش‌آموز نمره بیاورد و بعد تو را به عنوان یک معلم موفق معرفی بکنند.

آقای این حجازی: من انتظار داشتم یک سؤال دیگر هم از من بشود و آن اینکه بی‌رسید، این طور که شما گفتید کتاب‌های ابتدایی خیلی خوب است، اما آیا معلمان هم آن طور که لازم است جرات می‌کنند؟ من در جواب می‌گویم نه.

آقای محقق: اتفاقاً من این هدف را داشتم. منظور همین است که آیا ارزشیابی به گونه‌ای خواهد بود که معلم در جهت هدف کتاب پیش برود؟ یا اصلاً به ضرر معلم است اگر معلم با اهداف کتاب پیش برود. دانش‌آموز با آن روش ارزشیابی او نمره نمی‌آورد و بعد عنوان می‌شود



که این معلم موفق نبوده است.

آقای این حجازی: من اینجا یک جمله‌ی زیاده‌دانش کرده که جواب شمار می‌دهد. تغییر طرز فکر معلمان به امتحانات بستگی دارد، یعنی اگر شما خود معلم را تغییر بدهید باید یک تغییری در امتحانات نگاه بگردید. به نظرم می‌رسد خوب است که ما یک مقایسه‌ای بین سه عنصری که در آموزش و پرورش وجود دارد و خیلی مهم است، داشته باشیم و ببینیم آیا در طول زمان که این کتاب‌ها تغییر کرده است، این عناصر هم تغییر یافته‌اند؟ توقع آنها تغییر کرده یا نه. این سه عنصر یکی معلم است، یکی دانش‌آموز و یکی هم موضوع. قبلاً معلم به چه کسی گفته می‌شد؟ کسی که منبع اطلاعات باشد. بنابراین من به عنوان منبع اطلاعات می‌رفتم سر کلاس ابتدایی. خودم هم که بیشتر از همه خودم را می‌شناختم، می‌ترسیدم الآن یک سؤال از من بپرسد و من بلد نیامد و از آنکه قدرت پایین بیایم. پس به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهم از من سؤال

من فکر می‌کنم اگر تدریس با آزمایش همراه باشد، بهتر است. چون اگر قرار باشد آزمایشگاه جدا شود و مجرد خاص داشته باشد، خود به خود بحث تجربی بودن هم کنار می‌رود. یک کلاس تنوری می‌شود و یک کلاس آزمایشگاه.

رشد - آقای محقق، جناب عالی چه نظری دارید؟

آقای محقق: من فکر می‌کنم که عنوان تجربی در یک کلمه یعنی «آزمایش» و محور در این درس باید آزمایش باشد. من بر یک مطلب تأکید دارم و آن اینکه اگر به معلم گفته شود که چه نوع ارزشیابی لازم است نا دانش‌آموز قالبی باز نیاید، دانش‌آموز متفکر بار نیاید و پرود تحقیق کند، کار حل شده است. چون معلم بعد از آن به خودش جهت می‌دهد.

آقای ابن حجازی: من خودم راجع به امتحان سؤال دارم. یعنی به ما می‌گویند که امتحان باید به خوبی کنترل شود. باید دید که امتحان را بری چی می‌دهند. برای این است که آیا ما خوب درس می‌دهیم؟ که اگر این باشد خیلی اشتباه است. بعد ادامه می‌دهیم در حالی که اجتماع با کمک کنترل و مرافست کار نمی‌کند، بلکه از طریق خلاقیت و سهامات در نوآوری است که افراد به زندگی و رشد فکری خود ادامه می‌دهند، اما ما آنجا که معلم را بخواهد محدود کند، دانش‌آموز را بخواهد محدود کند. هیچ کدام نیست. معلم باید سر کلاس آزاد باشد. یک هدفی را به او می‌دهیم. اهداف هم فکر نمی‌کنم پیش از چهار مورد آزمایش باشد. آزمایش پرود انجام بدهد. خود آزمایشها در کلاس یک هدف است؛ تخریب، مشکل‌ترین مسئله‌ای که الان ما در مدارس داریم و گاهی اصلاً ناامید می‌شویم، درگیر کردن دانش‌آموز با مسئله است. البته در ابتدای خیلی روی آن کار شده است.

درباره طرح درس هم من نظرم این است که الان طرح درس خودش غولی شده است. باید متکلسس را حل کرد. من خودم به طرح درس عقیده دارم و روی آن کار می‌کنم. اما این طرح درس‌های مدون و کلیشه‌ای کار به جایی نمی‌برد. یعنی طرح درس باید باشد، اما معلم باید روی هدف‌ها کار کند و هدف‌ها را در بیاورد و بداند که سر کلاس می‌خواهد چه کار کند. موضوع صحبت بعدی من درباره آزمایشگاه است و از شما می‌پرسم آقای محقق که شما به آزمایشگاه مرکزی چه قدر اعتقاد دارید؟

آقای محقق: من اعتقاد دارم که هر دانش‌آموزی یک آزمایشگاه داشته باشد. مخصوصاً در دبستان این کار مقبول است. چند بالیون و اسکان و ... چیزهایی هست که تهیه آن برای دانش‌آموز مشکل باشد. ولی بعضی از وسایل هم ممکن است گران قیمت باشد که باید برای آن



چاره‌ای اندیشید. ما اینکه معنی نباید درس بدهد و بگوید پرود پیش یک آقای دیگر در یک محل دیگر و هفته‌ای یکبار با ماهی یکبار و در ابتدا آزمایش انجام دهیم. به

آقای ابن حجازی: پس خلاصه می‌کنیم. آموزش در خلال آزمایش. آزمایش در خلال آموزش. بنابراین می‌شود گفت به نظر شما این فکر ایجاد مسئول آزمایشگاه برای دبستان سلطه است. آقای محقق آنچه که شما فکر می‌کنید در ابتدای ما نیاز داریم، در دور افتاده‌ترین نقاط این کشور در خود محل موجود است و اگر هم چیزی باید تهیه شود، چند تا آهرا و چیزهایی دیگر است. ما یک بحثی در عنوان تجربی و ریاضی داریم که می‌گوید هرگاه علوم تجربی به روش ریاضی تدریس شود، آنجا علوم تجربی مرده است. در عنوان تجربی کار دانش‌آموز شما چیست؟ در را باز می‌کنند و بیرون نروخ می‌کنند به تماشا. اما در ریاضی می‌آید در افق می‌نشیند و بر اساس اطلاعات آن راه فرمول تبدیل می‌کند. من به نظرم می‌آید که شرایط کتاب و یک سری مقدمات در ابتدای فراهم شده است که دوستان ما در رهنمایی دبالتش را بگیرند و همین جا تشریح می‌کنم. کسانی که برای تهیه این کتاب‌ها راجع کشیده‌اند. ما بدانند که برای معنی باید خیلی کار کرد و روشن را هم همین‌طور.

آقای محقق: گران‌شاه الله همین گروه، البته با استفاده از افراد صاحب نظر دیگری، کار را ادامه بدهند و کتاب‌های راهنمایی را کسانی بنویسند که بر کتاب‌های ابتدایی تسلط دارند، این حالت بریدگی از بین می‌رود. من بارها گفته‌ام که کتاب مثل یک موجود زنده است. نویسنده آن موجود را خلق کرده است. حالا این موجود مثلاً یک حیوان باشد. آمدند پایش را بریدند، بعد هم گفتند ده هم نمی‌خواهد. بعد خوب است یک دستش را هم ببریم. الان کتاب ما این است و مطمئناً اگر مرحوم عرفان زنده لکنی از مؤلفان کتاب‌های علوم راهنمایی زنده نبود، اعتراض خود هر فرد که این

چنین سبیری حدّه نافره" از یک طرف کال مطالب کتاب برمحو است، ولی بعضی از اصطلاحاتش حدّه قی با دبیرستان نمی خوانند. مثلاً تیرسی را در کتاب دوه رهنمای یک تیره می دانند، در حالی که در دبیرستان آن را تقریباً معادن جرم می گویند و این یک ناهماهنگی است.

آقای امیریان: گفتن چند نکته را هم من لازم می بینم. یکی اینکه به هیچ وجه موفق بودن بخش مکانیک در اول کتاب سوء نیست. مشابه مشکل ترین بخش کتاب در همان اول کتاب ارائه دادن صحیح باشد و این کار حتی دانش موزن در ابتدای سال مشخص است. مدرسین بخش با تقویم زمانی آن، جور در نمی آید و عمیقاً بیست بهتر است بخش های سوء و چهارم به اول کتاب منتقل شود. دیگر اینکه دانش موزی که به دبیرستان وارد می شود، در مورد بور که الان در فیزیک می خوانند و عمده ترین قسمت فیزیک (۱) است. در این اطلاعات اولیه ای نیست و بهتر است برنامه ریزی آن از همین جا شروع شود و نه با بخش چهارم یعنی این نظر دبیران دبیرستان هم هست که می گویند چرا دانش آموزان در دوره رهنمای با بور آشنا می شوند.

آقای محقق: ولی در کتاب فیزیک اول دبیرستان مبحث نور از صفر شروع شده است.

آقای امیریان: تا این حال من فکر می کنم زمینه فیزی می خواهد، همان مشکلی که در علوم سوء داریم که مکانیک را از صفر شروع کرده، یعنی زمانتین، از سرری و ... که اینجا هم دانش آموزان آمادگی ذهنی ندارند. مورد دیگری که قابل ذکر است مساحت حذف شده است که خود زمانی آنها هنوز در کتاب وجود دارد. این نوع مشکلات در کتاب های روس تدریس هم دیده می شود.

رشد با تشکر از همگی، خواهش می کنم باقی مانده وقت جلسه را هم به وسایل کمک آموزشی و ارتباط آنها با کتاب و نیز تجارت روزشماری که هر کدام از شما در مورد آموزشی دارید، اختصاص دهید. آقای محقق حساب عالی فرماید.

آقای محقق: ما به دو دسته وسایل کمک آموزشی می توانیم فکر کنیم. یک دسته آنهایی که به راحتی در اختیار دانش آموزان است و باید جهت کتاب طوری باشد که از آن ما دانش موزن از آن امکاناتی که در دسترسین است، بتواند بهره برداری کند. یک دسته هم وسایلی که مکان آن نیست که هر دانش آموزی در خانه اش داشته باشد و باید در مدرسه رهنمایی موجود باشد. ولی آیا این وسایل چه تعداد باید باشند؟ گفتیم آن چگونه باید باشد؟ اگر تعداد آن اندک بوده و ظریف و گران قیمت باشد، خود این وضع به ما حکم می کند که بگوییم دانش آموز به این وسایل دست نزنند. خانه و آقای دبیر شما آزمایش کنید و آنها تعیین کنید. در دست مثل صاحب خانه ای که تعدادی حبه و خودش می خورد و به مهمان می گوید نگاه کن، شاید مناسب باشد که اینجا تعدادی هم داشته باشیم نه یک دانش آموز نمونه و یک معلم نمونه. من فکر می کنم معیار تر از همه معیار خود خدوند باشد یعنی بالاتر از و معنی ما از این معیار خوب دانش آموزان نمونه ای

هم داشته است. یکی از آنها حضرت ابراهیم (ع) بوده است. توجه کنیم که این معنی با دانش آموز خود چه کرد؟

«و اذ قال ابراهیم رب انی کف نجی المونی»

وقتی دانش آموز از معنی خود خوش است که چگونه مرده ها را زنده می کنی؟

قال: اولیة تؤمن قال بلی ولكن لظنن قلبی

که آیا تو (ابراهیم) به من ایمان نداری (که سؤال می کنی؟) ابراهیم گفت: چرا ایمان دارم ولی می خواهم طمس قلبی پیدا کنم.

سؤال شد (البته خود سؤال زیر سؤال است، حدّه که معنی ندارد سؤال کند) سؤال بری ماست. برای من معلم علوم تجربی است که به دانش آموز هم حق بدهم از من بپرسد که شما می گوئید اگر آهنربا درون سیم پیچ حرکت کند، برق ایجاد می شود. خوب به من نشان بدهید و من نباید ناراحت بشوم و به دانش آموز بگویم تو فکر می کنی که من اشتباه می کنم؟ خیر، بیست اینجا حدّه و با دانش آموز خود چه کرد؟ سپس خدا به او گفت:

قال: فخذ اربعة من نظیر قضیرهن لیکن لم اجعل علی کل جبل منهن جزء ثم ادعهن بانسک سعیا و اعلم ان لله عزیز حکیم

اینجا کجاست؟ یک آزمایشگاه معنی دستور کار می دهد چه کسی عمل می کند؟ خود دانش آموز عمل می کند. بعد نتیجه آن را هم می بیند و آن آموزش را که می خواهد بگیرد، بطور کامل فر می گیرد. پس این به از قرآن مجید به ما معلمان علوم تجربی خط می دهد و جهت می دهد که چگونه عمل کنیم. این شاه لاله ماه و وسایل کار در اختیار دانش آموز بگذاریم و هم دستور کار در اختیارش قرار دهیم.

آقای امیریان: حساب محقق کامل فرمودند. من هم معنیه علاوه بر وسایل آزمایشگاهی که در کلبه مدرسه باید باشد، حتی جاهایی که آزمایشگاه مرکزی هم دارند. وسایل آزمایشگاهی در هر مدرسه ای لازم است تا لااقل آزمایش هایی را که نیاز به وسایل گران قیمت ندارند، در خود مدرسه انجام بدهند. سایر امکاناتی را هم که می توان در آموزش از آن استفاده کرد، این ها را هم مهیا کنند. مثلاً در قسمت فیلم های آموزشی خوشحانه مادر این استان مشکلی نداریم. یعنی تجربه نموده که این کار مفید بوده است. ما تمام فیلم های آموزشی را به تعداد زیاد در اختیار مدارس قرار داده ایم و تجربه خوبی از این کارمان داریم. البته نه اینکه فیلم جای آموزش عملی را بگیرد، در کنار آموزش عملی مفید بوده است.

رشد با تشکر، در پایان وظیفه خود می دانیم با توجه به کمبود صفحه از حضور معاونت محتره آموزش عمومی آقای یزدان، کارشناس مسئول محتره آموزش رهنمایی آقای نادری و مسئول محتره گروه های آموزشی آقای زمانی که هر یک با صحبت های خود بر لزوم تدریس علوم تجربی به صورت عملی و کارآناکید داشتند، صمیمانه قدرهائی نمایم.

دیر عربی کیست؟

علی چراغی

در کنار عوامل و ارکان مهم و مؤثر در امر آموزش یعنی دانش آموز و کتاب، معلم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اگر از این سه رکن (دانش آموز، کتاب، معلم)، کتاب را حذف کنیم، باز با دو رکن دیگر امر آموزش ممکن و مسر است، اما اگر معلم را حذف کنیم، شاید نه صددرصد، لافیل ۹۰٪ کار آموزش با مشکل روبرو می‌شود. در مورد درس عربی متأسفانه گاهی عکس این قصه اتفاق می‌افتد. یعنی دانش آموز به دلیل ناتوانی معلم در ارائه صحیح مطالب از آموختن این زبان نفرت پیدا می‌کند که در این صورت علاقه مند کردن مجدد او به این درس کار دشواری خواهد بود. بنابراین نفس معلم عربی در جذب یا دفع دانش آموز بسیار مهم است.

برخی ویژگیها هستند که تمام معلمان و در هر سطح و پایه باید از آنها برخوردار باشند. همین ویژگیها باعث می‌شوند هر کسی نتواند تک معلم موفق از کار در این برخی از این ویژگیها عبارتند از:

- ۱- لباس مناسب و آراستگی ظاهری.
- ۲- روانی گفتار و تسلط به زبان ملی بدون داشتن لهجه.
- ۳- برخورداری از قدرت استدلال و نتیجه‌گیری.
- ۴- برخورداری از این توانایی که بتواند مطالب را در حد فهم دانش آموز بیان کند.

- ۵- دانش عمیق و آشنایی با تکیه کلامی خاص.
- ۶- مطالعه کافی بیس روزی و به کلاس.
- ۷- حتی لامکان خارج شدن از محدوده کتاب درسی.
- ۸- شناخت بزبان کار و بهره‌گیری مطلوب از این ابزار.
- ۹- برخورداری بودن از خلافت و ذوق و سلیقه در ارائه مفاهیم درسی.
- ۱۰- اهمیت دادن به ماده‌ای که تدریس می‌کند.
- ۱۱- همراه داشتن کتابی که آن را تدریس می‌کند و علامت‌گذاری مطالب تدریس شده، در هر هفته.
- ۱۲- دانش طرح درس مناسب.
- ۱۳- حساس مسئولیت حرفه‌ای و اینکه دانش آموزان را امانتهایی محسوب کند که بر عهده آنها را به او سپرده‌اند.
- ۱۴- داشتن توان ایجاد رابطه دوستانه و صمیمانه با دانش آموزان.
- ۱۵- حفظ و محرمه داشتن شخصیت دانش آموز و عدم توهین به او.
- ۱۶- وادار کردن دانش آموزان به فعالیتهای جنبی به منظور افزایش اطلاعات.
- ۱۷- برخورداری از صبر و شفاقت‌مندی و نیز میدان دادن به دانش آموزان برای ابزار وجود.
- ۱۸- رعایت وقت‌سناسی.

- ۱۹- اجتناب از بعضی قائل شدن میان دانش آموزان.
- ۲۰- تسلط بر ماده‌ای که تدریس می‌کند و دانش اینکه چه مطالبی را باید توضیح و شرح و بسط دهد و از چه موضوعاتی باید به سرعت بگذرد.
- ۲۱- در تدریس، کیفیت را فدای کمیت نکند.
- ۲۲- حفظ مناسبت و تسلط بر اعصاب و رعایت خوشسردی در کلاس.
- ۲۳- حفظ ناه همه دانش آموزان تا احساس کنند معلم به آنها علاقه دارد و برآسان همت قائل است.
- ۲۴- محدود نگه داشتن پرسشها به حد دانش آموز مستعد و فعال.
- ۲۵- و گذار کردن مسئولیت به دانش آموزان و بران اعتماد نسبی به آنها.
- ۲۶- توانایی جذب دانش آموزان به درس از طریق ایجاد انگیزه در آنها، معلم می‌تواند در این راه از شعر، عین و مطابسه استفاده کند.
- ۲۷- هیچ عنوان مشکلات شخصی و خانوادگی خود را در کلاس مطرح نکند.
- ۲۸- از صدای رسا و جوس هنگام برخورداری با دانش آموزان استفاده کند تا به حدی که از یادش نماند و به آنقدر ضعیف که دانش آموزان آنها را کلاس نسنولند.
- ۲۹- اجتناب از حرکات زائد دست، سر و

تذکر بجا!

در پی درج تعدادی مسائل ریاضی در مجله شماره ۹ و پاسخ آنها در شماره ۱۰، آقای غلامرضا قدیری دبیر ریاضی مدرسه راهنمایی سیمای عفت کاشمر طی نامه‌ای یادآور شده‌اند که در حل مسائل، توافقی و انسکالامی وجود داشته و خود اقدام به رفع آنها نموده‌اند. ضمن تشکر از ایشان و بوش از خوانندگان به خاطر راه یافتن این توافقی در مجله، اقدام به چاپ جواب‌های ایشان می‌نمایم.

بنابراین:

۱ - مسئله شماره ۲:

$$\frac{S_{ABC}}{S_{HOC}} = \frac{1}{4}$$

$$(2^a)^{2^{a+1}} = (2^4)^{2^{a+1}} = 2^7 = 64$$

مسئله شماره ۹:

۲ - مسئله شماره ۴:

فاعده و ارتفاع با هم برابرند:

در پاسخ اولاً طرف دوه تساوی ۱۴ منظور شده است که ۴ می‌باشد، ثانیاً هر عدد به توان صفر خود آن عدد منظور شده در صورتیکه می‌دانیم هر عدد به توان صفر برابر است با یک پس:

$$S_{ABC} = \frac{1}{2} a \times h = 32 \Rightarrow \frac{1}{2} a \times a = 32 \Rightarrow \frac{1}{2} a^2 = 32$$

$$\text{مقدار } x = 0 \text{ زیرا: } 5 + 4 + 3 + 2 = 1 + 1 + 1 + 1 = 4$$

$$a^2 = 64 \Rightarrow a = 8$$

$$8 + 4 = 2 \text{ یک ضلع مربع } 2$$

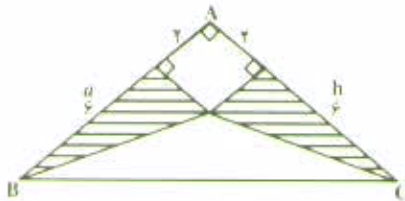
$$8 - 2 = 6$$

۳ - مسئله شماره ۵:

$$\text{مساحت هر یک از مثلث‌های هائوسر خورده} = \frac{1}{4} \times 2 \times 6 = 6$$

در پاسخ در رابطه حاصل شده $(x)_8 = 126$ عدد ۱۲۶ در مبنای ۸ منظور شده و جواب نهایی ۸۶ که درست نیست بلکه عدد ۱۲۶ در مبنای ۱۰ به دست آمده و پس از آن باستی بدین ترتیب ادامه داد:

$$126 - (x)_8$$



مسئله شماره ۱۰:

در صورت سؤال مساحت متوازی الاضلاع به مساحت مثلث خو سنه شده در صورتی که در پاسخ نسبت برعکس نوشته شده است، البته در این مورد خاص چون هر دو مساحت برابر است پاسخ یکی است

مسئله شماره ۷:

در سؤال نسبت مساحت مربع ABCD به مساحت HOC خوانسته شده در صورتی که در پاسخ شکل به کنی تغییر کرده است و از مثلث OAB استفاده شده است

رشد: بنابراین پاسخ صحیح چنین است: در دو مثلث AOH و HOC فاعده‌ها برابر و ارتفاع‌ها نیز یکسان است پس:

$$S_{AOH} = S_{HOC} = \frac{1}{2} S_{ABC}$$

با دانش آموزان مصری در

کلاس تاریخ

ترجمه: ایران حاجی‌بی

شماره:

استایی با برنامه‌های درسی کشورهای مختلف و بالاخص کشورهای مسلمان به دلیل ارتباط فرهنگی نزدیکی که میان ما وجود دارد، به منظور استایی و بهره‌گیری بهینه از نقاط قوت آنها می‌تواند گام مؤثری در پیشبرد اهداف و برنامه‌های درسی باشد. در کشور مصر کتاب درسی توسط یک مرکز مشخص تألیف نمی‌شود بلکه وزارت آموزش و پرورش پس از تعیین اهداف، برنامه‌ها و سرفصلهای هر کتاب، تألیف آن را میان دانش‌آموختگان به مسابقه می‌گذارد و سپس از میان بهترین تألیف‌ها یکی را به عنوان کتاب درسی رسمی برگزیده و تدریس آن را رسماً به مدارس ابلاغ می‌نماید. کتابی که حضور خوانندگان ارجمند معرفی می‌شود، تعلیمات اجتماعی سال اول راهنمایی است که در سال ۱۹۹۱ (م) به عنوان بهترین کتاب در این ماده درسی انتخاب شده و جایزه اول مسابقه را به دست آورده است.

در این مقاله ابتدا مقدمه مؤلفان کتاب و سپس درس سوم آن به استحضار خوانندگان خواهد رسید. اما پیش از پرداختن به اصل مطلب این نکته مهم را یادآوری کنیم، که کتاب مورد بحث به هیچ‌وجه متکی بر محفوظات نیست، بلکه با ارائه تکلیف عملی، قدرت فهم و تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری را به گونه‌ای غیرمخسوس و غیرمستقیم در دانش‌آموز تقویت می‌کند و این نکته در تعلیم و تربیت جدید بسیار حایز اهمیت است.

رشد

مقدمه:

کتاب «وطن مصر» از آنکه حصص به «مطالعات اجتماعی» دارد، به دانش‌آموزان سال اول راهنمایی تقدیم می‌گردد. فصل اول این کتاب به بررسی جغرافیای طبیعی و استایی مصر اختصاص دارد و در فصل دوم آن به بررسی تاریخ و تمدن مصر از عهد فرعون تا فتح اسلامی می‌پردازیم. نگاه سعی ما بر این بوده که در ماده آموزشی را با زبان ساده و قابل فهم بیان کنیم و آن را به صورت تلفیقی از تاریخ و جغرافیای و مقایسه وضعیت هر یک از آنها در حال و گذشته عرضه نماییم.

کتاب «مطالعات اجتماعی» سال اول راهنمایی بر آن است تا این ماده درسی را به سواد بی‌حداب و عرضه کند، در همین راستا به جای توجه به محفوظات سعی شده است تا حلقه فهم مفاهیم جغرافیایی و تاریخی را از خلال فعالیتهای آموزشی موعود، فعالیتهای عملی و حداب دادن دانش‌آموز به کسب مهارت در یادیدن، جستجو و استایی به طلاعات مورد نظر، تقویت نماید.

این کتاب، دارای نمونه‌های متنوعی از فعالیتهای آموزشی، متون آموزشی و ابزارهای کمک آموزشی است که همگی در راستای تحقق یک برنامه آموزشی فعال به خدمت گرفته شده‌اند. سعی کرده‌ایم فهرستی از کتابهایی که می‌توانند به عنوان کتابهای کمک آموزشی و دانش‌افزایی مورد استفاده دانش‌آموز قرار گیرند، به آن بیفزاییم، تا دانش‌آموزان کتاب درسی را به عنوان بگانه منبع درسی خود ندانسته و بدان اکتفا نکنند. این منابع می‌توانند برای ارائه هر چه مطلوب‌تر ماده درسی مورد استفاده دبیران ارجمند نیز قرار گیرند.

در خلال پرداختن به هر یک از مواد درسی فراموش نکرده‌ایم که فکر و ذهن دانش‌آموزان را در راستای تقویت جنبه‌های مین دوستی هدایت کرده و آنها را با مشکلات مین خود در گذشته و حال و نیز نقش مصر در مسکوفاتی تاریخ تمدن بشری، آشنا سازیم.

والله الموفق

مؤلفان

زندگی اجتماعی مصر در عهد فراغه

جایگاه زن مصری در عهد فراغه جایگاهی رفیع و ارزشمند بود. زن در عالم الهه‌ای که مصریان کهن می‌پرستیدند، از میراثی ارزشمند برخوردار بود. و «یزس» زهری بود. از زن مصری که به عنوان همسر و مادر در حفظ قانون خانواده تلاش می‌وقفه داشت. اسمعی گنبد افسانه یزس و وزیرش را مطالعه کنید.

همچنین ملکه‌ها نقش عمده‌ای در اداره مملکت برعهده داشتند، و ملکه ملکه «حتسوت» که نقش به‌سزایی در مناسبات سیاسی، هنری و صرفی در عرصه دولت و حکومت پادشاه و اصلاح و همسرستی مملکت امیر، مبادلات تجاری میان ممالک همسایه و دیگر کشورهای مصر در آن زمانه ایستاد.

زندگی خانوادگی:

مصری باستان سر خود را سفارش می‌کرد تا خانواده تشکیل دهد و برای یک زندگی خوب بر انتخاب کند حکیمه «شاح حنب» در این باره می‌گوید: «گزارش دانی برخورداری، خانه‌ای برای خود بساز و همسر را بسیار دوست بدار. و همسره تلاش کن و سبیل آسایش را در هر کس تا زندگی آسوده‌ای با وی داشته باشی و خوشحالی تو در آن باشد.»

مسکن:

مصری باستان خانه خود را با گل می‌ساخت و سادگی و ویژگی مهم آن بود، این خانه را یک طبقه تشکیل می‌داد و دارای یک یا دو اتاق بود. در اتاقهای آن رویه حیاط یا می‌ساز.

در خانه‌های برومند، بزرگ و دارای اتاقهای بسیاری بود و حیاطها و باغچه‌ها را در آنجا می‌کردند. این خانه‌ها دارای تزییناتهایی برای نگهداری سبزه و باغچه‌ها برای حفظ خلایق بودند.

اما قصر فرعون به برخورداری از سکونت و وسعت، انواع نقوش و تزیینات هنری، از دیگر بناها ممتاز بود.

اتاق خانه مصری باستان در آشپزخانه بود، اما با پروتکتور شدن مرده مشابه‌های رواج در حالت صندلی‌ها، تخت‌خوابها، آینهها، حایفهای داخلی و صندوقهای چوبی برای نگهداری لباس و جواهرات برای قرار دادن دیگرها و ظروف در ظروف آنها، دیده شد.

(به نظر شما، آیا خانه‌های روستایی مصر در حال حاضر با خانه‌های مصر باستان تفاوت دارد؟)

لباس:

در عهد فراغه لباس مصریان از طیفه‌ای به طیفه دیگر متفاوت بود. برای مثال، لباس فرعون با لباس امرا تفاوت داشت و لباس کودکان ساده‌تر به لباس

زندگی اجتماعی به چه معنی است؟

این مفهوم به وضعیت زندگی در درون جامعه به لحاظ ساختاری که از آن برخوردار است، اشاره دارد. و با اینکه به طیفانی اشاره دارد که جامعه از آن به وجود می‌آید، با تمام سببها، عادات، سیوه‌های پرورش کودکان و جایگاه زن در آن جامعه. اکنون با ما بیاید تا با وضعیت زندگی اجتماعی مصریان در عهد فراغه آشنا شویم.

طبقات جامعه:

جامعه در مصر قدیم در آغاز به دو طبقه تقسیم می‌شد. طبقه اول: این طبقه، فرعون و خانواده‌اش، امرا، رجال درباری، کارمندان عالی رتبه و استادان را در بر می‌گرفت. طبقه دوم: این طبقه شامل کشاورزان، صنعت‌گران، کشاورزان و صاحبان حرفه گوناگون بود. سپس با گذشت زمان و تصرف تمدن، طبقه متوسط که در برگیرنده کارمندان حرفه، بازرگانان و هنرمندان بود، وجود آمد.


خانواده و جایگاه زن در جامعه:

خانواده در مصر عهد فراغه بر پایه همبازی و دوستی متقابل میان اعضای آن سوار بود. سوهر سرپرست خانواده بود و مسئولیت تأمین نیازهای خانواده را برعهده داشت. در حالیکه همسر او مسئولیت تحمل رنج تربیت فرزندان را برعهده می‌گرفت و در کنار آن به بازی سوهر خود در کارهای زراعت و نیز پرورش ماکیان می‌پرداخت.

انواع ورزشها:

بازی با توپ (با کلاه) در مصر باستان بسیار محبوب بود. این بازی در دوره‌های مختلف با تغییراتی همراه بود. در این بازی، بازیکنان با استفاده از دست و پا، توپ را در زمین بازی می‌زدند. این بازی در دوره‌های مختلف با تغییراتی همراه بود.


بازی با توپ (با کلاه) در مصر باستان بسیار محبوب بود. این بازی در دوره‌های مختلف با تغییراتی همراه بود. در این بازی، بازیکنان با استفاده از دست و پا، توپ را در زمین بازی می‌زدند. این بازی در دوره‌های مختلف با تغییراتی همراه بود.



بازی با توپ (با کلاه)

تزیینات هنری:

تزیینات هنری در مصر باستان بسیار متنوع و زیبا بود. این تزیینات شامل نقوش، مجسمه‌ها، و تزیینات ساختمانی بود. این تزیینات در دوره‌های مختلف با تغییراتی همراه بود.



تزیینات هنری

سرس می گوید: «در خانه، خود را رئیس همسر بدان، بالأخص اگر در اداره امور خانه نو یا باشی، بلکه مراعات حال او را بکن و او را بشناس و در کارها باریش کن تا بدین ترتیب از بروز اختلاف در خانواده دوری کرده باشی.»

کودکان و توجه به تربیت آنان:

مصری باستان فرزندان خود را دوست می داشت و به آنها افتخار می کرد. طبیعت زندگی کشاورزی، مرده را به داشتن فرزندان بیشتر تنویق می کرد و هر چه تعداد افراد خانواده افزایش می یافت، فرصت کار کردن و افزایش درآمد خانواده نیز بریشان بیشتر می شد و خانواده های ثروتمند اغلب برای کودکان خود دایه استخدام می کردند.

فرد طبقه متوسط مایل بودند فرزندان خود را در سن کودکی به مدرسه های دولتی بفرستند. تا در آینده دارای شغل دبیری (بوسدگی، منشی گری) شوند. زیرا شغل دبیری از ورزش اجتماعی بالایی برخوردار بود. به همین دلیل یکی از بندهای مدرن به فرزندان این بود که قدر علم و تعلیم را بدانند. زیرا علم است که می تواند دروازه های تصدی همه استنهای دولتی را برایشان بگشاید:

«کاتب یا دیگران فرو می کند. و است که می تواند امور تمام مردم را اداره کند. اما کسی که از علم آموزشی نفرت داشته باشد. اقبال از او روگردان می شود.»

وسایل تفریح:

مصریان قدیم در زندگی میان کار جدی و شاق و تفریح و بازی تعادل برقرار کرده بودند. اینک با هم با وسایل تفریح متداول در مصر باستان آشنا می شویم.

شکار:

مصریان باستان علاقه شدیدی به شکار پرندگان یا بهره گیری از تیر و کمان، ماهگیری یا استفاده از تور، شکار آهو، شکار سمیر، سب آبی، تساج و بلنگ داشتند و مرد معمولاً به هنگام رفتن به شکار، خانواده خود را همراه می برد و در بازگشت مقداری گل «الوظوس» برای تزئین خانه یا خود می آورد.

بازیهای ورزشی:

میان مصریان باستان ورزشهای متنوعی از قبیل، جوب بازی، کشتی و سناه گیری متداول بود. بازی با انواع عروسکهایی که از جوب، عاج، گل، سنگ، پوست و تیر بازی «دزد و حاکم» میان کودکان شایع بود. دختران نیز بازیهای شاد و گروهی مخصوص به خود داشتند مخصوصاً بازی با توب و نوعی بازی سینه به رقص و یورده یک بازی که بیشتر به فکر کردن نیاز داشت و سینه نظرح بود و نیز یک بازی به نام «السحه» میان دختران متداول بود که هنوز هم بین بازی در میان دختران روستایی معمول و مرسوم است (شکل ۳۷)

فعالتهای آموزشی دانش آموزان

- تهیه روزنامه ای دیواری برای کلاس یا مدرسه که نشان دهنده جایگاه زن در مصر عهد باستان باشد.
- تهیه مقاله ای در ارتباط با جشنها و اعیاد مصریان قدیم و قرائت آن از طریق تریبون مدرسه.

- تهیه آلبومی که نشان دهنده لباس مصریان قدیم و زیورآلات آنها باشد.
- تهیه مقاله ای در ارتباط با شیوه تربیت کودکان مصری در عهد باستان و قرائت آن از تریبون مدرسه.



اما فرزندان طبقه بالای جامعه به قصر سلطنتی فرستاده می شدند تا با فرزندان فرعون آموزش داده شوند و فرعون به تعلیم فرزند خود وسیله های بسیار هنماه می وزید تا در آینده پادشاهی ننایسته شود. از جمله نصایحی که یکی از فرغنه به سرش می کند، این است: «برای نسل جوان اهمیت بسیار قائل شو، جامعه تو مملو از جوانانی است که بیست ساله اند. سعی کن بر تعداد آنها افزوده شود و سهم فرزندان خود را میان آنان بیشتر کن. نامی بوالی ثروت، زمین زراعتی و گاو و گوسفند در اختیار آنان قرار بده.»



موزه‌ها و آموزشش تاریخ

مسعود جوادیان

ملاحظه: حتماً مجموعه‌های مجریه بودند و به گنج‌های آن‌ها نگاه می‌کردند. با گذشت زمان عوامی چند به دیدن موزه‌هایی که می‌توان به «موزه‌های نیمه عمومی» نامید تمکک کرد. این موزه‌ها را فقط هنرمندان و هم روزهای مخصوصی از ماه می‌بوالسنه می‌بستند. رسید علوم، بالا رفتن آگاهی مردم، گسترش دینی باستان‌شناسی و هنرمندان با انگلیس، عثمان و بریتانیایی‌ها در حومه آن عوامی است. نخستین موزه در فرانسه، آلمان، انگلستان و ایتالیا برپا آمد و سرعت در سایر نقاط اروپا نیز موزه‌هایی تأسیس گشت. بعدها کشورهای نظیر آمریکا و روسیه در توسعه موزه‌های خویش بسیار کوشیدند و نویسندگانی هزاران سند بزرگترین موزه‌های دنیا در آورند. این موزه‌ها البته نظم چندین و تربیت دینی نداشت. به علاوه موزه، محلی برای پژوهش و آموزش نبود. در نواحی که مورد بحث ماست یعنی موزه‌های آمار تاریخی (استن از تاریخ) دوره تاریخی، گسترش باستان‌شناسی مخصوص به توسعه و تجهیز موزه‌ها حتی تمکک کرد زو آثاری که باستان‌شناسان از دل خاک بیرون می‌کشیدند، به محلی برای نگهداری و دفعه بروندهای مربوطه ساز دست. در این رابطه توجه باستان‌شناسان غربی به مصر، بین‌النهرین، ایران و هند موجب کنسافت باستان‌شناختی بسیاری شد و بسیاری از میراث تمدنی مردم مشرق زمین روانه موزه‌های شخصی و دولتی اروپا شد. در این روند جریانهای زیر در پی هم پدید آمد:

- ۱- موزه‌ها شد در میان کشورهای غربی شکل گرفت و توسعه یافت.
- ۲- توجه اروپاییان به میراث‌های فرهنگی و تمدنی مشرق زمین آن

در شماره پیش نکاتی درباره موزه‌های مشرق تاریخ خواندید. در این مقاله از جمله توصیه شده بود، در صورت امکان دانش آموزان خود را حداقل یکبار برای بازدید آثار باقی مانده از گذشته به موزه ببرید. خوشبختانه در سالهای اخیر موزه‌ها بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و توسعه یافته‌اند. اکنون بسیاری از مراکز، سازمانها دارای حداقل یک موزه تاریخی، مردم‌شناسی، تاریخ طبیعی، هنری هستند. در واقع موزه‌ها برای ما، به عنوان محلی برای حفظ و نگهداری و مطالعه و بازدید آثار مختلف تاریخی و طبیعی، از نعمت‌هایی است که گذشتگان ما از آن برخوردار نبودند. تصور کنید اگر کسی خواهد خود به تنهایی به سفر بپردازد و با آثار تمدنی ملل و اقوام مختلف آشنا شود چه میزان هزینه و صرف عمر نیاز دارد! در ناچاران نیز معنوی نسبت موفق از آب درآید، در حالی که موزه‌ها مجموعه‌ای که وسوسه روزنده و متنوع از آثار زندگی گذشتگان را در خویش جای داده‌اند که بازدیدکننده می‌تواند همه را مورد مشاهده قرار دهد. موزه به آن معنی که ما می‌شناسیم و می‌بینیم، جو اثر از سایر نهادها، فرهنگی نظیر موزه، دانشگاه، کتابخانه و نظایر آن است. مبدأ دیدن موزه‌ها را هر چند بیرون ۱۵ و ۱۲ میلادی می‌دانند، در حقیقت نخستین موزه‌ها به شکل امروزی آن، از قرن ۱۹ در اروپا پدید آمد. پیش از آن البته اشراف اروپایی مجموعه‌های ریشا و ارزنده از نابوهای نفاسی، برخی ابزار نظامی و غیره گردآوری می‌کردند و در گنج‌های خود به نمایش می‌گذاشتند. ما این کار ماهیت و هدف علمی نداشت و بیشتر به منظور برتری، تشن و تداخر صورت می‌گرفت. به علاوه عموماً مردم از

گزارشی حاوی مشاهدات انسان تهیه کنند، و یا یکی از موضوعات موزه را به تصویر بکشند و اطلاعات مربوط بدان را ذیل آن بنویسند و یا برداشتهای خود را درباره یک یا چند ابزار بنویسند، همچنین می‌توانند دانش‌آموزان را به گروه‌های چند نفره تقسیم کنید و برای هر گروه انجام کاری ویژه را در نظر بگیرید.

۵- از دانش‌آموزان بخواهید که دقت و کیفیت مشاهده را بر سرعت آن مقدمه بدانند. بنابراین لازم نیست که به محض ورود به موزه سرعت موضوعات آن را مورد بازدید قرار دهند و کار را تمام شده بیندارند.
۶- قبل از بازدید، اطلاعاتی در خصوص بیدایش موزه‌ها، موزه موزنظر، هدف از بازدید و مقررات موزه به دانش‌آموزان ارائه دهید.

موزه ملی ایران^۸

اندیشه ایجاد موزه در ایران احتمالاً برای نخستین بار توسط مرحوم ضعیف الدوله عنوان شد. در سال ۱۲۹۵ ش. یکی از تاقهای بزرگ ساختمان قدیم وزارت معارف، به نام موزه ملی یا موزه معارف در نظر گرفته شد و به عنوان موزه مورد استفاده قرار گرفت. هرمان با توسعه فعالیت‌های باستانشناسی توسط آروویان در سال ۱۲۹۷، دولت ایران آدره‌ای به نام اداره عتیقات در همان ساختمان وزارت معارف تأسیس کرد.

ویرانی آثار تاریخی و غارت ممال فرهنگی از یک سو و افزایش روند جنبش‌های وطنخواهانه از سوی دیگر، باعث شد که جمعی از رجال فرهنگی، در جهت حفظ میراث فرهنگی ایران تلاش کنند که تشکیل انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۶، یکی از رهاوردهای آن بود. ماده ۸ اساسنامه این انجمن، تأسیس یک موزه و یک کتابخانه را در تهران پیشنهاد می‌کرد. تلاش دیگر مؤسسان این انجمن، تصویب قانون حفظ آثار ملی را در پی دست که در آن راستا، دولت موظف به حفظ آثار و موزه به ایجاد مکانی به عنوان موزه شد. سرانجام در سال ۱۳۰۶ و در اجرای قانون حفظ آثار ملی، دولت تصمیم گرفت موزه‌ی در تهران بسازد. مدیریت موزه به عهده آندره گدار باستانشناس فرانسوی گذاشته شد و در سال ۱۳۰۸ مقرر شد نامبرده نقشه ساختمان موزه را تهیه کند و نامبرده بدین کار مشغول شد. سر در ورودی موزه به نسوه طاق کسری ساخته شد و رنگ آجرهای آن نیز به همین منظور به رنگ سرخ تیره تعیین گشت که نمایانگر معماری عصر ساسانی باشد. این موزه با ۲۷۲۴ متر زیر بنا در دو طبقه ساخته شد. چندین اتاق برای کادر اداری و یک سالن بزرگ جهت سخنرانی، یک کتابخانه، دو سالن بزرگ در طبقه دوم از جمله بخش‌های موزه بود. ساختمان این موزه در ۱۳۱۶ ش. به پایان رسید و برای بازدید عموم افتتاح شد. طبقه اول موزه به نمایش آثار پیش از تاریخ و دوره تاریخی و طبقه دوم به اشیاء و آثار دوره اسلامی اختصاص داشت (آثار دوره اسلامی هم اکنون به ساختمان جدید مخصوص این دوره انتقال داده شده است).

پس از انقلاب اسلامی، با تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور، موزه ایران باستان به عنوان موزه مادر و با سابقه‌ترین موزه کشور از اعتبار و روی بیشتری برخوردار شد و توسعه بیشتری یافت و در سال ۱۳۶۷ نام

آن به «موزه ملی ایران» تغییر یافت. این موزه دارای دو بخش است: دوران باستان و دوران اسلامی. در آبان سال گذشته (۱۳۷۵) ساختمان جدیدی که از چندی پیش کار ساخت آن آغاز شده بود با حضور رئیس‌جمهور کشور آقای هاشمی رفسنجانی افتتاح شد. این ساختمان با عنوان «گنجینه دوران اسلامی» به آثار دوران اسلامی اختصاص یافت. بنابراین آثار موجود در طبقه دوم موزه بدان انتقال داده شد.

کتابخانه

کتابخانه موزه در ابتدا به عنوان تأمین‌کننده نیازهای تحقیقاتی کادر موزه و اداره باستانشناسی، کار خود را با حدود ۱ جلد کتاب فارسی و لاتین آغاز کرد. این کتابخانه در مدت حیات خود تحولات اداری چندی را پشت سر گذاشت و روز به روز توسعه یافت. کتابخانه موزه ملی ایران در طول عمر ۵۲ ساله خود، محل مطالعه و بازدید بسیاری از رجال علمی، فرهنگی و سیاسی ایران و جهان بوده است و جای آن را دارد که به عنوان مکانی فرهنگی و علمی، همواره مورد توجه فرهنگ‌دوستان قرار گیرد. در حال حاضر مجموعه این کتابخانه بالغ بر حدود ۱۶ هزار جلد کتاب و نشریه به زبانهای گوناگون، و مهم‌ترین کتابخانه تخصصی کشور از نظر تاریخ هنر و باستانشناسی ایران و کشورهای همجوار است. در اینجا به اختصار با آثار موزه آشنا می‌شوید.

بخش پیش از تاریخ

تمدن‌های پیشرفته پیش از تاریخ ایران که از حدود هزاره هفتم تا اول ق. م. در برمی‌گیرد، آثار و اشیاء بسیار قابل توجه و ارزنده‌ای را ارائه می‌دهند، که در طی سالهایی که از گشایش موزه می‌گذرد، توسط باستانشناسان ایرانی و خارجی در حین کاوش‌های علمی، یا از طرق دیگر از قبیل اهدا توسط مجموعه‌داران علاقه‌مند و غیره، یا به دنبال کشف حفاری‌های غیرمجاز به بخش پیش از تاریخ وارد شده‌اند.

تعداد اشیاء موجود در این بخش تقریباً ۱۰۰۰۰ قلم است که از آن میان، حدود ۳۰۰۰ قلم، در بخش پیش از تاریخ سانس موزه به معرض نمایش گذاشته شده‌اند. این آثار که اشیاء سفالی، فزی، سنگ و جز آنها

را در بر می گیرد، نمودار تمدنهایی متعلق به ایران و سیار مشرفه است که مرانه و عظمت ایران را در ادوار سنی از تاریخ جودگر می کند.

معرفی اشیاء بخش بین از تاریخ در سائق و تالار گنجینه

این سیار از هزاره سده سنی از میلاد شروع و تا هزاره دوم پس از میلاد ادامه پیدا می کند. سعی بر آن شده که جالبترین و با ارزش ترین اشیاء به ها و مناطق گوناگون باستانی کشور، که اغلب به سینه حفارهای غنی به دست آمده است، انتخاب شود. این سیار در جشن سفال، مفرغ، طلا، برنز، سنج، عاج، سنگ، فرظعی و جز به است که به شرح زیر است.

هزاره ششم و پنجم پیش از میلاد

کثیر اشیاء این دوره در استان سیستان که در ۸۰ کیلومتری شمال غرب تهران و در حومه ساوه جلاغ واقع شده، انتخاب شده اند. تزیینات ظروف سفالی سفید سفالی در شامل نقوش انسانی، حیوانی، هندسی و گل و گیاه شده. از آثار بسیار زیبا و جالب حدود ۶۰ سال قبل از میلاد، یک کرسی گلی است که در حفاری دهکده دوران بوسگی، در دهکده وادیک ترماسه، به دست آمده است. که به واسطه شایسته معروف شده، و سکه زرین سینه باهایی در آن است. طبقه سیار هزاره سیم و پنجم قبل از میلاد، سفالی است در سنگ مرمر و سنگهای گوناگون دیگر، در جمله خنجر، آجور و ... که به صورت گویس برش یافته است.

هزاره چهارم قبل از میلاد

سیار این دوره از حسن سفال و سنگ مرمر و در مناطق جنوبی خراسان، حفاری در مغار (۳۰ - ۳۵ م. قبل تاکنون فارس (۳۵ م. و ... انتخاب شده اند. هنر سفالسازی این منطقه، که از هزاره چهارم پس از میلاد آغاز شده است، در طی قرون، تحول و تکامل زیادی یافته. ظروف سفالی مسوعی توسط سفالگران سوس ساخته شده است.

هزاره سوم تا حدود قرن ۱۳ پیش از میلاد

اشیاء این دوره در رفسال، فرظعی (اقت) و سنگ مرمر ساخته شده اند و لوحه ها و مجسمه های گلی را بر در بر می گیرد. که در مناطق باستانی تورنگ به، سادانه، سوس، به حفاری، به گیل، که دست ساوه و حفاریش انتخاب شده اند، و در میان این آثار اشیاء ایلامی معد حفاریش، از طریق کشفیات گریس باستانشناسی فرانسوی به دست آمده، و مربوط به دوران ایلام باستانی است.

اواخر هزاره دوره تا هزاره اول پیش از میلاد

سیار منتخب این دوره مربوط به خوزین، خستلو، مارلیک، جوس، قنبر، کتوز، عمارت و سنگ هستند که قرارند از سیار سفالی

به صورت مجسمه حیوانات، کاسه، ربنون، سازه، ظروف باه دار، صافی، منبره، اشیاء مفرغی به شکل شمشیر، زینتی مانند انگو، سنجاق، آینه، موجس، اویز، دهانه های سب، زنگوله، سرگوز، خنجر، شمشیر، مکان، سریزه، مجسمه های بسیار زیبا و جالب حیوانات که بیشتر آنها از مناطق گوناگون باستانی استان گیلان، از جمله مارلیک، کتوز و عمارتو به دست آمده اند.

از بویه که در ۴ کیلومتری شرق سقر قرار دارد نیز، مجموعه هایی از جالبترین اشیاء انتخاب شده که به فرهای ۸ و ۷ قبل از میلاد مربوط می شوند. کهن ترین و مهم ترین لوح به نحاس که سه سده در سائق، متعلق به بخش بین از تاریخ ایران، لوح معروف حمورابی (حاوی قانون حمورابی) است. لوح یاد شده نمونه ای از لوح است که توسط دولت فرانسه در حفاری ایران فرورداده شده است. فصل این لوح در معبدی در بابل قرار داشته است، که هم اکنون در موزه لوور پاریس در کشور فرانسه، جای دارد. لوح مذکور در ۱۱۶ پیش از میلاد توسط نوتروک ناهوته بادشاه ایلام، به هنگام فتح بابل به سوس آورده شده است.

تالار گنجینه

در این تالار سیار بسیار ارزشمندی از طلا، نقره، عاج، ... از مناطق گوناگون باستانی کشور، انتخاب شده که در برشهای دوران پس از تاریخ ایران در دست داده اند.

سیار مربوط به سه مارلیک قرارند. از ظروف تزیینی طلا و نقره، از جمله جامه معروف مارلیک، جامه قسایه زینتی، تزیینات شخصی مانند دستبند، گردن بند، گوشواره، دکمه، برگ و سنجاقهای تزیینی، ظروفی از جنس موزیک و بدل حسی.

یکی از زیباترین ظروف، در میان اشیاء این تالار، جامه مارلیک است. این جامه از زرباب ساخته شده و هنرمند، در به وجود آوردن آن، محتمل صرف وقت و دقت زیادی شده، اینکار قابل ملاحظه ای به خرج داده و در نتیجه یکی از زیباترین جامه های طلای جهان را به وجود آورده است. یکی دیگر از جامه های معروف این تالار جامی است از طلا که سر سه شیر در روی آن به طور برجسته ایجاد شده که متأسفانه سر یکی از شیرها افتاده است.

از سیار مربوط به بویه و به حسلو (در آذربایجان غربی) نیز نمونه های بسیار ارزشمندی در این تالار موجود است که سالگره سمن در خراسان ایران پس از تاریخ است.

بخش تاریخی و لرستان

بخش تاریخی و لرستان از بخش های چهارگانه موزه ملی ایران است، که بر حسب ماه آن رده قسمت مچر تشکیل شده است. نخست سیار فلزی، سفالی و جز آنهاست که به نام لرستان شناخته می شوند، و سیار مفرغی آن به مفرغهای لرستان شهر دارند. این مجموعه سیار، هم از

زیست‌بخش این قسمت موزه است. دیگر اسباب هخامنشی، شامل آثار سنگی، فلزی (نقره، مفرغ و آهن)، استخوان و سفال شده که از محوطه‌های تاریخی جت‌خمس، سوس، سارنگاد، همدان و جزئیاتها بدست آمده‌اند. برجسته‌ترین سینه این بخش، اسباب گنبدداری از دوران هخامنشی است که رنگهای مطلقاً طبیعی قسمت از موزه، افزوده است.

بخشی از اسباب موزه متعلق به دوران سلوکی است هر چند این سینه بدست آمدن از ارباب بسیاری برخوردارند. نظیر ماسک مفرغی سوجوس چهاره و سنگ نوبسته‌ای از زمان سوجوس بود.

با آنکه بسیاری از موزه‌ها به خاطر کمبود اسباب تاریخی آنها به جای سکه‌های آنها اکتفا می‌کنند، موزه ملی ایران به وجه به آثار مکشوفه مربوط به اینها از لحاظ مختلف بودن رنگهای سبز برحورده این است. نظیر مجسمه یک مردان معروف بازی. از جمله موارد بسیار جالب آثار مربوط به دوران ساسانی قسمتهای گوناگونی از تزیینات کجیتری شده، مربوط به کاخهای ساسانی است (دیگر آثار این قسمت از ساسانیان، اسبابی است بزرگ و کوچک که از سوس، جت‌نوبیصر، استراژ، کرمانشاه، دماوند و نیز محوطه‌های ساسانی این دوران در مازندران و گیلان حاصل شده و شامل آثار سنگی، سفالی سسهای، مفرغی، آهنی، استخوان و تصدف، نقره‌ای و سربکی است و مجموعه‌ای از اسباب از سده این دوران در شکل‌های گوناگون خود را در اختیار سنده می‌گذرد.

۳- گنجینه اسباب نفیس موزه:

در گنجینه نفیس موزه ملی ایران که بیشتر به اسباب طلایی و نقره‌ای اختصاص داده شده است، بخش تاریخی و ارزشمند تری از جت ویرمن است. مجموعه اسباب طلایی هخامنشی، بخصوصاً حجری، سوس و جاده معروف به حساب اسباب گنبدداری از این سده از جمله نفیس آثار هخامنشی در دنیاست که در این بخش جای دارد. آثار نقره‌ای ساسانی که بسیاری از آنها در این موزه به نمایش درآمده‌اند، جزء مجموعه نقره‌های ساسانی موزه ملی ایران است، که بعد از موزه ماسارنگراد سووی حاصل از بزرگترین و بهترین مجموعه‌های نقره ساسانی در دنیاست.

گنجینه دوران اسلامی

بخش اسلامی یکی از بخشهای چهارگانه موزه ملی ایران و در برگیرنده اسباب متنوعی از قرون اولیه اسلامی تا دوره قاجاریه است. در این بخش پس از ۶۰۰ می. شامل سیخ خطی (که در برگیرنده قرآن، کتب علمی، کتب تاریخی و دینی است)، قطعات خط و نقاشی، مسابو، سفال، فیروزه، سینه، حسی، تاریخ، فرش و گنبد، اسباب سنگی، فلزی، چوبی، عاج، جوهر، کجیتری، کاشی و آجر است، که به‌طور موضوعی طبقه‌بندی شده‌اند.

به منظور سهولت دسترسی به سینه و نفیس اسباب، گارث فیس‌هایی

که در حکم شناسنامه آنهاست تهیه شده که با مراجعه به آنها می‌توان مشخصات هر شیء را شناخت.

ساحبان گنجینه دوران اسلامی که به نمایش آثار دوران اسلامی اختصاص دارد، سینه به طریق موضوعی به تاریخچه به نمایش گنبد سینه شده، که می‌توان به وسیله سیر حجور هر یک از انواع سینه در هر طرز تاریخ دنبال کرد.

بخش و هنر اسلامی، اسباب باقیه از جهان سوس است. در آثار قرین و در نمایش آثار دوران اسلامی، فریهای خطی به نمایش درآمده‌اند. قدیمیترین فریهای موجود متعلق به قرن سده هجری است که بر پوسته اثر و به خط کوفی تحریر یافته‌اند.^{۱۱}

بایان

زیرنویسها:

- ۱- فیل قول مشهور گنبد موز، از موزول (MOUSIRON) متعلق سده است موزول به معنی آب‌نماهای و آب‌نماست بوده است.
 - ۲- علی، مصلوب، محمدتقی فروغی، ذکاء المذبح، موزه جت و ویرمنی جت، مقالات فروغی، جلد اول، تهران، سوس، ۱۳۵۲، ص ۲۷۲، و به بعد.
 - ۳- تیری، آنتونی، ستراب، ترجمه موز، از جهان، جوت شده از روشهای پژوهش در تاریخ، جلد سوه، برقرسان سده، ترجمه کرده مرحدان، مشهد، معاد، فرهنگستان ایران، سوس، ۱۳۷۱، ص ۲۶۳، و به بعد.
 - ۴- تیری، آنتونی، ترجمه روشهای ساسانی، از جهان اسباب، جوت شده از سده جهان اسباب، جرف، جلد اول، ساسانی.
 - ۵- محمدتقی فروغی، ص ۲۸۱.
 - ۶- وجهه موزها، گورس یادگیر از موزهای جت، سرحدان، ص ۱۲.
 - ۷- اسباب و پژوهش در تاریخ، ص ۲۷۲.
 - ۸- برزقنده، از آنگاهی به موز، ص ۱۰۰، گره، تاریخستان موزه ملی ایران، نظر احمد تهرانی مقدم، ترجمه موزها، سده ۱۰۰.
 - ۹- یادآور می‌گردد که مقدمه‌های تیر، جلد ۲، موز سوس، ص ۲۸۱، جت‌های است که از سوی سازمان سوس و به عنوان شناخته شده است.
- * دران جعفر، سوس و جاده خانی سوس و سوس، مطالعه و جت اصلاحی جت از دوری فرموده این مسئله را به ساسانیگری جت، از گورس، جت، می‌گذرد.

درس استاد

گفت استاد مبر درس از یاد
یاد باد آن که مرا یاد آموخت
سیح یادم زود این معنی
پدرم نیز چو استادم دید
پس مرا منت از استاد بود
هر چه می دانست آموخت مرا
قدر استاد نکو دانستن
گر برده است روانش پر نور

یاد باد آنچه به من گفت استاد
آدمی نان خورد از دولت یاد
که مرا مادر من نادان زاد
کشت از تربیت من آزاد
که به تعلیم من استاد آزاد
غیریکت اصل که ناکفته نهاد
حیف! استاد به من یاد نداد
و ربود زنده خدا یارش باد

ایرج میرزا

نقل قول ها

— آمریکا سگی است بزرگ در یک اتاق کوچک که هر بار دم خود را تکان می‌دهد یک صدلی و از گون می‌شود.

آرنولد توین بی مورخ انگلیسی

— هیچ کار بزرگی بدون اراده بزرگ میسر نشده است.

بالزاک، نویسنده فرانسوی

— ما باید نوعی ایالات متحده اروپا تأسیس کنیم.

وینستون چرچیل، سیاستمدار انگلیسی

— مردی که هیچ وقت اشتباه نمی‌کند، همان کسی است که هیچ کاری هم انجام نمی‌دهد.

جان فلیس، حقوقدان آمریکایی

— تاریخ جهان چیزی جز زندگی نامه مردان بزرگ نیست.

توماس کارلایل، مورخ انگلیسی

— شخصیت های تاریخی: برجسب هایی برای نامگذاری تاریخ.

لئون تولستوی، نویسنده روسی

— تاریخ درس خوبی نیست، چون فقط از جنگ و کشتار سخن می‌گوید. بچه‌ها باید قهرمانان خود را در قصه‌ها جستجو کنند.

آدن، شاعر انگلیسی

— دانش به تنهایی یک قدرت است.

فرانسیس بیکن، فیلسوف انگلیسی

— روسیه دو زئرال مورد اعتماد دارد، زئرال ژانویه و زئرال فوریه.

نیکولای اول تزار روسیه، در اشاره به زمستان.

— رادیکال‌ها ایده‌های جدید را خلق می‌کنند و محافظه کارها آنها را اجرا می‌کنند.

مارک تواین، نویسنده آمریکایی

— اگر از یک مؤلف اقتباس کنی می‌شود دزدی اگر از چند مؤلف اقتباس می‌کنی می‌شود تحقیق.

ویلسون میزور، نویسنده آمریکایی

— علم بدون مذهب فلج است و مذهب بدون علم کور.

آلبرت اینشتین، فیزیکدان آلمانی

— مردان نیک خود را فدای ملت می‌کنند، سیاستمدارها ملت را فدای خود.

ژرژ پمپیدو، رئیس جمهوری فرانسه

نقل از کتاب: نقل قولهای مشهور جهان، ترجمه: فریدون آخوان نلات

نکاتی چند در مورد جنبه های

a

“No, thank you.” این پاسخ ممکن است موجب خشم یا خنده معلم شود به عبارت دیگر پاسخ نامناسب و نابجا است. معمولاً سوء تعبیرها هنگامی رخ می دهد که نمی توان کاربرد صحیح لغاتی چون Please, Surely و... را از طریق معنای داده شده در فرهنگ بدست آورد.

به طور مثال کلمه «Please» واژه ای است که در بیان و مطرح نمودن یک تقاضا بکار می رود، اما کاربرد این کلمه با کلماتی مانند bitte در زبان آلمانی و یا do ze در زبان ژاپنی مترادف نیست. برخلاف این کلمات واژه Please را در هنگام ابراز تشکر استفاده می کنند. (مانند زمانی که میزبان یک آشپزخانه به میهمان خود تعارف می کند.)

و انگهی کلمه Please کلمه ای است که کاربرد مؤدیانه دارد اما در بعضی مواقع بکار نبردن (عدم استفاده از) آن مؤدیانه تر به نظر می رسد.

به طور مثال در جمله “Will you please sit down?”

بیشتر در مورد بچه های بازیگوش و شیطان بکار می رود اما در مورد یک شخص مهم در یک محیط اداری، یا جمله “Mind your head please.”

کلمه Please در اینجا کاربرد بجا و مناسبی ندارد زیرا این جمله جنبه اخطار دارد نه خواهش و تقاضا. این مثال ها بیانگر این مطلب است که توصیف معنای این گونه واژگان بدون کاربرد آن در متن بسیار دشوار است.

بسیاری از زبان شناسان و معلمین زبان اظهار می دارند که بسیاری از سوء تفاهم های فرهنگی ناشی از استفاده نابجا و نامناسب زبان است. آنها می گویند هنگام خطای دستوری از جانب فراگیران زبان بیگانه، مخاطبین متوجه منظور و پیام آنها می گردند. اما در غیر این صورت یعنی خطا در کاربرد زبان (Pragmatic errors) سبب می گردد مخاطب تصور کند مورد بی احترامی یا خشم قرار گرفته است.

بنابراین فراگیران برای درست صحبت کردن نیاز به مطالعه در جنبه های

سالیان متعددی است که تحوه و چگونگی بکارگیری زبان از جنبه های گفتاری و نوشتاری مورد توجه معلمین زبان انگلیسی قرار گرفته است. امروزه ضمن تأکید و توجه به این امر، جنبه های کاربردی (Pragmatic) آن نیز مورد عنایت می باشد. بدین معنی که فراگیران باید به جنبه های کاربردی زبان یعنی مطالعه چگونگی استفاده صحیح از واژگان و درک صحیح از پیام گوینده توجه نمایند به طور مثال وقتی گفته می شود:

“Is that your car?”

ممکن است گوینده از بیان این جمله، منظورهای متفاوتی داشته باشد، مانند:

“Your car is blocking my gateway _ move it!”

یا
“What a fantastic car - I didn't know you were so rich!”

یا
“What a dreadful car - I wouldn't be seen dead in it!”

در حالت کلی متن بکار رفته و آهنگ کلام در جمله می تواند در مورد منظور و پیام گوینده اطلاعات لازم را به مخاطب خود بدهد. اما ممکن است هنگام بیان رساندن در پیام، بین زبانها و یا فرهنگ های مختلف سوء تعبیرهای جدی و عمده اتفاق بیافتد. به طور مثال: بکار بردن جمله زیر توسط یک معلم امری عادی است:

“James, would you like to read this passage?”

گرچه جمله به صورت سؤالی مطرح شده ولی منظور معلم آن است: «جیمز، متن را بخوان»
فراگیر مبتدی ممکن است متوجه منظور معلم نشود و در پاسخ بگوید:

e

کاربردی زبان

سهلا زارعی نیستانک
مبیره بهودی

d

مردم فرهنگهای مختلف برای موارد مشابه ارزشهای متفاوت قائل هستند.

فرضاً در بعضی از فرهنگها، معلم از اعتبار و ارزش خاصی برخوردار است. در بعضی فرهنگها فرزندان به والدین خود احترام بسیار قائند و نظر و عقیده والدین برای آنها محترم است. مثلاً در جامعه زرتشتی مادر خطاب به فرزند خود ممکن است عجب به نظر برسد.

Peter, would you mind shutting the door, please?
با توجه به مطالب فوق می توان اظهار داشت که درجه اهمیت بعضی عواملی چون سن، جنس، موقعیت اجتماعی ... در میان فرهنگها متفاوت است.

کاربرد زبان باید که نمی توان بر اختلافات در طرز فرهنگ لغات دست آورد.

لکن عمده دیگر این است که نمی توان برای کاربرد زبان قواعدی مانند قواعد دستوری تدوین نمود، بلکه بهترین روش برای کاربرد صحیح زبان، استفاده از یک رشته بهمنوع است که به تدریج مطرح می گردد. در ارتباط با کاربرد زبان سوالاتی مطرح می گردد که باید مد نظر فرستادن زبان قرار گیرند:

۱- موقعیت زبان: چه اندازه رسمی است؟ یا زبان بکار گرفته شده در یک موقعیت خاصی چون: یک ملاقات تجاری، یک بحث کلاسی یا در سفری کوتاه، تعاد می کند.

۲- تا چه حد با مخاطبین خود آشنایی دارید؟ مخاطبین شما دوست، همکار و یا کاملاً غریبه هستند؟

۳- وجه آشنایی ما با مخاطبین خود: تا چه حدی می یابند؟ از لحاظ اجتماعی و فردی.

۴- درجه و مقدمه مخاطبین ما: تا چه حد است؟ به طور مثال رئیس، همکار یا مسجده هست.

۵- میزان درخواست و تقاضای ما از افراد: تا چه حد است؟ آیا می خواهیم یک مدد فرض کنیم یا یک مالین؟

۶- آیا می توانیم در خواستههای خاصی دسته یاسم! اعمه می تواند از ساختن سخن بخواهد تا یک مقاله بیوسد ما می تواند از سخن بخواهد که مانسین را بشود!

مردم فرهنگهای مختلف برای سوالات فوق پاسخهای متفاوتی دارند. به عنوان مثال تقاضای سنگار از دیگران در کشورهای اروپای شرقی با وجود بران بودن آن، مری ناخوشایند و نوعی تقاضای نامناسب تعبیر و تلقی می شود. این نکته را نیز باید مد نظر است که در فرهنگهای مختلف انگلیسی زبان تفاوت وجود دارد مثلاً در آمریکا فرض کردن مالین امری عادی تر تلقی می شود تا در انگلستان.

c b

Look at page... .

Have you found the place?

Show him/her the place.

James, begin reading.

Begin reading at line... .

Read the passage silently to yourself.

Read the passage aloud.

Read the next chapter (or page or paragraph).

Read this passage (=read it silently and think carefully about its meaning.)
shut your books.

Writing

Take this down or *Take Write this down in your notebooks.

Put Put

Make a note of this.

*Look at the blackboard, copy this.
copy this down.

Write carefully.

*Pens down or stop writing.

Questions

*Answer these questions. (As prelude to written answers, usually spoken questions need no introduction.)

*Put your hand up if you know the answer.

*Hands up.

Don't all answer together.

One at a time.

One boy/girl only. The rest, keep quiet.

General Discipline

Be quiet.

Keep quiet.

Listen to me.

Listen to what he is saying.

Turn round, Jane. (If a child is looking behind her instead of in front.)

Put it away.

Put that away.

wait for your turn.

Do it quietly.

Other Instructions

Open the door (the window).

Shut/Close the door (the window, your desks, your books, etc.)

Switch/Turn on the light.

Switch/Turn off the light.

*Come out in front of the class.

*Face the class.

Go and sit down. (If a pupil is standing some distance from his desk.)

Sit down. (If he is standing beside his desk.)

Speak up (=You are speaking so quietly that I or the class cannot hear you.)

Speak more loudly or distinctly.

Come in. (In answer to a Knock on the door.)

Look up (=Stop looking downward.)

But

(a) Look up this word.

(b) Look this word up.

(c) Look that up.

(a) and (b) Find a definition in a dictionary.

(c) The same, but also means find out a fact or information from another kind of reference book.

End of Lesson

*Put away your books (pens, etc.)

*Collect the books and put them away.

Good morning. (Good afternoon. Good day. Good bye.)

You may go now.

Difficult words:

- | | |
|-----------------|------------------|
| 1. acquire | =get |
| 2. attentive | =pay attention |
| 3. career | =job |
| 4. article | =essay |
| 5. appreciate | =value |
| 6. dealing with | =related to |
| 7. bracketed | =put in brackets |
| 8. distribute | =give out |
| 9. prelude | =introduction |
| 10. objective | =aim, goal |
| 11. acquaint | =make familiar |

Classroom English

رجسی بی

مقدمه

یکی از این شرایط، کلاس درس است و عبارات و جملاتی که بین معلم و دانش‌آموزان رد و بدل می‌شود.

در جلساتی که در گروه‌های آموزشی برگزار می‌شود بسیاری از همکاران مایل بودند بدانند که آیا الگوهای استاندارد مکالمه برای اداره یک کلاس به زبان انگلیسی وجود دارد یا نه. البته در یک کلاس ممکن است بر حسب موقعیت‌های مختلف مکالمات ضروری آن موقعیت لازم باشد که از الگوی استاندارد خارج بوده و طبیعتاً هیچ‌کس نمی‌تواند پیش‌بینی کند در این موقعیت ناگهانی چه جملات و مکالمات زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه بستگی به ابتکار، آمادگی و دانش معلم دارد. طرح این نظر نگارنده را بیاد مقاله‌ای انداخت که در مجله ELT شماره ۳ آوریل ۱۹۶۳ چاپ شده بود.

این مجله عبارات و جملاتی را که بین معلم و دانش‌آموزان در کلاسهای آموزشی انگلیسی بتوان زبان دوه با خارجی تدریس می‌شود، و تقریباً در همه کلاسها یکسان است، بصورت استاندارد تحت عنوان Classroom English منتشر کرده است. گرچه تاریخ انتشار این مطلب قدیمی است ولی مطلب هنوز تازه است و می‌تواند مورد استفاده معلمان زبان واقع شود.

ما معلمان زبان انگلیسی همانند معلمان سایر رشته‌های علمی نظیر فیزیک، ریاضی، شیمی و غیره باید دانش خود را از طریق مطالعه و تحقیق در رشته مربوطه با یافته‌های جدید - تئوریها و تکنیک‌ها افزایش داده و در کار تدریس از آنها بهره‌گیری مخصوصاً معلمان جدید این رشته نیاید به معلوماتی که در دوره آموزش رسمی در مراکز تربیت معلم فراموشی قانع باشند. گرچه برنامه‌های آموزشی کوتاه مدت و ضمن خدمت کمک مؤثری در این زمینه انجام می‌دهد، ولی مطالعه آزاد کتابها و مجلات مختلف درباره زبان، زبانشناسی و آموزش زبان نیز کمک‌نمایان توجهی به معلمان می‌کند.

روند آموزش زبان همانند هر رشته علمی دیگر پیوسته در حال تغییر است. روشهای قدیمی نظیر Grammar-translation (گرم - ترجمه) و Direct Method (روش مستقیم) و Audio-lingual (شنیداری - گفتاری)، جای خود را به روش‌های جدیدی نظیر Suggestopedia, Total physical Response, Silent Way تحت عنوان Communicative Approach طبقه‌بندی می‌شوند. در این شیوه بیشتر ارتباط کلامی بین گوینده و شنونده در شرایط زندگی واقعی (Real-life) مدنظر است.

Title of the article: classroom English

From: English language teaching (ELT) Journal

Objective: The objective of this article is to acquaint the reader with classroom English.

Those teachers of English language who are teaching their classes in Direct - Method need to talk English in their classes.

By the term Classroom English we mean those basic sentences suitable for greeting a class, giving instructions, dealing with the unexpected requests and all the usual business of the classroom. As some young teachers may have difficulties in using classroom English, the following list may help them, though there is no claim that it is interchangeable choices have been bracketed together. The teacher can start his class by using one of the following sentences.

Greetings: beginning of Lesson

Good morning, or (Answer: Good morning)

Good afternoon: (Good afternoon).

Sit down.

Take out your books.

Get out your books

Are you (all) ready? (To ensure that all pupils are attentive)

Get out of the cupboard. (to one pupil)

Reading

*Give out the books: John. (=Distribute the books, one to each pupil)

If books have to be shared, say* 'one between two', or* 'One to every three pupils (boys, girls)'.
Get the books out of the cupboard *give them out
Open your books at page....
Turn to page....

شهر دار مدرسه*



مقدمه:

هر جامعه‌ای از عباداتی نهاد کاملاً بهم پیوسته تشکیل می‌شود. آموزش و پرورش یکی از این نهادهاست که بسیاری از احاد اجتماع بخشی مهم ارزندگی خویش را در آن به سر می‌برند و در قالب مدرسه از آموزش‌های رسمی و غیررسمی برخوردار می‌شوند. مدرسه بخشی جدی‌ناپذیر از جامعه است که زمینه ورود به جامعه بزرگتر را مهیا می‌کند. ما برای ورود به جامعه بزرگتر لازم است دانش موزان به درک مناسبات عمیق اجتماعی مائل شویم و جنگونگی مسازکت در مورد جامعه خویش را بیاموزیم؛ تا بتواند در خارج جوت روابط اجتماعی به هدف فوق مائل شود.

به بیان دیگر مدرسه باید دانش موزان را برای رویارویی فعال با محیط اجتماعی آماده کند و به صورت عملی تجربیاتی در این راه به آنها عرضه کند. به قول یکی از مفکرین علمیه و تربیت: «پرورش صحیح زمانی مسر است که نوجوانان را هر چه رود در با کار عملی آشنا کند». بضایه هرگز به دست نمی‌آید مگر آن که چنان محظی را برای نوجوانان فراهم کنیم که آنها به تشخیص خود فعالیتت را که از نظر آنها جدی و قابل توجه باشد، انتخاب کنند. به خصوص که در اوایل دوران نوجوانی، یک زندگی پر از مشغله و فعالیت برای نوجوانان ز اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنها قوی‌تاری در خود احساس می‌کنند که دیگر در محدوده سرگرمی‌های کودکانه نمی‌توانند می‌خواهند در اقدامات جسورانه شخصیت خود را

ساز دهند. آنها مبارزه و بی‌ترتاه تمرین‌هایی را که سبب شود نیرومند، چابک و لایق بار بیابند، دوست دارند. عشق به این معنی می‌تواند منبع پرورشی برای صفات اخلاقی و خدمات انسانی باشد. حتی پسران و دخترانی که ز نظر والدین و آموزگاران خود قابل هدایت ندان نیستند، در مواجهه با وظایف عملی و فعالیت‌هایی که می‌تواند قوی خود را در آن نیاز مانند، به طرز حیرت‌انگیزی دچار دگرگونی می‌شوند. تجربه نشان داده است که نوجوانان و جوانان از هر نوع اعمال نفوذ و راهنمایی مستقیم رسمی خود را کنار می‌کشند. بنابراین بهترین راه این است که آنها را در موقعیت‌های آزاد و مناسبی که حاوی سامی برای آنان باشد قرار دهیم. تا خود بتوانند تصمیم بگیرند و با انگیزه درونی خود عمل کنند. به‌دانشل جوان امروز بیش از پیش بستگی به این دارد که آنها چگونه از وقت آزادی که در کنار تحصیل برای آنها باقی مانده است استفاده کنند؟ این اوقات می‌تواند بین تفریحات سطحی و بی‌س یا فائده از یک طرف و خستگی و بی‌حوصلگی از طرف دیگر به بهبودگی هدر برود و یا اینکه خلافاً به کار گرفته شده و تبدیل به یک منبع نشاط و تجدید حیات درونی شود.

* مقاله «شهر دار مدرسه» توسط استاد مرتضی طرح شهر در «مدرسه» در «حیات» (گروه اجتماعی) دفتر برنامه‌ریزی و تألیف و ارزش طریق در اختیار مجله گذاشته شده است.

در اوقات جنگ و موارد حساس دیگر به بهترین وجهی نشان داده شده که چه بروی نظم می‌رسد و چه در هفته است. زمانی که واقعا به وجود آنها حساسیت می‌شود، فضایی را از خود نشان می‌دهد که کسی تصور بر او هم نمی‌کند. مهمات و روح فدکاری، وفاداری و قضاوت و امانت به خدمت و روح جسمانی و فضایی است که می‌تواند در دوران صلح نیز بر طریق فعالیت‌های مبارزه برورس می‌کند و مدرسه می‌تواند در قالب فعالیت‌هایی چون طرح «سپردار مدرسه» به رشد این کمالات مساعدت کند.

هر چه دانش آموز بزرگتر می‌شود به دخالت در اداره و کنترل مدرسه بسزای علاقه نشان می‌دهد؛ البته منظور این نیست که مدرسه به همان صورت که به عطاء مدیریت محتاج است، اثر ما در سلسله مراتب خود به دخالت سازگردد. هر جا دارد بلکه بوجوهی می‌تواند در قالبی نظیر سپردار مدرسه که سازگردد در این برای مسئولیت، مسئولیت مشترک باشد با سبب و ایجاد ریاضت منطقی و غیرمترجم، به صورت روانه تحقق ببرد. اثر فرزند بر این است که در حال قضاوت شخصی رسد کند و حقایق قضاوت تحمل شده را خارج از بگردد، لازم است که در ارتباطی منطقی و جسمانی، سازگردد تجربه علمی کسب کند. هرگاه معرفت بر بالا حاصل شود، ظاهر ریح آور است. اما اثر را بوجوهی برای دخالت در این مورد دعوت شود. برده است معقول جلوه می‌کند و حتی درک محدودیت‌ها و برامات مدیریت مدرسه را بر انسان سازد و امانت در مدیریت را با تعالای خود معاینه می‌کند.

تاریخچه و اهداف: بر اساس اصول روان‌ساختی و جامعه‌ساختی پس از آنکه، معاونت امور اجتماعی سپردار به این اهداف اساسا ساختن دانش آموزان مدارس راهنمایی تا بهترین سبب از جنبه شهری و رابطه سپردار با یکدیگر طرح سپردار مدرسه را مساعدت و نظارت و زارت آموزش و پرورش، طراحی، تدوین و بازنگری کرد. این طرح در سال تحصیلی ۷۳-۷۴ به طور آزمایشی در بیست مدرسه راهنمایی تهران که به سبب مطالعات علمی انتخاب شده بودند، به اجرا درآمد که نتایج مثبت آن منجر به عموم طرح در سطح چهار مدرسه در سال تحصیلی ۷۴-۷۳ شد تا با توجه به نتایج طرح در سال اخیر، در سال تحصیلی ۷۵-۷۴ در بیست مدرسه تهران، طرح مذکور اجرا شد و در سال تحصیلی ۷۶-۷۵ نیز بیست و شش مدرسه در سطح شهر تهران به اجرای طرح سپردار مدرسه پرداختند.

طرح سپردار مدرسه دیگر اهدافی است که می‌توان آن‌ها را حول سه محور خلاصه کرد:

- ۱- شخصیت‌پروری به بوجوهی برای ایجاد عادل رفتاری و عاطفی
- ۲- تقویت روحیه مسالمت‌جویی در سطح شهر، مدرسه و خانواده

۳- ساخت بهتر شهر و مدرسه و سبب‌های اداره آن‌ها به منظور ایجاد رابطه عاطفی و مسئولانه نسبت به محیط زندگی

بر اساس این طرح دانش‌آموزان مقطع راهنمایی پس از خود را برای پذیرش مسئولیت‌های سپرداری، معاونت‌های آن و شورای شهر داوطلب می‌کنند و در فرصت تبلیغات انتخاباتی به معرفی توانایی‌ها و مطرح کردن برنامه‌های خود برای دانش‌آموزان می‌پردازند و پس از انتخابات، سپردار و اعضای شورای شهر و کسب نفر معاونین سپردار انتخاب می‌شوند.

معاونین سپردار مدرسه در حوزه‌های یعنی: تربیتی، بهداشتی و محیط‌زیست، مور فرهنگی و جسمانی و مسائل ورزشی فعالیت می‌کنند و در ضمن فعالیت‌های مربوط به این حوزه‌ها در این مورد دارای گاهی آزاره و مهارت‌های کافی می‌شوند.

نحوه اجرای طرح سپردار مدرسه: با شروع سال تحصیلی در آبان ماه، دانش‌آموزان مدارس تحت پوشش طرح، قدم به برگزاری انتخابات می‌کنند و با آراء خود مجموعه سازمان طرح سپردار مدرسه را انتخاب می‌کنند. کتبه دانش‌آموزان خود داوطلب شدن برای شرکت در انتخابات را دار هستند و از یک هفته قبل از انتخابات شروع به تبلیغات می‌کنند و در ضمن آن برنامه‌های خود را اعلام می‌کنند و به معرفی خودش می‌پردازند.

منسختین دانش‌آموزان اعضای سپرداری مدرسه را تشکیل می‌دهند این اعضا عبارتند از: سپردار مدرسه، معاون تربیتی و حمل و نقل، معاون یعنی، معاون بهداشتی و محیط‌زیست، معاون فرهنگی، معاون اجتماعی، معاون ورزشی و اعضای شورای شهر. این فرد پس از انتخاب شدن، به صورت رسمی تشکیل جلسه می‌دهند و در اولین جلسه با هدایت مدیر و مربی مدرسه با شرح وظایف خود آشنا می‌شوند. سپردار مدرسه و معاونین و حداقل هر دو هفته یک بار تشکیل جلسه می‌دهند و در جلسه، علاوه بر موزس‌هایی که بر آن‌ها به صورت گروهی ارسال می‌شود، شروع به بحث و گفت‌وگو می‌کنند و طرح‌های خود را ارائه می‌کنند. طرح‌هایی که در جمع تصویب می‌شود، از طرف سپردار مدرسه به اعضای شورای شهر عرضه می‌گردد و پس از تصویب شورای شهر آماده اجرا خواهد بود. در طول سال از طرف سپرداری منطقه برای هر مدرسه‌ای بودجه خاصی در نظر گرفته می‌شود که در قسط‌های مختلف به سپرداری مدرسه پرداخت می‌شود تا آن‌ها متناسب با بودجه خود، طرح‌های خود را به اجرا درآورند.

علاوه بر آن از طرف ستاد مرکزی طرح سپردار مدرسه، ویژه‌نامه «سپردار مدرسه» هر پنج سبب (صمیمت، روزنامه، آفتابگردان) در اختیار اعضای طرح قرار می‌گیرد تا علاوه بر آن که در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های طرح، تسهیلاتی آزاره را فراهم کند، با تجربه‌های بچه‌های مدارس دیگر آشنا شده و احيانا گزارش فعالیت‌های خود را به ویژه‌نامه ارسال کنند.

و بزودنامه شهردار مدرسه، به واقع آینه انعکاس اثرات مثبت و ارزشمند طرح در میان دانش آموزان است. طی چندین گزارش که در نشریه به چاپ رسیده است، دانش آموزان شرکت کننده در طرح از آثار و نتایج آن، بسیار گفته اند.

سهیل موسوی، معاون شهردار مدرسه شهیدبندی می گوید: «طرح شهردار مدرسه، طرح مفید و جوی بود و به آماده شدن ما برای کارهای اجتماعی کمک مؤثری می کرد. خود من یاد گرفتم که حضور کارها را تقسیم کنم، هر کاری را به عهده چه کسی بگذارم و حضور از همه وقت استفاده ببرم. هم به درسها هم برسم و هم به مسئولیتهایی که به من واگذار کردند.»

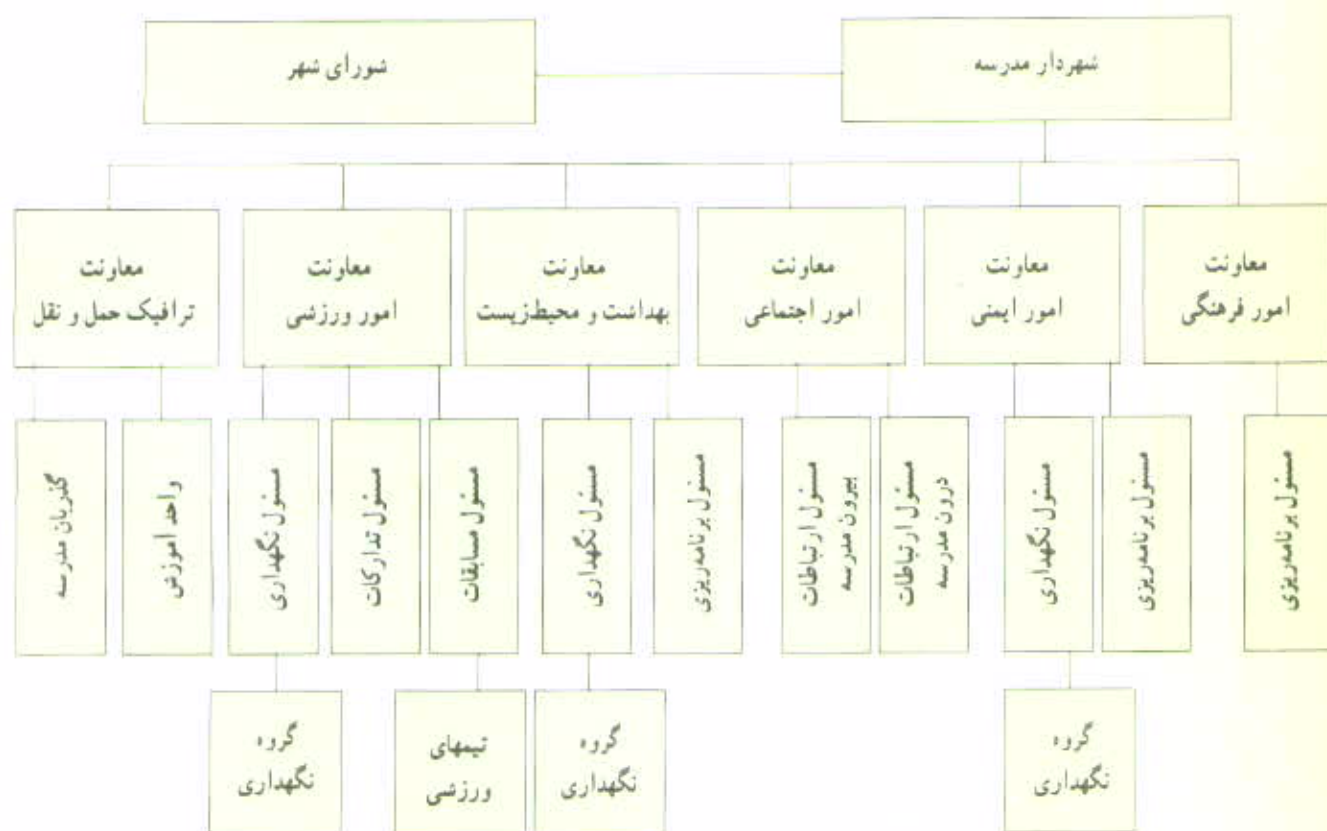
محمدعلی منصوری، شهردار مدرسه نهضت تربیت عقیده در داد: «اگر دانش آموزان علاقمند باشند، طرح می تواند عامل پیشرفت آنها شود»

در مدرسه مادران آموزان شرکت کننده در طرح خود را مقید می دانند و همگی سعی می کنند از نظر درسی مشکلی نداشته باشند. معده ها هم بیشتر کمکمان می کنند.»

یکی دیگر از دانش آموزان که در بیشتر کارهای جمعی داوطلب می شود می گوید: «من یاد گرفتم که حضور با مرده برخورد کنم و علاقه و احترام آنها را به دست بیاورم و توانایی های خودم را پیدا کنم و بفهمم که دنیای بزرگتری خارج از مدرسه وجود دارد.»

و یکی از دانش آموزان مدرسه راهنمایی ارشد، در منطقه ۱۲ در مصاحبه با خبرنگار نشریه می گوید: «سال گذشته از اعضای شورای شهر بودم. خیلی دلم می خورد امسال هم طرح شهردار مدرسه اجرا شود. شاید به خواسته های سال قبلمان که هنوز باقی مانده برسم.»

نمودار تسکिलاتی اعضا، طرح شهردار مدرسه



خانواده و تعلیمات اجتماعی

محمد مهدی ناصری

نوزاد سانی در هنگام تولد موجودی بیارمند است و هیچ جبر نمی‌دهد و برای سس از ساعتی چند بدون کمک دیگران نمی‌تواند زنده بماند. برخلاف سایر حیوانات، کودک اساساً مجبور خواهد بود الگوهای رفتار بعدی خویش را بیاموزد. این موجود زسی به نحوی باید به یک موجود انسانی تغییر یابد که قادر باشد بطور مؤثر در جامعه مشارکت نماید. از طرف دیگر به علت مهاجرت، ممکن است افراد جدیدی وارد جامعه شوند. این‌رو جامعه دائماً به سیوه‌هایی نیاز دارد که توسط آن بتواند اعضای جدید خویش را با ارزش‌ها و هنجارها و آداب و رسوم خود آشنا سازد و همچنین بتواند اجزا و عناصر میراث فرهنگی و دستاوردهای نسل‌های گذشته و حال را به آنان بسازد. این مهم از طریق فرآیند محدود جامعه‌پذیری حاصل می‌شود.

تعریف جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری، جریان کنش متقابل اجتماعی است که از طریق آن مرده شخصیت خود را به دست می‌آورد و سیوه‌زندگی جامعه خود را می‌آموزد. جامعه‌پذیری نقطه اتصال ضروری بین فرد و جامعه است و نگاه شخصیت را به نظام اجتماعی رباط می‌دهد. این نقطه اتصال آن چنان حیاتی است که فرد و جامعه بدون آن نمی‌تواند ادامه حیات دهد. جامعه‌پذیری از یک طرف فرد را به مویختن هنجارها، ارزش‌ها، آیین‌ها، زبان‌ها، مهارت‌ها، عقاید، الگوهای فکر و عمل که همگی برای زندگی اجتماعی ضروری می‌باشند، قادر می‌سازد و از طرف دیگر جامعه را به بازسازی خود از لحاظ اجتماعی توانا می‌کند، همچنان که از لحاظ زسی و نیز بدین ترتیب استمرار آن را از سسی به نسل دیگر تضمین می‌کند.

از مهمترین نتایج جامعه‌پذیری ایجاد الگوهای نسبتاً ثابت فکر، احساس و عمل است که همگی ویژگی‌های نوعی یک فرد محسوب می‌شوند. این سه عنصر اساسی شخصیت یعنی عنصر درکی (فکر، عقاید، بزرگ و حافظه)، عنصر عاطفی (عشق، تنفر، حسد، ترس و سایر احساسات) و عنصر رفتاری (مهارت‌ها، توانایی‌ها) تحت تأثیر جامعه‌پذیری شکل می‌گیرند. این فرآیند را می‌توان از هبیری مراقبت و شکل دادن انسان دانست که ضرورتاً از طریق نظارت و کنش‌هایی که دیگران بر روی

هدف کلی کتاب‌های معیبات اجتماعی تربیت اجتماعی دانش‌آموزان است. به‌طوری که دانش‌آموز بتواند توانایی لازم را برای ایجاد رباط‌های اجتماعی یا گروه‌های مختلف به دست آورد و نقش مؤثری در گروه‌ها ایفا نماید. همچنین چون با نهادها و مؤسسه‌هایی که فرد جامعه برای تأمین نیازهای خود به آن مراجعه می‌کند، رباط لازم و مناسب برقرار کند و با رعایت قوانین و مقررات آنها به نیازهای روزمره خود جامعه عمل پیوستد و نیز به عنوان یک شهروند بتواند به نفس خود در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی عمل نماید.

در تحقق این هدف بسیار مهم، در جامعه عوامل بسیاری دست‌اندگیرند. به عبارت دیگر عوامل بسیاری در جامعه‌پذیری افراد یک جامعه نقش دارند. از آن جمله می‌توان به نقش خانواده، دوستان و همسالان، مدرسه و کتاب‌های درسی، دولت، رسانه‌های گروهی، هنر و ادبیات، مذهب و سایر نهاد‌های اجتماعی اشاره نمود. این که کدامیک از این عوامل نقش مؤثرتری در این فرآیند عهده‌دارند، پاسخ قطعی ندارد، چرا که عوامل اجتماعی مختلف در شرایط و زمینه‌های گوناگون با یکدیگر، تأثیر متفاوتی را بر خود به جای می‌گذارند.

در این مختصر می‌خواهیم همبست جریان جامعه‌پذیری و نقش خانواده در آن را توضیح دهیم. جریان محترم بین درسی می‌تواند با توجه و وقوف به چنین ارتباط متقابلی، هرچه بیشتر در ارتباط و هماهنگی میان خانه و مدرسه آهنگ و رزند. هر دو نمودن خانواده در این تعلیمات غیر آشنایی دانش‌آموزان با وظایف خود و کسب بعضی از مهارت‌های اجتماعی موجب کارایی بیشتر یادگیری در آنها نیز خواهد شد.

اهمیت جامعه‌پذیری

موجودات زنده‌ای که از نظر تکاملی زسی در سطح بسیار پایینی قرار می‌گیرند، مانند سسیر نوح حشرات، می‌توانند خیلی زود سس را شوند، با کمک یا بدون کمک بزرگ‌ترها خود را حفظ کنند، در حالی که حیوانات عالی‌تر باحارند سیوه‌های مناسب رفتار را یاد بگیرند. در میان سسانه‌اران، جده‌ها غالباً هنگام تولد به نسی تاوان و درآمده‌اند و می‌بایست توسط بزرگ‌ترهاشان مراقبت شوند و کودک انسان از همه تاوان‌تر است.

اعمال می نمایند صورت می گیرد. در صورتی که حیوان از بدو تولد یا غریز و رفتاری منحصر به خود به دنیا می آید؛ یعنی ابزار بی صورت موروثی در اختیار او قرار می گیرد تا امکان بقای حیات او را فراهم سازد. برای مثال می توان گفت: حیوان به تناسلی دشمن، رابطه با جنس مخالف و مراقبت از بچه هایش می پردازد که ما آنها را رفتاری غریزی می نامیم. انسان به تعبیر زیست شناسی با ورود خود به جهان، موجودی شدیداً نیازمند به کمک است. گرچه حیوانات هم پس از تولد، نیاز به مراقبت دارند. اما حیوان با طی دوره ای در مقطع بلوغ به موجودی کامل و خودگردان تبدیل می شود. حال آنکه انسان با رسیدن به دوره بلوغ هم هنوز کامل نیست، بلکه تازه به موجودی تبدیل گردیده که قادر به برقراری روابط اجتماعی می باشد و می تواند بدینه های ر که در جامعه به وقوع می یونند بفهمد. در واقع ادامه حیات انسان فقط به صورت اجتماعی میسر است و بقاء جامعه هنگامی ممکن است که رفتار هر فرد برای دیگری هم قابل محاسبه و سنجش باشد.

شخصیت انسان خود به خود به خاطر توانایی های بی حد و حصر او رشد نمی کند. درست است که انسان با بسنی به سطح معینی از رشد برسد تا توانایی های مختلف در وی بازور شود، اما رشد و با عدم رشد توانایی های وی در گروه کنش متقابل انسانی، نقش زمان ابرای فراگیری نمادهای فرهنگی، مفهوم بخشیدن به واقعت، درک اندیشه های پیچیده و تبادل دیدگاه ها) و دست که برخی ملاک های عاطفی مانند مهرورزی، تشریک مساعی و غیره است. مردم به واسطه کنش متقابل با یکدیگر، الگوهای رفتاری لازم را فر می گیرند؛ آنها از حقوق، وظایف و تعهدات خود آگاه می شوند و می آموزند که کدام عمل پذیرفتنی و چه عملی ممنوع است. این فراگیری با فرآیند یادگیری زبان همراه می شود و تسریع می گردد. از آنجا که مردم گذشته از نعل، عاطفی نیز هستند، بایستی مورد عشق و مهرورزی قرار گیرند و به دیگران نیز مهر بورزند.

شخصیت، جامعه و جامعه پذیری

کنش متقابل اجتماعی بر حسب ارزش ها و هنجارهای اجتماعی مربوطه رخ می دهد و محتوای جامعه پذیری و نیز الگوهای شخصیتی که غالباً مورد تمجید قرار می گیرند از جامعه ای به جامعه دیگر تفاوت می باید. در نتیجه می توان گفت صفات شخصیتی خاصی در هر جامعه وجود دارد یعنی الگوهایی که ز تجربه زندگی مشترک جامعه پذیری در یک فرهنگ خاصی ناشی می شود. البته درون هر جامعه هر شخص متفاوت از شخص دیگر است و این اختلافات همچنین عمدتاً نتیجه جامعه پذیری است. شخص در طول حیات خویش عناصر اجتماعی - فرهنگی محیط خود را فرا می گیرد و درونی می سازد تا خود را با محیط اجتماعی که باید در آن زندگی کند تطبیق دهد. دوران کودکی و نوجوانی فشرده ترین دوره اجتماعی شدن است. دوره ای که پس از هر دوره دیگر در آن قابلیت تعطف وجود دارد و مناسب ترین دوره برای یادگیری است. البته فرد بزرگسال هم تحت

تأثیر روند اجتماعی شدن قرار دارد. به خصوص مراحل وجود دارد که در آن فرد اجتماعی شدن فشرده ای را تجربه می کند مانند کسب اطلاعات جدید، کنش های متقابل، ارتباطات با شرایط جدید زندگی و حتی هر برمی با هر تغییر شغل نیز دوره ای جدید از اجتماعی شدن را می گشاید.

در جریان اجتماعی شدن، عناصر جامعه و فرهنگ جزء مکمل ساخت شخصیت زوایی می گردند تا به اصول اخلاقی، قواعد آگاهی و شعور و همچنین شیوه های عمل با هنجارها تبدیل شوند. به علت یگانگی، آگاهی نسبت به آنها به عمل کننده اجتماعی کمتر دست می دهد و همچنین احساس می کند که منشأ هموایی او با جامعه انتخاب آگاهانه خود اوست. فرد اجتماعی شده به محیط تعلق دارد، او متعلق به خانواده، گروه، مؤسسات، ملت و مذهب است. بدان معنی که جزئی ز آنهاست و در آنها جای دارد. او با دیگر افراد این جماعات وجود مشترک متعددی دارد. با بتواند یا آنان ارتباط برقرار کند. این تطابق، شخصیت را بطور عمیق تحت تأثیر قرار می دهد.

جریان اجتماعی شدن برای جامعه یک ضرورتی و حمایتی است همین جریان است که کودک را به صورت یک عضو مقید و سازگار با جامعه درمی آورد. جامعه شناسان و روانشناسان اجتماعی از طریق مطالعات گوناگون به نقش بزرگ جامعه پذیری در زندگی فردی برده اند. این مطالعات نشان می دهد که اولاً جامعه پذیری تنها در یادگیری ارزش ها و هنجارها، بلکه در رشد فیزیکی و شخصیت کودک نیز مؤثر است و هر یک ز امور اندکی مانند راه رفتن، غذا خوردن و سخن گفتن تا حدود زیادی به تربیت اجتماعی مربوط است و ثانیاً فقدان این تربیت اجتماعی در سنین کودکی ممکن است زبان های تربیتی وارد سازد که بعد ز آن قابل جبران نباشد. انسان به صورت یک موجود زنده، همراه با یک سلسله نیازها توأم با فطرت انسانی^۱ و استعداد های بالقوه اجتماعی شدن به دنیا می آید و جریان جامعه پذیری این امکان را به صورت یک واقعت درمی آورد و بالقوه^۲ تبدیل به «بالفعل» می نماید. در واقع جامعه پذیری فرد را با گروه و با فرهنگ جامعه سازگار و هموایی می سازد و بدون این جریان، ندانم زندگی اجتماعی و حفظ موجودیت جامعه امکان پذیر نیست.

ارزش ها در جامعه پذیری

ارزش های اجتماعی از عناصر بسیار مهم جامعه پذیری به حساب می آید. ارزش های اجتماعی اموری صرفاً منطقی و عقلانی نیستند بلکه عواطف نیز در آن نقش مهمی را ایفا می کنند. ممکن است فردی در اثر شناخت درست یک چیز نسبت به آن گرایش مثبت به دست آورد ولی این گرایش دیگر از نوع عقلی و شناخت نیست بلکه سوری است که از حامی وجود برمی خیزد و او را وادار به رفتار خاصی می کند. یادگیری ارزش ها با توجه به شرایط، وسایل و محیطی که برای افراد فراهم می شود، در سطوح مختلفی انجام می گیرد:

۱ - منابع: توصیف رفتار فردی است که به منظور کسب پادش و

۲- همانندسازی: وقتی که فرد از روی می‌کند، ویژگی‌ها و صفات یک شخص یا نمود در او به وجود آید. دست به همانندسازی می‌زند. در همانندسازی هم مانند مذهب، رفتار فرد ناشی از صفات درونی نیست بلکه به این منظور است که برای وی نقطه‌ای در صفات حسن یا شخص یا شخصیتی که مایل است با آنها همانند شود، ایجاد کند.

۳- درونی کردن: این سطح از یادگیری دروس‌ها، عمیق‌ترین و بهترین حالت یادگیری دروس‌ها است. بگردد درونی کردن اعتقاد خاصی منسب بر این تعالیم است که می‌خواهد رفتار و افکارمان درست و صحیح باشد و از یک باور قومی نیست به مسائل مختلف برخورد. در این حالت از درس با وجود ویکی می‌شود و در افق روزی می‌خیزد و اساساً فلسفه زندگی و با تشکیل می‌دهد.

یکه قابل توجه این است که هر یک از سه سطح دروس‌ها در گروه‌های معنی‌ناپذیر، مؤثرترین قرار دارد. در همین مسائل تسویه بسیار مؤثر است و می‌توان کودک را به مذهب و دین آورد. در همین تسویه و خوبی که هم حسن گوش، لگو و بهرمان‌سازی رسد بستری شد کرده می‌توان از همانندسازی بهترین استفاده کرد و در هر فردی چون فکر تراجعی در آنها بوجود آمده است می‌توان با تفهیم مسئله موجودی دروس‌ها و تباری که در رعایت آنها حاصل می‌شود، به درونی کردن دروس‌ها تسویه کمک کرد.

درونی کردن دروس‌ها به مراتب از آموزش مفاهیم اجتماعی و تقویت مهارت‌های ذهنی و عملی مشکل‌برانگیز است. معنی و مری می‌تواند با مساحت و ویژگی‌های روحی و روانی دانش‌مورس از طریق روش‌هایی در بگرس‌ها و طرز تفکر فرد نسبت به مسائل اجتماعی مختلف، تفسیر می‌بخشد. دروس‌ها و سیوه‌هایی که از طریق آنها جامعه‌پذیری تسری می‌شود و تربیت اجتماعی صورت می‌گیرد عبارتند از:

۱- القاء: ابلاغ، انتقال اطلاعات و طرز رفتار به دیگران، لقاء نامیده می‌شود. معمولاً القاء می‌شود با گفاته و بدون قصد قلبی تحت تأثیر لغاتشده، فراموشی می‌کند. لذا ممکن است به صورت کلامی، از طریق تصاویر و سیاه‌بازی، بر اثر بی‌حس‌ها، شمع‌های جاری و هنری و غیره باشد.

۲- تقلید: در مقابل القاء که از بیرون فرد وارد می‌شود به رعایت هنجارها و ارزش‌ها می‌کند، تقلید به معنی تلاشی است که از جانب خود فرد صورت می‌گیرد تا رفتار دیگران جمعیت شود و بقای نفس دیگران را به‌سپرد. گیرد.

عوامل جامعه‌پذیری

فرد جامعه‌پذیری در هر گسترده تأثیرات متفاوتی است که در طول زندگی بر فرد وارد می‌شود. مهمترین این تأثیرات عبارت است از تأثیر عوامل یا کارگزاران جامعه‌پذیری یعنی افراد، گروه‌ها و نهادهای مهمی که وضعیت‌های ساختی را که جامعه‌پذیری درون آنها رخ می‌دهد، فراهم می‌سازد. از قبیل این عوامل خانواده، مدرسه، گروه همسالان و وسایل

ارتباطی جمعی. به‌ویژه در جمع نوین، حائز اهمیت می‌باشند زیرا که عوامل مذکور به‌طور مداوم و مؤثر بر هر کسی تأثیر می‌گذارند. همانطور که در بند مذکور شد، در اینجا تنها به نقش خانواده اشاره خواهد کرد. در همه فرهنگ‌ها، خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن کودک در دوران طفولیت است. اما در مراحل بعدی زندگی فرد، بسیاری از عوامل دیگر اجتماعی شدن نیز دارای نقش می‌شوند.

نقش خانواده در جامعه‌پذیری

از آنجا که نظام‌های خانوادگی بسیار متفاوت هستند، دامنه‌هایهایی که کودک تجربه می‌کند به هیچ‌وجه در فرهنگ‌های مختلف یکسان نیست. همه‌جا مادر معمولاً مهمترین فرد در نخستین دوره زندگی کودک است، اما همان گونه که خاطر نشان گردیده است، ماهیت روابطی که میان مادر و کودکانشان برقرار می‌شود تحت تأثیر شکل و نحوه تربیت مناس آنها قرار می‌گیرد. این جریان به نوبه خود، به وسیله خصلت نهاد خانواده و رابطه‌شان با گروه‌های دیگر در جامعه مشروط می‌شود.

در میان نهادهای اجتماعی، خانواده مقام مهمی دارد و اولین نهادی است که انسان پس از تولد به عضویت آن درمی‌آید. در واقع خانواده زمینه‌ساز عضویت انسان در نهادهای دیگر است چرا که خانواده در سال‌های اولیه زندگی که دوران تکون شخصیت فرد است در جامعه‌پذیری و تأثیر بسیاری داشته و خط منسب آیند او را در زمینه‌های تربیتی، دینی، اقتصادی و اجتماعی مشخص می‌سازد.

در بین تمام نهادها، خانواده از جمله عمومی‌ترین و بایدترین نهادهاست و تقریباً در جمع مختلف، خانواده مهمترین تکیه‌گاه و محور زندگی اجتماعی است. فرد در خانواده متولد می‌شود و در خانواده زندگی می‌کند و در موقع ساز به خانواده روی می‌ورد و در سایه آن آرامش می‌یابد.

در مباحث جامعه‌شناسی، خانواده از چند جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی به‌عنوان «گروه اجتماعی» و دیگری به‌عنوان یک «نهاد» و در نگاهی دیگر به‌عنوان یک «نظام اجتماعی». هنگامی که به خانواده زندگی می‌کنند مجموعه‌ای از افرادی نگریسته شود که خود را به‌صورت یک «ما» درک می‌کنند و به‌صورت نسبتاً پایدار و منظم با یکدیگر تعامل داشته‌باشند، یک گروه است و زمانی که به‌عنوان مجموعه مقررات و سنو خاص از زندگی و رفتار جمعی در نظر گرفته شود یک نهاد محسوب می‌شود و آنگاه که به‌عنوان مجموعه نقش‌های اجتماعی مقابل به‌هم پیوسته مورد توجه قرار گیرد یک نظام اجتماعی به‌شمار می‌آید.

عمده‌ترین ویژگی‌های زندگی خانوادگی که در سایر نهادهای اجتماعی کمرده، می‌شوند عبارتند از: محبت و یگانگی، مسایب مستمرو روابطی و عمیق و دوام و پایداری نسبی آن هنگامی که از کارکرد یک نهاد و با نظام اجتماعی سخن می‌گوییم، به تسجحه و ترو آن نهاد یا نظام اجتماعی برای بقا و زنده‌نظام‌های اجتماعی دیگر توجه داریم. مهمترین کارکردهای (ترب و تالیف) خانواده، رضای نیازهای عاطفی، تولید

نسل، مواظبت و نگهداری کودکان و بالاخره اجتماعی کردن کودکان است. پایه اصلی شخصیت و گرایشات عمده یک فرد به عنوان یک عضو اجتماع و موجودی متفکر و دارای اراده و شناخت در دوره کودکی و در خانواده شکل می‌گیرد؛ مثلاً: نوع رفتار والدین با کودک: تعداد افرادی که با کودک رابطه دارند؛ فرزند چند خانواده بودن؛ نوع رفتار والدین با یکدیگر و با فرزندان همگی در شخصیت فرد تأثیرات عمده‌ای دارند. آنچه به عنوان وجدان در فرد شکل می‌گیرد و از درون رفتار فرد در کنترل می‌گردد، عمدتاً حاصل عمل و گفتار والدین و اعضای خانواده در کودکی می‌باشد. بنابراین فرد نه تنها از نظر جسمی مدیون خانواده است، بلکه مهمتر از آن از نظر روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده است. با کمی تأمل متوجه می‌شویم که نقش خانواده محدود به دوره کودکی فرد خلاصه نمی‌شود بلکه حتی می‌تواند نقش ارشادی و حمایتی خانواده در دوره‌ای که فرد آموزش رسمی را از مدرسه آغاز می‌کند، در دوره جوانی و سپس در امر ازدواج و تشکیل خانواده و حتی پس از تشکیل خانواده نیز دریابیم. فرد پس از ازدواج به نحو دیگری، مدیون خانواده است با تشکیل خانواده فرد از نظر عاطفی آرامش پیدا می‌کند و سردرگمی‌ها و تلاطم‌های روانی کاستی می‌گردد تا آنجا که خانه برای وی به صورت مأمنی درمی‌آید که پس از فراغت از کار و درگیری‌های روزمره در آن به آسایش می‌پردازد.

همچنین خانواده جدید، جایگاهی به حساب می‌آید که فرد می‌تواند شخصیت مستقل خویش را در آن تحقق بخشد. مرد با کار مستقل در بیرون و زن با کار در منزل یا بیرون از آن و هر دو با تلاش برای تربیت فرزند، شخصیت مستقل خویش را تحقق می‌بخشند و در عین حال آینده زندگی اجتماعی کودک را رقم می‌زنند.

نقش گسترده و مهم خانواده در زندگی فرد از یک سو و نقش تعیین کننده آن در نظام اجتماعی کل از سوی دیگر می‌تواند توجه بیداری و عمق نظام خانواده در طول تاریخ باشد. نظامی که اگرچه نقش آن در زندگی اجتماعی کمتر از گذشته شده است ولی هنوز اساسی است و جایگزینی برای آن یافت نشده است. صاحب نظران در جهت حذف نظام خانواده، طرح‌هایی ارائه دادند و بعضی هم آنها را به اجرا درآوردند ولی همه طرح‌هایی بود که با عدم توفیق روبه‌رو شد و مجدداً خانواده به عنوان یک نهاد و نیز نظام اجتماعی ضروری که هم سلامت فرد و هم بقای جامعه را تأمین می‌کند، به حیات خویش ادامه داده است^{۱۱}.

بنابراین در جوامع مروجی نیز، اجتماعی شدن پیش از همه در یک زمینه خانوادگی رخ می‌دهد. خانواده‌هایی است که کودکان نحسین و باستانی‌های عاطفی نزدیک و صمیمی خود را در آن پرورش می‌سازند. زبان را یاد می‌گیرند و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را در آن آغاز می‌نمایند. کودکان تجربه اجتماعی محدودی و رای مرزهای خانواده دارند و به این جهت فاقد هرگونه سناری برای مقایسه و ارزشیابی چیزهایی که از اعضای خانواده آموخته‌اند، می‌باشند. لذا هر خانواده تجربه منحصر

به فردی به کودکان خود عرضه می‌کند. در حقیقت، حتی کودکان مختلف در خانواده‌ای یکسان دارای تجربیات متفاوت می‌باشند، زیرا آنان مجموعه متفاوتی از برادران و خواهران بزرگتر و کوچکتر دارند.

این مطلب، نکته بسیار مهمی است که می‌بایست در ارزشیابی و نحوه فعالیت‌های عملی کتاب‌های تعلیمات اجتماعی به آن توجه نمود. سؤال مهم این است که آیا می‌توانیم از دانش آموزان یک کلاس که هر کدام تجربیات خاصی از امور به‌ویژه امور اجتماعی دارند، انتظار یک پاسخ معین در برابر یک سؤال معین را داشته باشیم؟ در ارزشیابی‌های خود به این نکته توجه کنیم که فهم و شناخت دانش آموز قابل پیش‌بینی نیست به این دلیل که ما با ذهن و نگرش انسان سروکار داریم و آذه‌ان و نگرش‌ها نیز هر کدام با تأثیرات متفاوت محیط خانوادگی و اجتماعی به نحو خاصی شکل گرفته است^{۱۲}.

بخش مهمی از جامعه‌پذیری که در خانواده رخ می‌دهد، عمدی و آگاهانه است ولی بخش زیادی از آن نیز ناخودآگاه است. الگوهای کنش متقابل اجتماعی درون خانواده ممکن است مدل‌های ناخواسته‌ای را برای شکل‌گیری رفتار و شخصیت بعدی کودکان فراهم سازد.

همچنین خانواده موقعیت ویژه‌ای در ساخت اجتماعی دارا می‌باشد بنابراین از لحظه تولد، کودکان در هر یک از خرده فرهنگ‌های نژاد، طبقه، قومیت، مذهب و منطقه از پایگاه محوئی (عبراکسای) برخوردار هستند. بطوری که همه این پایگاه‌ها ممکن است بر ماهیت کنش متقابل اجتماعی و جامعه‌پذیری بعدی قویاً تأثیر بگذارد. برای مثال ارزش‌ها و انتظاراتی که کودکان می‌آموزند تا حدی به طبقه اجتماعی و اندیشان بستگی دارد. مثلاً دو خانواده از دو طبقه اجتماعی مختلف، کودکان خود را به شیوه‌های مختلف تربیت کنند. چنان‌که خانواده‌ای ارزش بیشتری به هم‌نواپی با معیارهای سنتی رفتار قائل شده، بدین ترتیب به کودکان خود اطاعت از قواعد و برهیز از نزدیک شدن به والدین را بیاموزد و خانواده دیگر ارزش بیشتری به کنجکاوی و بیسگامی با ابتکار دهند.

خانواده‌ها جایگاه‌های مختلفی در جارجوب کلی نهاد‌های یک جامعه دارند. مثلاً در بیشتر جوامع سنتی، خانواده‌ای که فرد در آن متولد می‌شود تا اندازه‌ی زیادی تعیین‌کننده موقعیت اجتماعی فرد در بقیه زندگانش است. الگوهای مختلف پرورش کودک و انضباط، همراه با ارزش‌ها و انتظارات متعارض، در بخش‌های گوناگون جوامع بزرگ یافت می‌شوند. به عنوان مثال، اگر بتوانیم زندگی کودکی که در یک خانواده فقیر سیاه‌پوست در یک محله فقیرتسین آمریکا را با کودکی که در یک خانواده مرفه سفیدپوست در حومه سفیدپوست شین شهر را مقایسه کنیم آنگاه درک تأثیر انواع زمینه‌های خانوادگی آسان می‌شود.

بنابراین و والدین بر اساس مذهب، فرهنگ و پایگاه اجتماعی - اقتصادی‌شان کودکان را تسویق می‌نمایند تا ارزش‌ها، رفتارها و عقاید معینی را بپذیرند. والدین از طریق انتظارشان بر کودکان تأثیر می‌گذارند تا آن اندازه که کودکان تعلیم و تربیت خاصی در دنیا نمایند و حتی

موقعیت حرفه‌ای خاصی را به دست آورند. از آنجا که کودکان هیچ درک دائمی از ریاضیات ادب و گاهی از آنچه محاذ و بی‌طرفی یا ممنوع است، ندارند فقط بار همگامی یاد می‌گیرند که چگونه موقعیت‌های اجتماعی را ارزیابی نمایند و الگوهای درونی رفتار را شکل دهند.

گرچه همه والدین تلاش می‌کنند رفتارهای کودکان خود را هدایت نمایند، لیکن روس‌های آنها بسیار با یکدیگر فرو می‌کند و حضور یکسان بر موبایل بسیار رفتار والدین است به فرزند می‌تواند بر حسب جلوگیری دینی و نیز مقدار آزاداندیشی همین بود. براساس سبب نوع کمی زوال‌های و خصوصیات کودکان، می‌توان سناریوهای خود را والدین مستعد که سعی می‌کنند رفتار کودک را شکل دهد، کنترل و ارزیابی نمایند. آنها نظارت بر کودکان دستور و خود و قدر زمان را می‌دهند و احتمالاً با معیارهای تربیتی شبیهی موافق هستند. کودکان آنها معمولاً از کودکان دیگر نفسانی‌تر و روح‌خیزتر هستند. کودکان نیز با احتیاط‌تر هستند. کودکان آنها هم حتی زودتر و حساس‌تر می‌شوند و در مقابل فشارهای زندگی آسیب‌پذیرترند.

در مقابل، نوع دوم والدین قرار دارند که تلاش می‌کنند به روس غیر شبیهی با کودکانشان رفتار نمایند و روابطشان به روسی و صمیمیت تجزیه‌شده. آنها به کودکان خود اجازه می‌دهند رفتار خود را کنترل و اداره نمایند و بر همگامی و هدایت می‌کنند. گروه سوم والدینی هستند که همراه با اقتدار از یواز منطق نیز بهره می‌گیرند. آنها در تعامل‌هایشان گروه و صمیمی هستند و در عین حال از اصول منطقی به عنوان ستون اعمال خود نیز استفاده می‌کنند. همانطور که گفته شد هر یک از این روشها در تربیت اجتماعی کودکان حضور یکسان موبایل می‌توانند.

اجتماعی شدن و آزادی فردی

از آنجا که محیط فرهنگی که مادران مولود می‌توانند و رشد می‌کنند بر رفتار ما تأثیر می‌گذارد، ممکن است به نظر برسد که هیچ‌گونه فردیت ما برده آزادی برای ما باقی نمی‌ماند بطوری‌که در حالت‌های پیش ساخته‌ای که جامعه بر زمان فراهم کرده در جامعه می‌تواند همانگونه که بعضی جامعه‌شناسان درباره اجتماعی شدن و حسی به‌طور کلی بر درباره جامعه‌شناسی نظر دارند که نوعی همس‌گونه است. اما حسن نظری اساساً مادر است این واقعیت که ما از تولد تا مرگ در کنس متقابل با دیگران هستیم. مستحق‌ترین ما، روشهای که در به و رفتارهای را که می‌کنیم را مسروط می‌سازد. اما اجتماعی شدن جنسی فردیت و آزادی ما نیز هست. در جریان اجتماعی شدن هر یک از ما یک حس هویت شخصی و هوایی اندیشه و عمل مستقل پیدا می‌کند.

بن‌بناکه به مثال یادگیری زبان به سنی روس می‌شود هیچ‌یک از ما زبانی را که در کودکی یاد می‌گیریم به‌درستی نمی‌شناسیم. همه ما محور به استفاده از قواعد ثابت کاربرد زبان هستیم. اما بر عین حال فهمیدن یک زبان یکی از عوامل اساسی است که خودآگاهی و خلاقیت ما را ممکن

می‌سازد. بدون زبان، ما موجودات خودآگاه نمی‌بودیم و کم‌وبیش به‌طور کامل در زمان حال زندگی می‌گردیدیم. تسلط بر زبان برای عنای نمادین زندگی انسانی، برای آگاهی از ویژگیهای مشخص فردی ما و برای تسلط عملی ما بر محیط ضروری است.^{۱۱}

مطلب فوق از دیدگاه اسلامی که به حاصلات فطرت اعتقاد دارند نیز قابل بیان است. اسلام معتقد است که در وجود انسان، یک سلسله فطریات نهاده شده است که از طریق یادگیری و تربیت اجتماعی تقویت می‌شوند و تحقق می‌یابند. به این ترتیب انسان با سرست و طبیعت خاص و متفاوت از دیگر موجودات آفریده شده است و تربیت اجتماعی، در انحراف و با تقویت این گرایش‌ها سهم بسزایی دارد.^{۱۲}

زیر نویسها:

- ۱- برنامه تفصیلی آموزش معلمان اجتماعی دوره راهنمایی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی تربیتی، گروه علوم جدید.
- ۲- رابرتسون، جان. در میان جامعه، ترجمه حسین بهرورن، انتشارات انستیتوت فنی، مصوب، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۳- همان منبع.
- ۴- روس، لوی. کنس اجتماعی، ترجمه همدان‌چاپی، دوره انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۶۷.
- ۵- همان منبع.
- ۶- کلایب، برت، او. روانشناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاروان، ص ۹۷.
- ۷- ورد فطرت در قرآن کریم آمده است: «فطرده الله لقی فطر لیسان علیها» (سوره زمره آیه ۲۴).
- ۸- بن‌بنکه در حدیث معروف «کل مولود یولد علی فطره» مورد اشاره قرار گرفته است از این حدیث برمی‌آید که هر مولود، فطرت حواجو و حی‌گرا به دنیا می‌آید پس تربیت اجتماعی مادر است و از منحرف می‌کند.
- ۹- رابرتسون، جان. روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین سکرکن، چاپ سوره، انتشارات رشد، ۱۳۶۶.
- ۱۰- آیدورا، تونی. جامعه‌شناسی، ترجمه موحه صوری، سری، چاپ روزبه، ۱۳۷۳.
- ۱۱- همان منبع.
- ۱۲- همان مثال می‌توان از تصور نمودن اساق و رزم اسفالگر فسی نام برد که هر یک در جهت صحت‌حلال شدن خانواده تلاش‌هایی نمودند ولی در ادامه بن و فقی بدست می‌آوردند.
- ۱۳- منجی، حسن و نظاری، عسی. کتاب معنی از وی تدریس (تعمیمات اجتماعی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی تربیتی).
- ۱۴- همان منبع.
- ۱۵- منجی، حسن. فطرت، انتشارات حکمت.

معرفی کتاب



نگرشی نو بر آموزش علوم تجربی در دوره ابتدایی

تألیف: وین هارلین

ترجمه: خانم شاهده سعیدی

انتشارات مدرسه، ۱۳۷۵، تهران، ۲۱۶ صفحه، ۵۰۰۰ ریال

این کتاب که عنوان اصلی آن آموزش علوم (the teaching of science) است به وسیله خانم وین هارلین کارشناس و متخصص آموزش علوم در کشور انگلستان است. مؤلف چندسال پیش به دعوت دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی به ایران آمد و به مدت یک هفته یک کارگاه آموزش علوم برای کارشناسان این دفتر تشکیل داد. باید گفت نگرش خانم هارلین اساس تدوین کتابهای جدید علوم ابتدایی ما را تشکیل می‌دهد. با این حال نباید تصور کرد که کتاب او و مطالعه‌الدینیه‌های و فقط در حیطه آموزگاران در دوره ابتدایی است. بلکه دیران راهنمایی و ویژه مدرسان علوم در مراکز تربیت معلم می‌توانند از این کتاب استفاده فراوان ببرند.

آموزشی که در این کتاب مطرح می‌شود از تفکرات و تصورات کودکان سود می‌جوید و درک عمیق مفاهیم علمی را در اکتشافات شخصی خود آنان می‌جوید. در این نوع آموزش استفاده از تجهیزات و وسایل پیش‌ساخته آزمایشگاهی جای ندارد و به آموزگاران توصیه می‌شود که در محیطی طبیعی و آشنا با تحرک حسن کنجکاوی کودکان پدیده‌های علمی و از آن مهمتر ماهیت علم را از طریق وسایل و مواد و اتفاقات روزمره به کودکان بیاموزند. به دانش‌آموزان فرصت بحث و اکتشافات شخصی بدهند تا در نتیجه اعتماد به نفس و نگرش مثبتی نسبت به علوم در آنان به وجود آید و هرگز اجازه ندهند که مفاهیم علمی به صورت مفاهیمی بیجوده و ویرانی زلدگی روزمره در نظر آنان جلوه‌گر شود.



قرآن شناخت. مباحثی در زمینه فرهنگ افرینی قرآن
 بهاءالدین خرمشاهی. تهران، انتشارات طرح نو، از سلسله «بیانهای
 فرهنگ امروز» (شماره ۱)، ۳۶۲ ص. قطع رقیعی.

اُری ست از قرآن بروه، معاصر. آقای بهاء الدین خرمشاهی، که همزمان
 با انتشار بزرگترین تر فرین بروهی انسان یعنی ترجمه قرآن کریم، انتشار
 یافته است. این تر در برای یک مقدمه و هست فصل است. به این شرح:
 (۱) فرهنگ افرینی قرآن، (۲) عنوانه قرآنی، (۳) وحی و نزول و جمع نمودن
 قرآن، (۴) آنگه درباره قرآن ترجمه، (۵) نفس و نفوذ قرآن در زندگی
 امروز ما آنگه فصلی بی سابقه و سرشار از اطلاعات و بازیک بینی‌های
 کتاب است و برای قرآن کریم، (۵) نفس در فرهنگ عامه و خاصه ما
 بر بیان به تفصیل برسمرده است، (۶) فرهنگ‌واره اعلاء قرآن، (۷)
 فرهنگ‌واره سوره‌های قرآن، (۸) برجسته‌ترین آثار قرآن پژوهی، (نگه در بین
 فصل سجاد، ترجمه و جمله فرین بروهی شامل (۱) تفسیر، (۲) ترجمه،
 (۳) فرهنگ، (۴) کتابسازسی و فهرست، (۵) ترجمه و کلی و (۶) تاریخ
 قرآن از زبانانه معرفی شده است و در پایان، نمایه غامه آمده است. این
 کتاب مانند سایر آثار علمی آقای خرمشاهی خوشحوا و و سرشار از
 اطلاعات ضروری است و به درستی نفس فرهنگ افرینی قرآن کریم را
 در عین سلاسی، بی‌پری ما و نیز نفس و نفوذ کلام الهی در دهه‌ها و زبان
 و زندگی و زمانه ما بیان می‌دهد.



— سیرت رسول الله (از مجموعه بازخوانی متون)
 — رفیع الدین اسحاق ابن محمد همدانی
 — ویرایش متن از جعفر مدرس صادقی

— نشر مرکز، جاب دوم، ۱۳۷۵، ۶ صفحه، ۱۷۰ ربال
 روایت این سخا از زندگی حضرت خاتم النبیین محمد
 مصطفی (ص) نخستین روایت جامع و یکی از معتبرترین منابع مربوط به
 زندگی آن حضرت است. بخش‌هایی از روایت او به صورت تراکنده در
 اغلب متون تاریخی عمده بعد از اعلاء نقل شده است. اما این هشاه
 بود که روایت ویرایشی یکجا در کتابی مستقل شود و در این
 هشاه در نقل روایت این سخا نوی زمانی را در نظر گرفت و
 بخش‌هایی را نیز که مستقیماً به موضوع اصلی مربوط نمی‌شد
 حذف کرد. کتاب این هشاه در سال ۶۱۴ هجری به وسیله رفیع الدین
 سخا بن محمد همدانی (قاضی ابرقوه) به فارسی ترجمه شد و مترجم
 به فصل بندی و نمودن متن پرداخت و سبک و بیگانه‌های اضافی و مطالب
 مربوط به سلسله اسباب و اطلاق حدیث و قضایای فقهی را حذف
 کرد. در ویرایش جدیدی (مدرس صادقی) که از این ترجمه فارسی به
 عمل آمده است، کار این هشاه و محمد بن سخا در جهت نمودن متن
 و فصل بندی و حذف زوائد ادامه یافته است و تلاش به عمل آمده تا به
 هشاه اصلی و اساس آن در این سخا یعنی شرح وقایع حضرت رسول
 (ص) هرچه نزدیک شود.

نمایه

نمایه زیر شامل عنوان مقاله‌ها، نام نویسندگان و مترجمان و نیز عنوان کتابهای معرفی یا نقد شده و نام نویسندگان، مترجمان و ناقدان آنهاست. نخستین شماره برابر هر مدخل شماره مجله و دومین شماره، شماره صفحه است. عنوان کتابها با حروف کج (ایرانیک) و نام مقاله‌ها در گیومه آمده است. این نمایه مجله‌های شماره ۷ تا ۱۳ را شامل می‌شود و بر حسب موضوع تنظیم شده است.

۳: ۱۱	«حق با دانش آموز است»		زبان و ادب فارسی
۹: ۱۲	خرازی، جعفر	۹: ۹	«آب را گل نکنیم»
۸: ۸	خسروی، فریده	۴: ۱۰	آشنایی با شعر نمایی
۴: ۱۱	داودی، حسین	۴۸: ۱۲	آخرین سردار (شعر)
۹: ۸	«درس فارسی، آموزش زبان یا ادبیات»	۱۳: ۷	آل احمد، جلال
۱۳: ۱۰	ذوالفقاری، حسن	۱۲: ۹	از بودن و سرودن (شعر)
۱۳: ۱۰	«راه‌های فعال کردن درس انشا»	۱۰: ۹	«از مقام شهید...»
۱۳: ۹	زاده‌ناتمام (شعر)	۶: ۱۲	«استفاده از طرح درس»
۸: ۱۲	«روانشناسی و آموزش در قابوس‌نامه»	۱۲: ۸	«افق‌های امید...»
۶: ۸	«زبان فارسی، آموزش فعال»	۱۳: ۹	اعجاز (شعر)
۴: ۷	«زبان فارسی هم آموختنی است»	۸: ۱۲	الف، گرگین
۱۳: ۹	سفر (شعر)	۱۳: ۹	امین‌پور، قیصر
۴: ۷	سمیعی، احمد	۱۲: ۹	باغ من (شعر)
۸: ۱۱	«سؤال‌ها و تعرین‌های فارسی...»	۴: ۱۱	«بخشی از شیوه‌نامه...»
۳: ۱۱	سوری اورمئی، سیده	۷: ۹	«بنشین بر لب جوی...»
۱۴: ۸	«سنگفتی‌های طبیعت»	۷: ۱۱	«پندنامهٔ حیوانیه»
۱۱: ۱۳	«شوخ طبعی آگاه»	۴: ۱۳	حداد عادل، غلامعلی
۴: ۱۲	«عوامل مؤثر بر پرورش تفکر...»	۱۳: ۹	حسینی، حسن

۳: ۸	بهزاد، محمود	۴: ۱۲، ۹: ۸	قاسم پور مقدم، حسین
۳۴: ۱۱	یرلیمان	۸: ۱۲	فرود، غلیرضا
۳۸: ۱۰	بگی، فاکس	۱۴: ۷	«فصّه انشای من»
۲۱: ۷	«نوری، روشنائی»	۴: ۱۰	کاظمی، محمد کاظم
۳۵: ۸	«چگونه از نسیر جیب خوب بسازیم؟»	۱۳: ۹	کیانوش، محمود
۳: ۸	«دقت علمی»	۷: ۱۱	گروسی، امیر نظام
۲۲: ۱۲	«راههای تدریس علوم بدون آزمایشگاه»	۴: ۱۳	گفتگو با مؤلف
۳۵: ۸، ۲۱: ۷	سالار کیا، مهدیه	۱۲: ۹	م. امید
۳۸: ۱۰	«ساختن یک آزمایشگاه بسیار ساده است»	۱۲: ۹	م. سرشک
۳۵: ۱۰	«ستارگان بخت خود را بشمارید»	۷: ۹	محمدخانی، حمید
۳۹: ۹	«سنگها و هوازدگی»	۱۰: ۱۱	«مردی در جستجوی حقیقت»
۴۲: ۹	«سؤال از شما، پاسخ از دانش آموز»	۱۴: ۷	محمدی، محمد
۲۳: ۷	«علم چیست و معلم علوم کیست؟»	۱۳: ۹	تساهای خدا (شعر)
۲۴: ۱۱	«علوم را چگونه آموزش دهیم»	۹: ۱۳	«نگاهی به کتابهای فارسی ...»
۲۴: ۱۳	فروغی، فتح الله	۹: ۱۳	نورانسرف الدین، سید یونس
۲۴: ۱۲	«فصلی که رمان زول ورن کم دارد»	۹: ۱۱	نوری، فرزانه
۳۹: ۹	کارن - ک. لیند	۱۲: ۹	تیمایوشیچ
: ۳۸/۳۵: ۱۰: ۳۹/۳۵: ۹: ۳۳: ۸	کرام الدینی، محمد	۱۳: ۹	هراتی، سلمان
۲۱: ۱۳: ۲۲/۲: ۱۲: ۲۹: ۱۱		۱۳: ۷	«هفت پیشنهاد ...»
۲۹: ۱۱	«مدلهایی برای آموزش ...»	۱۲: ۹	یاد (شعر)
۳۵: ۹	«مهندسان کوچک امروز»	۱۱: ۱۳	یوسفی، غلامحسین
۲۴: ۱۳	«همراه با تجربه»		
۳۳: ۸	هوقمن، جودی		علوم
۳۳: ۸	«یک تابستان با لئوناردو»	۳۲: ۱۱	«آیا ارشمیدس می توانست؟»
	ریاضی و کامپیوتر	۲۱: ۱۳	«رزبایی سواد علمی»
۲۵: ۹	آیا از کامپیوتر چیزی می دانید؟	۳۵: ۸، ۲۱: ۷	ارشدی، نعمت الله
۳۲: ۱۳	«تذکرهجا!»	۲۰: ۱۲	«استفاده از قیاس در تدریس علوم»
۲۵: ۹	جلیلی، میرزا	۳۲: ۹	امانی طهرانی، محمود
		۳۲: ۹	«انرژی هسته ای چیست؟»



۱۲: ۱۱	سادات، محمد علی	۳۴: ۱۰	«چرا معلم ریاضی شدم»
۱۶: ۹	ساده‌تی، علی	۳۱: ۹	چند مسئله برای حل
۱۶: ۸	«سخنی با معلمان قرآن...»	۲۸: ۸	«چند مسئله ریاضی»
۱۶: ۸	صلح‌جو، محمدرضا	۲۸: ۷	«چگونه کلاس ریاضی را شاداب و فعال نگهداریم»
۱۴: ۹	مخبر دزفولی	۱۶: ۱۱	حل مسئله شماره ۱۰
۲۱: ۸	نجفی، محمدعلی	۲۱: ۱۱	«خطر درازمدت معماگرایی در ریاضی»
۱۶: ۹	نوّای تّزاد، شکوه	۲۴: ۸	«شما هم می‌توانید در درس ریاضی موفق باشید»
۲۰: ۱۰	«وظایف ما در آموزش دینی دوره راهنمایی»	۲۴: ۸	شهریاری، پرویز
	زبان عربی	۲۸: ۷	صفائیان، افسر
۵۱: ۱۱	«آموزش عربی، قواعد یا مکالمه؟»	۳۴: ۱۰	عسجدی، غلامرضا
۳۰: ۱۳: ۵۱: ۱۱: ۲۲: ۹	جراغی، علی	۳۲: ۱۳	قدیری، غلامرضا
۵۶: ۱۰	حاج نبی، ایران	۳۱: ۱۰	«مسائلی برای حل»
۵۶: ۱۰	«دبیر عربی کیست؟»	۲۸: ۸	«یک عدد جادویی»
۱۹: ۸	«شیوه تدریس عربی در دوره راهنمایی»		دینی و قرآن
۵۶: ۱۰	«گزارش یک تدریس»	۱۶: ۹	«آسیب‌شناسی و آسیب‌پذیری دین و ...»
۲۲: ۹	«نصاب الصبیان»	۱۴: ۱۳	احمدی، علی‌اصغر
۱۴: ۱۲	«نگاهی به کتاب جدید التالیف عربی»	۱۱: ۱۲	امام خمینی
	زبان انگلیسی	۲۱: ۸	«اهمیت آموزش‌های دینی ...»
۴۷: ۱۳: ۱۶: ۷: ۵۷: ۹	بهبودی، منیژه	۲۰: ۱۰	باهتر، ناصر
۱۶: ۷	«تفاوت‌ها و شباهت‌های زبان فارسی و زبان انگلیسی»	۱۲: ۱۱	«تبلیغ دین»
۵۷: ۹	«جایگاه دستور در آموزش زبان»	۱۴: ۹	«جایگاه وسایل ارتباط جمعی در تربیت دینی»
۱۶: ۷	دین دوست، جمشید	۱۶: ۸	حاجی شریف، احمد
۴۹: ۱۳	رحیمی‌نیا	۱۹: ۹	«حرمت کلام الله»
۴۶: ۱۳: ۵۷: ۹: ۶۴/۱۶: ۷	زارعی نیستانک، شهلا	۱۶: ۸	خواجه‌وی، محمد
۵۸: ۸	«طرح درس»	۱۱: ۱۲	«درسی از اخلاق»
۵۸: ۸	غلام‌پور، سهراب	۲۷: ۱۰: ۶۵/۱۹: ۹	ربّانی، جعفر
۴۶: ۱۳	«نکاتی چند در مورد جنبه‌های کاربردی زبان»	۱۶: ۹	«روش‌های مطلوب آموزش و تربیت دینی»
		۱۴: ۱۳	«زیربنای روانشناختی تربیت دینی»

«ضرورت آشنایی و استفاده از وسایل کمک آموزشی» ۳۱: ۱۲

فویدل، اکبر ۴۲: ۷

منگ عباسی، منصور ۳۸، ۳۴: ۱۱، ۶۳، ۵۲: ۹، ۴۷، ۴۳: ۸

«مهاجرت چیست؟» ۳۶: ۱۱

«نقشه و مسایل مربوط به آن» ۴۳: ۸

و.ف. دیوید ۳۸، ۳۶: ۱۱

«و بالاخره فهمیدیم» ۳۵: ۱۲

«یک بلای طبیعی» ۴۹: ۹

تعلیمات اجتماعی

«بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی تعاون» ۴۸: ۱۱

«تأملی درباره گروه‌های اجتماعی» ۴۳: ۷

«تأملی درباره نهاد اجتماعی» ۵۰: ۸

«خانواده و تعلیمات اجتماعی» ۵۳: ۱۳

«رشد جمعیت...» ۴۹: ۱۲، ۵۴: ۱۱

«شهردار مدرسه» ۵۰: ۱۳

معافی، محمود ۴۹: ۱۲، ۵۴: ۱۱

ناصری، محمد مهدی ۵۳: ۱۳، ۳۸: ۱۲، ۵۰: ۸، ۴۳: ۷، ۴۸: ۱۱

«نیاز به همدلی و بیمه» ۳۸: ۱۲

هنر

«اهداف آموزش درس هنر اول راهنمایی» ۶۲: ۱۱

«اهداف آموزش درس هنر دوم راهنمایی» ۶۱: ۱۱، ۶۱: ۱۰

سرفی، حسن ۶۲: ۱۱، ۶۱: ۱۰

کنسفی، مصطفی ۵۳: ۷

«همگامی هنر و ادبیات» ۵۳: ۷

حرفه و فن

«الگاهی به طرح ارزشیابی حرفه و فن» ۴۸: ۷

«یک طرح درس انگلیسی»

Classroom English

۴۲: ۱۲

۴۹: ۱۳

تاریخ

«پادشاهان مصری در کلاس تاریخ» ۳۳: ۱۳

«برنامه آموزشی و کتابهای درسی تاریخ در نگلستان» ۴۲: ۱۱

«توصیه‌هایی برای آموزش و آرزسبایی درس تاریخ» ۲۷: ۱۲

جوادیان، مسعود ۳۸: ۱۳، ۲۷: ۱۲، ۳۹: ۸، ۳۲: ۷، ۴۲: ۱

حاج‌نبی، ایران ۳۳: ۱۳

«روش آموزش تاریخ در دوره راهنمایی» ۴۵: ۹

صالحی، نصرالله ۴۲: ۱۱، ۴۷: ۱، ۴۵: ۹

«موزه و آموزش و تاریخ» ۳۸: ۱۳

«نهر و تاریخ و» ۴۱: ۱۰

«واژه‌ها و اصطلاحات تاریخ اول راهنمایی» ۳۹: ۸، ۳۲: ۷

جغرافیا

«آبشارها چگونه پدید می‌آیند» ۳۴: ۱۱

«آشنایی با کشورهای مسلمان تازه استقلال یافته» ۳۶: ۷

امیراسب‌جنی، کورس ۴۰، ۳۶: ۱۱

«با آسمان‌نما آشنا شو» ۴۷: ۸

«بهترین مکان برای احداث کارخانه کجاست؟» ۴۰: ۱۱

«بولید یک کتاب درس جغرافیا» ۳۳: ۱۱

زبانی، جعفر ۳۵: ۱۲

«جگونگی تدریس علم جغرافیا در مدارس» ۴۲: ۷

جوبسته، مهدی ۳۱: ۱۲، ۳۷: ۷، ۵۲: ۱

«چه عواملی کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد» ۳۸: ۱۱

خوش‌رفتار، رضا ۴۹: ۹

دیوید لامبرت ۳۳: ۱۱

«روش‌های عملی تعیین طول و عرض جغرافیایی» ۵۲: ۱



۶۱: ۷	«مصاحبه با سردبیر رشد نوجوان»	۶۳: ۸	«مروری بر کتابهای حرفه‌وفن»
۶۷: ۷	مقام معلم (شعر)	۶۳: ۸	وفایی‌نیا، حسن
۱۵: ۱۱	«نبوغ یا تلاش؟»		
۵۷: ۱۲	«نقدی بر نظام امتحانی و سنجش»		آموزش دفاعی
۴۵: ۱۳	نقل قول‌ها	۴۸: ۱۲	آخرین سردار (شعر)
	کتابها	۴۸: ۱۲	حسن‌زاده، فرهاد
۶۵: ۱۲	آزمایش‌های علوم تجربی	۴۸: ۱۲	«خدا بدر همه آنها را بیامرزد»
۶۵: ۷	اسلام برای نوجوانان	۳۷: ۱۲	سنگری، محمدرضا
۶۲: ۹	اعرابی، غلامحسین	۳۷: ۱۲	«ضرورت و اهمیت آمادگی دفاعی در مدارس»
۶۵: ۷	انوری، حسن	۴۸: ۱۲	قزوه، علیرضا
۶۵: ۷	باهنر، محمدجواد		مباحث عمومی
۶۴: ۹	بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم	۵۴: ۱۲	«افراط و تفریط در پرورش نوجوانان»
۶۶: ۱۰، ۶۴: ۷	بیرجندی	۴: ۹	«اولویت‌ها در تحقیقات آموزشی»
۶۵: ۱۱	بانصد نکته درباره مطالعه	۴۴: ۱۳	ایرج میرزا
۶۴: ۹	پیتروارین	۵۲: ۹	«بازدید علمی در مدارس»
۶۴: ۹	ترجمه تصویری و تفسیری سوره‌ها	۵۶: ۷	«بگذارید بچه‌ها صحبت کنند»
۶۶: ۸	تقوم اجرایی مدیران مدارس	۵۴: ۱۲	پروین گنابادی، محمد
۶۵: ۱۱	تکبه بر سبز	۶۶: ۷	«تفکرات و تأملات»
۶۵: ۱۰	تکلیف شب	۶۶: ۹	«چگونه دانش‌آموزان را به کتاب خواندن عادت دهیم»
۶۴: ۷	تمرین زبان انگلیسی	۶۶: ۷	خلیل جبران، جبران
۶۴: ۱۰	تمرین زبان انگلیسی برای دانش‌آموزان سوم راهنمایی	۵۷: ۱۲	خلخالی، مرتضی
۶۵: ۱۲	توکلی صابری، علیرضا	۶۷: ۷	دارند، حسین
۶۵: ۸	جان دفت	۴۴: ۱۳	درس استاد (شعر)
۶۳: ۹	جراغی، علی	۴۶: ۲: ۵۸، ۱۲	«درس‌ها و هدف‌ها»
۵۹: ۱۳	خرمشاهی، بهاء‌الدین	۵: ۸	«فرزندم به مدرسه می‌رود»
۶۴: ۸	داستان پیامبران	۴: ۹	کاردان، علی محمد
۶۵: ۷	داستان راستان	۶۱: ۹	«گزارش یک تحقیق»
۶۴: ۹	داستان نماز عارفان	۶: ۱۱	«مبانی تربیت در دوره راهنمایی»

۴: ۱۰: ۶۳: ۹	کاظمی، محمد کاظم	۶۲: ۹	در باره هوا
۶۲: ۹	گریبن، جان و ماری	۶۴: ۸	درس‌هایی از حفاظت آب و خاک
۶۵: ۷	گرنه بوشان سعیدی	۶۵: ۸	درک مفاهیم ریاضی از طریق بازی‌های آموزشی
۶۵: ۸	گنباگ	۶۵: ۱۱	دو پهلوان
۶۵: ۱۲	لطیفی، غلامحسین	۴: ۱۱: ۶۴: ۹	داودی، حسین
۶۲: ۹	لی کیت	۶۳: ۷	رستگار، طاهره
۶۳: ۹	متقی زاده، عباسی	۵۹: ۱۳	رفیع‌الدین اسحاق‌بن محمد همدانی
۶۴: ۷	محمودی، غلامحسین	۶۳: ۹	روزبه
۵۹: ۱۳	مدرس صادقی، جعفر	۶۲: ۹	زمین در حال تغییر
۶۴: ۹: ۶۴: ۸	معتمدی، اسفندیار	۶۵: ۱۱	سادات اخوی، سید محمد
۳۷: ۸	ملکان، مجید	۶۲: ۹	سائک، محمود
۶۴: ۸	موسوی گرمارودی، علی	۱۳: ۶۳: ۷	سعیدی، شاهده
۶۵: ۷	مظهری، مرتضی	۶۴: ۹	سنگری، محمدرضا
۶۵: ۸	نصیرنیا، حسن	۶۵: ۱۱	سیاحت عرب
۶۳: ۷	نظری، مرتضی	۶۴: ۷	سید عباس زاده، میر محمد
۳۷: ۷	نگاهی به تاریخ علم	۵۹: ۱۳	سیرت رسول الله
۵۸: ۱۳	نگرشی نو بر آموزش علوم تجربی	۶۴: ۸	نیرازی، محمدحسین
۶۴: ۷	نوروزی، مهدی	۶۳: ۷	صدوبک آزمایش لذت بخش فیزیک
۶۴: ۸	نیرو، انرژی و منابع انرژی	۶۵: ۱۱	عسگری، یسنا
۶۳: ۷	وان کلیو، جانیس	۶۵: ۱۱	عسگری، گینا
۶۴: ۷	ورزش‌ها	۶۶: ۱	غنائی سراب، محمدرضا
۵۷: ۱۱	وزیرنیا، سیمنا	۶۳: ۷	عوامل موفقیت در تحصیل
۵۸: ۱۳	هارلن، وین	۶۴: ۷	فتحی، هوسنگ
۶۴: ۷	هنر در مدرسه	۶۳: ۹	فرهنگ دانش آموز
۶۵: ۱۱	یوسفی، محمدرضا	۵۷: ۱۱	فرهنگنامه
		۶۴: ۹	فیزیک زنده
		۶۵: ۱۱	قبل، ریس
		۵۹: ۱۳	قرآن شناخت
		۶۵: ۱۱	فوجانی، آفانحقی

فرم اشتراک مجلات آموزشی

بسمه تعالی

شرایط اشتراک :

۱. واریز حداقل مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال به عنوان علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آزادی و ارسال اصل رسید بانکی همراه با فرم تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر انتشارات کمک آموزشی.
۲. شروع اشتراک از زمان وصول فرم درخواست است. بدین است یک ماه قبل از انتمام مبلغ علی الحساب، به مشتری جهت تجدید اشتراک اطلاع داده خواهد شد.

● نام و نام خانوادگی

● نام پدر

● تاریخ تولد

● محل تولد

● پایه تحصیلی

● میزان تحصیلات

● تلفن :

● شهرستان :

● نشانی کامل : استان :

● پلاک :

● کوچه :

● خیابان :

● مبلغ واریز شده :

● کدپستی :

● شماره رسید بانکی :

● تاریخ رسید بانکی :

● مجله درخواستی :

اطلاعات

● مشخصات و نشانی دفتر انتشارات کمک آموزشی
● آدرس: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره چهار آموزش

دفتر انتشارات کمک آموزشی، برای دانش افزایی
معلمان، دانشجویان و کارشناسان آموزش و
پرورش، مجلات آموزشی - پژوهشی رشد را منتشر
می کند.

رشد

وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و

برنامه ریزی آموزشی

دفتر انتشارات

کمک آموزشی

معلم

تکنولوژی آموزشی

آموزش ابتدایی

آموزش راهنمایی

آموزش فیزیک

آموزش شیمی

آموزش زیست شناسی

آموزش معارف اسلامی

آموزش زبان

آموزش زبان و ادب فارسی

آموزش جغرافیا

آموزش ریاضی

● نشانی تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره چهار آموزش

و پرورش، دفتر انتشارات کمک آموزشی، واحد اشتراک

صفحه ۹۰-۱۱۶، ۸۸۳۱۱۶۰۰، صندوق پستی: ۱۳۸۷۵/۳۳۳۱



مجله ریاضی

چرخش

برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی

۱۳۷۶

بهار

۷

سال دوم ، شماره سوم ، بها ۲۰۰۰ ریال



